د مصطفی عمرزی په زیار

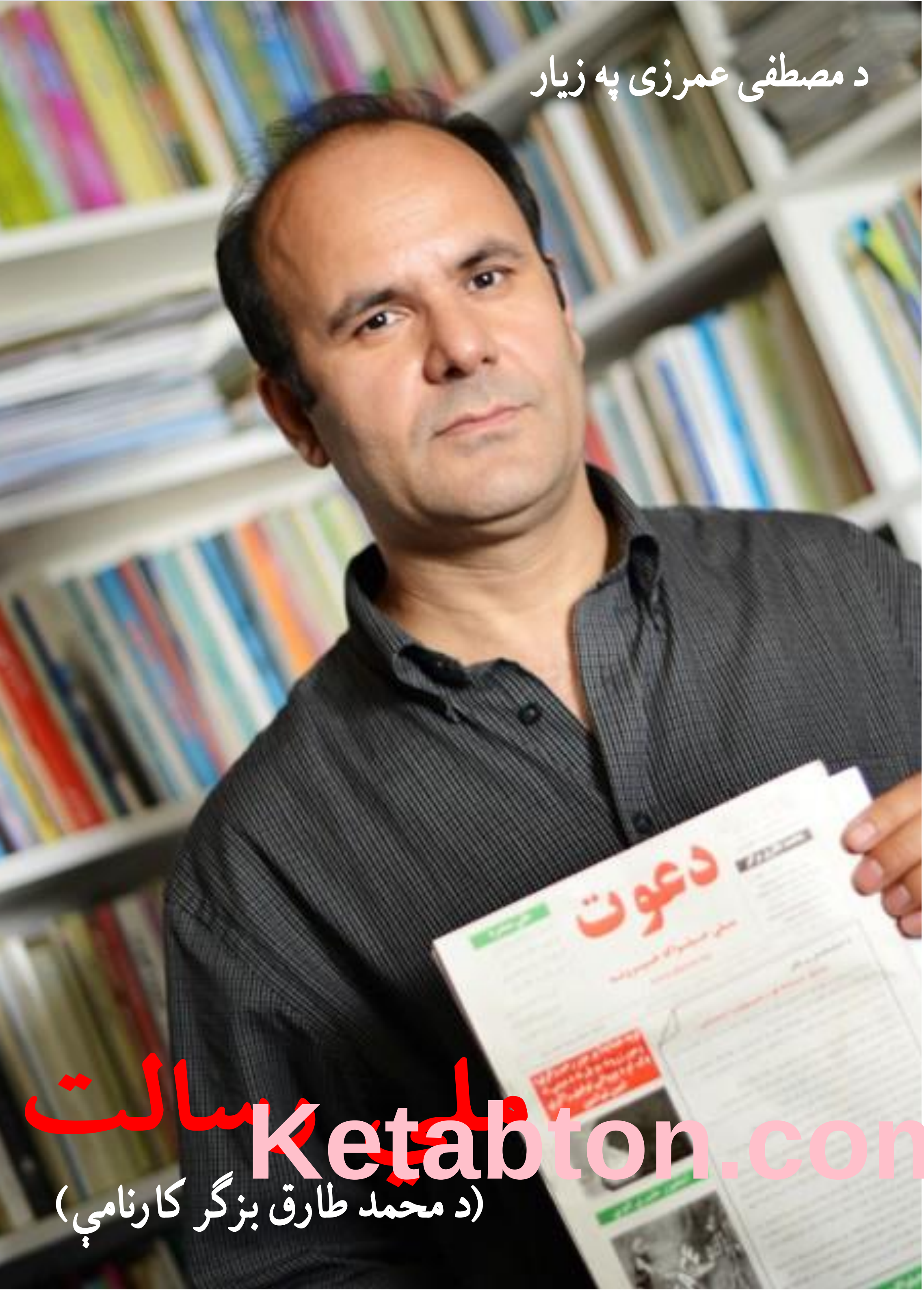

ملي رسالت

(د محمد طارق بزګر کارنامې)

Ketabton.com

(c) ketabton.com: The Digital Library

د لوی خدای په نامه

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت نشريې د يو ديرشم کاليزې په وياړ
به افتخار سی و يکمين سال نشريه ی دعوت

ملي رسالت/ رسالت ملی

(د محمد طارق بزگر کارنامې/ کارنامه ی محمد طارق بزگر)

د مصطفی عمرزی په زيار

2019/۱۳۹۸

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتاب پیژندنه

نوم: ملي رسالت / رسالت ملی

راټولونه، تنظیم او بیاکتنه: مصطفی عمرزی

سمونه: م.ع-م.ط.ب

دیزاین: م.ع

ژبې: پشتو او دری افغانی

مخونه: 203

خپرونکې: م. ط. ب

د چاپ شمیره: لمړی

چاپځی: کی یف-اکراین

ټوکې: 1000

کال: ۱۳۹۸/2019

ISBN: 978-82-691395-3-2

د دې کتاب د چاپي، انلاین او هر ډول خپراوي خوندي دي!

(c) ketabton.com: The Digital Library

په دی کتاب کې:

۱- رسالت ملی..1
لمړی څپرکی/ محمد طارق بزگر..................................5
۲- حبیب الله غمخور..5
۳- محمد نقیب تره خیل...21
۴- قدرت الله هیوادپال..24
۵- محمد سرور وکیلی...27
۶- امرالدین سرحد...28
۷- استاد کم باور کابلی..29
۸- پوهنمل رحمت ځواکمن...30
دویم څپرکی/ دعوت...32
۹- مصطفی عمرزی...32
۱۰- سراج الحق ببرک زی ځدراڼ...................................34
۱۱- کاندیدای اکادمیسین استاد محمد اعظم سیستانی...............40
۱۲- عبدالغفار جُبیر...46
۱۳- قریب الرحمن سعید..48
۱۴- محمد آصف ننګ..51
۱۵- سردار ولی پشتون زوی...54
۱۶- شاهی سعادت...56
۱۷- استاد کاظم بیمار ننګرهاری.......................................58
۱۸- شکریه بارکزی...60
۱۹- داکتر حضرت عمر زاخیلوال......................................61
۲۰- داکتر نبی مصداق...63
۲۱- محمد نقیب تره خیل...66
۲۲- ذاهد جلالی..68
۲۳- داکتر محمد نواب ویساند..70
۲۴- دکتور محمد عثمان روستار تره کی...............................73
۲۵- فهیم نظیمی..75
۲۶- بیکسیار...76
۲۷- داکتر جمشید سمون..79

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۸- اجمل روهی..83
۲۹- سرلوخ مرادزی..85
۳۰- دکتور استاد سید خلیل الله هاشمیان.................................87
۳۱- پوهاند داکتر محمد حسن کاکړ...89
۳۲- داکتر عبدالصمد حامد...93
۳۳- هلمند پردیس..95
۳۴- استاد صباح..97
۳۵- استاد ابوبکر ساپی..102
۳۶- محمد امین بسمل..103

دریم څپرکی/ پیغامونه...106

۳۷- ولي الله ملکزی...106
۳۸- استاد عمر پاڅون...108
۳۹-داکتر صلاح الدین سعیدی..109
۴۰- نجم شینواری...110
۴۱- عظیم الدین علیمی...111
۴۲- استاد صباح...112
۴۳- داکتر لطیف یاد...113
۴۴- عاشق فنا..114
۴۵- ف. هیرمند...115
۴۶- انجنیر فضل احمد افغان...117-116
٤٧- د ادیسی ادبی ټولنی پیغام...118
۴۸- نیک هدایت ځاځی..120
۴۹- محمد ایاز نوری..121
۵۰- استاد محمد اسمعیل یون..123
۵۱- د زلمو پاڅون ټولنه...126
۵۲- محمد یوسف هیواددوست...130

څلورم څپرکی/ د بزګر څیره...132

۵۳- در مستند نارویژی «پناهنده»...132
۵۴- در مطبوعات غربی...136

(c) ketabton.com: The Digital Library

۵۵- ستایش در انجمن فرهنگ افغانی.............................148
۵۶- ستایش در برنامه ی تلویزیونی ستاره های درخشان.........150
۵۷- ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن...................153
۵۸- در گزارش تلویزیون ناروی..154
۵۹- ستایش نامه ها..155
پنځم څپرکی/ د دعوت نوستالژی..163
شپږم څپرکی/ د انځورونو البم...186
معرفی مصطفی عمرزی..200

(c) ketabton.com: The Digital Library

رسالت ملی
(مقدمه)

بی جا نیست اگر اذعان شود مواضع ملی ما از شروع تاریخ بحران (هفت ثور) تا کنون، افغان های بی طرف بوده اند. در این جریان، رفقای خاین که از امکانات دولتی، به جا مردم می افتند، در برابر خود در جبهاتی که از خشم ملت ساخته بودند، افغان ها را بسیج می کردند تا از کشور دفاع کنند. از همان زمان، سلسله ای از آدرس ها از گذشته، آینده و سرنوشت ما می گفتند. در این میان، آدرس هایی که با دیگران/ بیگانه گان گره خورده بودند، حتی در خط مقاومت ملی مردم، شبیه رفقایی عمل می کردند که آرامش خاطر را در کنار روس ها پنداشته بودند. برادران اخوانی تنظیم هایی که از شکم سیری میل کرده بودند از طریق افغانستان به بهشت بروند، آسایش افغان هایی را می گرفتند که دنبال تفهیم مسئله ی ملی می شدند.
رهبران مردمی که حول شاه پیشین، زنده یاد اعلی حضرت شاه محمد ظاهر(رح) گرد می آمدند، در دستان بسته ی شاه مرحوم، ریسمان هایی را می دیدند که ساخت شرق و غرب بودند. در آن سال ها، حتی طرح ملی موضوعات، گونه ای از تکفیر شمرده می شد. بازار الحادی و جهادی از کیسه های غربی و شرقی تمویل می شدند. بنا بر این، حاکمیت دولتی، ممثل منافع شوروی بود و جهاد افغان ها در خط اخوانیسم، از مردم و منافع ما دورتر می رفت. سخن از رفیق و برادر بود، اما ذهنیت افغان پابرجا که مسئله ی ملی را دوباره روی کار آورد، طیف دیگری از افغان ها را متحد می کرد که در هجرت می زیستند.
نشرات داخلی با اباطیل دولتی و نشرات بیرونی، به ویژه در جبهات تنظیم ها، پُر از تضاد و تناقض حامیان الحاد و توحیَد بودند. تورق تاریخ آن روز ها خلاف برداشت های چپی و راستی، محرز می کند محرکه گیریان تنازع، مُهره های بازیگرانی بودند که با عقب و جلو، بگیر و ببند، فتح و سقوط شهر ها در کمال راحتی و آرامش، در جلسات شرقی و غربی گرد می آمدند تا از همدیگر باج بگیرند یا به بهانه ی جنگ، صلح کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

در واقع یافت تصویر واقعی مردم قربانی ما در آیینه ای متصور بـود کـه خود آنان ساخته بودند. رسالت ملی محمد طارق بزگر، بخشی از علایق انسانی، شریفانه و ملی افغان هایی ست کـه در دیـار هجـرت، در پشـت جبهات جنگ و فراموشی، مردم را به یـاد افغانسـتان مـی انداختنـد. آن وطن، تداعی روز هایی بود که آزاد بودند.
تلقین حس ملی به طیفی که در گیر و دار قربانی می دادنـد و در سـوی دیگر در دیار هجرت، از اصل گسسته می شدند، سـعی ای بـود کـه در کورسوی درک همه گانی، اما مجریان و قربانیان جنگ را به باور های ملی، نزدیک می کرد.
تا پایان حکومت ملا برهان الدین ربـانی، منـافع و مصـالح ملـی، قربـانی موضع گیری هایی شده بودند که به اصطلاح در حد سگ جنگی های داخلی، گروه های متخاصم را به جان هم می انداختند تا با اشغال چنـد منطقه و ساحه ی ویران، از فتوحات دم بزنند.
امید های مردم با حاکمیت تنظیمی نابود شدند. بنـا بـر ایـن، روشـنگری هایی که همچنان هویت افغانستان را از لجن پـی آمـد تجـاوز شـوروی بیرون کنند، افغان های بی طرف، اما صاحب درک را به قربانی و ایثـار بیشتر می کشاندند.
کتاب «رسالت ملی»، روایت مستند از زنده گی یک فرزند با درک و با وجدان این کشور است. من در این تجربـه در انظـار بزرگـانی کـه ایـن جریان(دعوت محمد طارق بزگر) را بهتر از من می شـناختند، بـه نقـاط پایان نکات مهم رسیدم. این افاده، خوب تر از آن چه سعی مـی کـردم از منظر احاطه ی من بـه تـاریخ، بخشـی از رسـالت ملـی یـک افغـان را تاریخی کند، اهمیت دارد.
راویان «رسالت ملی»، ماخذ و منابع این کتاب اند. از کوچک تـرین هـا (به لحاظ سن) تا بزرگ تر ها (به لحاظ دانـایی) مسـتندی از زنـده گـی مردی پرداخته شده است که در نمونه های او، بسیار نیسـتند. بخشـی از این روایت برای من که در جریان جهاد بزرگ در کابل غمین، تکاپوی رفقای خاین را شـاهد بـودم، ضـم مهـم اسـت؛ پشـت جبهـه ای کـه از پاکستان تا فراسوی مرز ها، افغان هـای دردمنـد را در سـوگ وطـن در مجامع مهاجران و پناهنده گان گرد مـی آورد تـا در فـراق کاشـانه عـزا

(c) ketabton.com: The Digital Library

بگیرند، اما یاد شان نرود سرنوشت مملکت در گرو افکاری ست که یکی با دعوت دیگری از زنگاره های باد و بوران تاریخ می زدودند.
تامل روی برگ های دعوت، خلاف برداشت دیگران، صورت حال صفای افغان هاست. در این کوشش در هجرت سعی می کردند هستی و زنده گی از حافظه ی افغان ها فراموش نشوند.
روایت سیاسی، جهادی و خبری سال های بحران، قسم معمول نشرات افغانی، به ویژه افغان های مهاجر بود، اما ویژه گی بسیاری آن ها با ترسیم اصالت های زمان صلح، از نگرانی دایم حرف می زد.
محمد طارق بزگر در مجموعه ای از نوشته هایی که به مناسبت های دعوت، پیرامون او و نشریه اش نوشته اند، حضور محسوس تاریخی دارد. بر این اساس ترجیح دادم به حرف دوستان و بزرگانی گوش دهم که بسیاری در شمار افغان های مهاجر، خیلی بهتر از برداشت من از کارنامه ی او می دانند: قیمت سال ها ایثار و دردسر فرهنگی در دیار هجرت، چه قدر است؟
راویان کتاب «رسالت ملی»، رسالت ملی محمد طارق بزگر را مشروح کرده اند. کار من در این اثر، بیشتر تنظیم نقش ها، نگاره ها و نوشته هایی بود که گزیده ای از دعوت ملی، اسلامی و افغانی ما برای تحفظ سرزمین آبایی و اجدادی نیز شمرده می شوند.
آشنایان دعوت و دوستان بزگر با شرح ماوقع بخشی از گذشته ی ایثار یک فرزند باوجدان این کشور، راه گشایند تا در این مثال، بازخوانی تاریخ غیر سیاسی افغان ها هم که رابطه ی منطقی آنان با قبل از هفت ثور است تفهیم کند: نیاز به گردآوری و تنظیم تاریخی داریم که در برگ های زمان هجرت در هر جا که قدوم افغان های دردمند، شروح مهاجرت هستند، با محتوای ملی به چشم می خورند.
در این کتاب، گزیده ای از نگرانی های افغان های آگاه در واقع ابواب نو می گشایند تا از عواطف، درک و احساسات ملت که در حاکمیت های کمونیستی، تنظیم و ملایی، اما حق حیات ما را فراموش نکرده بودند، به پیام هایی ملحق شوند که از مجموعه ی آن ها صدای ملت افغان در هرج و مرج سیاسی، زیر فشار های شرق و غرب، هرگز خاموش نشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوشته های این مجموعه، گزیده هایی از وقت و ناوقت مناسبت های دعوت و بزگر می باشند؛ عواطف گره خورده ی درهم که غایه ی آن ها شرح ماجرای رسالت ملی است؛ آن ها را در مقام تبیین نیاز ها، منافع، مصالح و اولویت های ما قرار می دهند.

مبدا، محتوا، ارزش و تداوم نوشته های فرهنگیان و قلم به دستان، این کتاب را در نتیجه ای مختص می کنند که منظور آنان از کار فرهنگی، غایه ی خدمت به مملکت و حفظ شوونات آن است.

رسانه ی دعوت و محمد طارق بزگر، دو نام پیوسته به هویت و مملکت ما در سال هایی شناخته می شوند که سرمایه های کلان مالی و بشری در جبهات شرق و غرق، حیف و میل می شدند.

مرور دعوت تاریخی مردم ما آشکار می کند اگر این محور ها (امثال دعوت و بزگر) نبودند، زاده گان زمینه ی جنگ و ویرانی در منظر تار و تاریک حیات محکوم به فنا، چه گونه آگاه می شدند که گذشته دارند و بخشی از آنان با هجرت در دیار غربت فراموش نکنند افغان استند!

مصطفی عمرزی
۱۱/ ۸ / ۱۳۹۷ش
آپارتمان های مارکیت ملی
کابل- افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

لمړی څپرکی:
محمد طارق بزګر

د محمد طارق بزګر د دعوت جریدې
او ویب پاڼې مسوول مدیر لنډ ژوندلیک
حبیب الله غمخور

د پښتو ادب ستوري الفت صاحب د دې ښکلي شعر په لوړېښې سره زموږ د دې ځوان او هڅاند فرهنګي شخصیت، لیکوال، او ژورنالیست ښاغلي محمد طارق بزګر لنډه پېژنده پیلوم.

د وطن د شرف سپریم نه وېرېږم
که د تورو ګذارونه دم په دم خورم
دا خوږي، غوړي کولي دې وي د نورو
د وطن د فاع کښې زه ګولۍ د بم خورم
چې په سر مې د وطن خدمت منلی
څه پروا ده که خپل سر لکه قلم خورم

د ښاغلي محمد طارق بزګر زموږ تکړه لیکوال او فرهنګی څېرې **۲۳** کلن فرهنګی او ولسي چوپړ یادغونډې ته ئي ډالۍ کوم.

د پیل خبري:
درانه لوستونکي خبر دی چې د سویډن پلازمېنه ستوکهلم په ښار کې زموږ دځوانانو د ((زلمو پاڅون ټولنې)) لخوا د ځوان فرهنګي څېرې د علمي او فرهنګی چوپړ د درنښت په ویاړ د روان کال د دسمبر پر لسمه یوه درنه غونډه رابللې ده.

یا خو ښاغلی محمد طارق بزګر صاحب ځوانه فرهنګی څېره ده او یا خو لا موږ تر اوسه دې کچې ته نه یو رسېدلي چې د خپلو شخصیتونو ژوندلیک ولرو. د غونډو د معمول او دغې تشې د ډکېدو په موخه مې پرېکړه وکړه د خپل دې فرهنګی دوست د پېژندلیک د مانۍ ډبره کښېږدم.

پدې پوره باور لرم چې د بزګر صاحب ژوندلیک به تر دې چې ما لیکلئ څو ځله اوږد او لوستل به ئي زموږ ځوان نسل ته ګټور وي. سره

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دې چې د ښاغلي طارق بزګر صاحب د کار او فرهنګي چوپړ سره به ډېر هیوادوال اشنایي ولري، خو د دې لیکنې نه زما موخه داده چې له یوې خوا مې د هغه زیار او زحمت ستاینه کړې وي او د بلې خوا مې لږ او ډیر د دې درونډ شخصیت په هغو اړخونو لوستونکي خبر کړي وي چې دوئ لا پرې خبر نه دي.

کله چې سویډن ته راکډه سوم دلته مې د فرهنګي ګټورو کارونو چې موخه ئې له یوې خوا په بهر کې د افغاني کلتور ژوندی ساتل او د بلې خوا ځوان نسل د دې کلتوري ارزښتونو سره په پیوند کې روزلو اړتیا احساس کړه، له نېکه مرغه دغه هدف ته د رسېدو لپاره د خپلو یو شمیر هیوادوالو ملاتړ مې سم دواره احساس کړ. د دوئ په هڅونه مې فرهنګي کارونو او پدې برخه کښې د ګټورو ګامونو پورته کولو ته زیاته پاملرنه وکړه. زما د همدې وطندارانو د هڅونې او ملاتړ په پایله کښې پر دې بریالی سوم په ۲۰۰۰م کال کې د لومړي ځل لپاره د پښتو ادب ستوري، سیاسي او ادبي شخصیت ارواښاد ګل پاچا الفت په ویاړ نړیوال علمي سمینار د مالمو په ښار کې جوړ کړ. په همدې سمینارکښې د ډیرو فرهنګي، علمي او سیاسي شخصیتونو تر څنګ د دې منلي او هڅاند فرهنګي شخصیت سره معرفي شوم. زموږ دوستی او د ګران هیواد افغانستان لپاره ګډه فرهنګی همکاري او هڅې تر نن ورځې پورې دوام لري.

دا چې په سویډن کښې د ژوندو فرهنګیانو، ادیبانو، شاعرانو او ژونالستانو د ستاینې او هڅونې، د ملي او وطني چوپړ د درناوي او ارزونې په ویاړ یو په بل پسې درنې غونډې جوړېږي، زما او ټولوافغانانو لپاره د ویاړ ځای دی.

دې ټکي ته مې پدې خاطر ګوته ونیوله چې له بده مرغه تر اوسه لا څنګه چې اړینه ده او په نورو ولسونو کې د ملي عنعنې بڼه لري په موږ افغانانو کې د خپلو ژوندیو څه قدر نسته. کله چې خدای نخواسته مړ سي، یوه نیمه ورځ ئې ویر وکړو او بیا د ابد لپاره رانه هیر سي. هغه د محترم ننګیال صاحب خبره ((نه د ژوندو چندان قدر کوو او نه د مړو.))

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دې ناخوالو سره پدې وروستۍ لسیزه کښې د ځوانو فرهنګیانو او روڼ اندو په هڅو او تلاښونو د فرهنګي ټولنو په منځ معقوله مبارزه روانه ده. د همدې ملي او معقولو تلاښونو په پایله کښې دا دي اوس د دې پروسې شاهدان، یو چې نه یوازي له هیواد نه بهر بلکې د داسي ستاین غونډو لمن تر افغانستان پوري هم غزیدلي ده.

اوس د ژوندیو لیکوالو، ادیبانو، شاعرانو، ژورنالیستانو او فرهنګیانو د ملي او وطني چوپړ درناوی کیږي او د هغوئ د ستاینې په موخه علمي او ادبي درنې غونډې جوړیږي او د همدې غونډو د جوړېدو په درشل کښې زموږ د ټولنې د ژوندیو ویاړونو ستاینه کیږي او هغوئ نور هم علمي او ادبي چوپړ ته هڅول کیږي.

زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه یوازي فرهنګي شخصیت دی بلکې یو کارنده ژورنالست او تکړه لیکوال هم دی. د دعوت جریدې لپاره ټولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم لیکل سوی، چې د ده د پوهې او وطني مینې ښکارندویه بېلګه ئې ګڼلاي سو.

ښاغلی محمدطارق بزګر نه یوازي د بیلابیلو مقالو په لیکلو سره بلکې دا ((۲۳)) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ایزو رسنیو په أسمان کښې د دعوت په نوم جریدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې ئې نه یوازي دا چې د خپلو لیکوالو او سیاسي څېړونکو نظریات تر هیوادوالو او نړیوالو رسولي، دا دي اوس ئې د ۱۹۹۷ کال را پدې خواد دعوت جریدې د نشرېدو تر څنګ دعوت ویب پاڼه پرانیستې او له دې لاري هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان لیکوالو ته د خپلو نظریاتو، علمي او ادبي لیکنو د نشر پوره امکانات برابر کړي دي.

ماته رامعلومه ده چې په بهر کې د یوې چاپي رسنۍ د کار پرمخ بېول څومره ستونزمن کار دی، خو ویاړ ئې پدې کښې دی چې د همدې رسنۍ په منځ لیکوال او ولس یو د بل په حال خبرېږي. ماته د بزګر صاحب هڅې او تلاښونه له نږدې معلوم دي او د ده د دې فرهنګي چوپړ په ملي ارزښت پوهیږم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پر ټنډه لیکل سوی چې میاشتنی خپرونه ده، خو زه به ورته ورځپاڼه پدې خاطر ووایم چې په دعوت کې خپاره شوی مطالب دومره عالي او بډاي وي چې په یوه او دوو میاشتو کې نه زړیږي.
زه زموږ ځوان نسل ته مشوره ورکوم چې هره ورځ دعوت ته مراجعه وکړي او له هغه سره په مشوره د هیواد او نړۍ په هکله نوي نظرونه، نېکې مشورې او معلومات ترلاسه کړل شي.
زه نه غواړم پدې لیکنه کښې چې د بزګر صاحب ژوندلیک ته مې ډالۍ کړېده د دعوت جریدې پر فعالیت او ملي ادبي ارزښت باندې ډېرې خبرې ولیکم. دومره غواړم څرګنده کړم چې دعوت اوس یوازې داسې خپرونه نه ده چې د ملي کلتور او ثقافت ساتلو او ادبیاتو په پیاوړتیا کښې ویاړلۍ ځای لري، بلکې د افغان قلموالو په بې ساري مرستې د افغانستان د سیاسي، اقتصادي، فرهنګي او ټولنیزو پېښو د څو کلن تاریخ په کتابتون او أرشیف او د ورځنیو مسائیلو په اړوند د افغان ولس د نظریاتو او عقایدو د انعکاس په ډګر بدل سوئ دی.
طارق صاحب د لیکوالۍ او فرهنګی چوپړ په برخه کې د قلم چلولو تر څنګ د افغانستان د سیاسي حالاتو په اړوند هم د ننداره کوونکی په توګه ندی پاته سوی. د خپل ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې د ملي ګټو او هیوادوالو د هوسا او بسیا ژوند راوستو لپاره هم د فرهنګی ژوند د امکاناتو په چوکاټ کښې تلاښونه کړې دي او پر دې لار تر اوسه هم روان دی؛ څکه خو ئې د افغانستان په اړوند په ټولو هغو کنفرانسو او غونډو کې چې په اروپایي هیوادو کښې جوړ سوی، فعاله برخه اخیستې؛ په کومو کې چې د ګډون حق او بلنه ورکړه سوې ده. همدا ډول ئې د اروپا په مختلفو هیوادو کې د فرهنګی ټولنو په نوښت علمی او څېړنیزو کنفرانسونو، سمینارونو او غونډو کې هم فعاله برخه اخیستنې ده. دا خو لا پرېږده چې دا ۲۳ کاله د کډوالۍ د ژوندله ټولو کړاونو او سرګردانیو سره د دعوت جریدې او دعوت ویبپاڼې د خپرېدو تر څنګ دا دی اوس د یوه پښتو ژبي تلوېزیونی چینل د جوړېدو لپاره شپه او ورځ نه ستړې کېدونکی تلاښونه کوي.
زه محمدطارق صاحب ته پدې وطنی او ملي فرهنګی چوپړ کښې د لازیاتو بریاو په غوښتلو سره خپلې تبصرې لمځی رانغاړم او غواړم درنو

(c) ketabton.com: The Digital Library

لوستونکو ته په لنډو ټکو کښې د دوي دغه فرهنګي چوپړ دبڼ د مالیار، تکړه لیکوال او ژورنالست وروپېژنم.

زېږېدنه، یا دې نړۍ ته سترګې غړول:

د پښتو ژبې دغه پېژندل سوې څېره او ژورنالیست محمد طارق بزګر لـه نن څخه پوره ۴۵ کاله پخوا دې نـړۍ تـه پـه ۱۳۴۵لمریـز کـال د کنړ ولایت د نرنګ ولسوالۍ اوسېدونکی ارواښـاد عبـدالقیوم بزګـر پـه یـوه منوره او متدینه کورنۍ کښې دنیا ته سترګې غړولې دي.

ارواښاد عبدالقیوم بزګـر د کابـل پوهنتـون د حقوقـو او سـیاسي علومـو پوهنځی نه تر فارغېدو وروسته د ظاهر شـاه او داوودخـان پـه رژیمونـو کښې مختلفې دولتي دندو په کار ګمارل سوئ دي او هغه ئـې پـه پـوره امانتدارۍ او صداقت سرته رسولې دي.

ښاغلي طارق بزګر لومړنۍ او منځنۍ زده کړې د کابل ښـار پـه مختلفـو ښوونځیو کښې سرتـه رسـولې دي. نومـوړی لا د کابـل ښـار د نـادرېې لیسې پـه یولسـم ټـولګۍ کښـې پـه زده کـړې مصروف و چـې دی پـر افغانستان د شوروي اتحاد د یرغل په وړانـدې د مخالفـت لـه مخـې پـه ۱۹۸۰ کې له کابل نه د پېښور په لور هیواد پرېښېدو تـه مجبـور سـو؛ پـه داسې حال کې چې کورنۍ لا په کابل کې اوسیده.

د نوموړی په وینا هلته هم د کورنۍ لخوا ورته تل د زده کـړو سپارښـتنه او هڅول کیده، ځکه خوئې عالي تحصیلات د پېښور په اسلامیه کـالج او د پېښور پوهنتون نه په سیاسي علومو او اسلامیاتو په برخه کښې عالي او مسلکي تحصیلات په برۍ پاي ته ورسول.

په کوزه پښتونخوا کښې تر اته کاله ژوندکولو وروسته په ۱۹۸۸ ز کـال د یوازې د ناروی هیواد ته رامهاجر سو. د هغه کره معلوماتو له مخې چـې په ناروی کښې ئې د ښاغلی طارق بزګر په اړه لرم دلته ئې هـم د نـاروي دلوړو تحصیلاتو په موسسه کښـې (Bodø High School Norway) انترنیتی ژورنالیزم ولوست او تر هغه وروسـته ئې دکـانبرن (Canburne University) په پوهنتون کې د ژورنالیزم په برخه کښې تحصیل کـړی او تر اوسه په زده کړو بوخت او وایي چې تر څو ژوندی وی زه بـه تـل یو زده کوونکی یم.

لیکوالي او فرهنګي چوپړ:

(c) ketabton.com: The Digital Library

بزگر صاحب وايي لمړی ځل مې په ۱۹۸۲ ز کال پېښور کې د کډوالۍ د ژوند په شرايطو کښې د مقالوپه ليکلو پيل وکړ چې تر ۱۹۸۸ ز کال پورې د افغانستان او نړۍ په مختلفو رسنيو کښې په پښتو، دری، اردو او عربی ژبو خپرې شوي دي. طبيعی ده چې تر اوسه ئې له نبکه مرغه د قلم رنګ نه دئ وچ سوی او ګوتې ئې د قلم ښورولو او ماغزه يې د تحليل او مسائيلو د څېړلو پوره او غښتلئ توان لري. پر دې خدای ورکړي استعداد دې نور هم برکت وي.
د دې هڅاند ليکوال او له هيواد سره مينه ناک ژورناليست د ليکنو تنده پرديو رسنيو نسوای ماتولای. همدا دليل وو چې پس له ډېر زيار او زحمت نه ئې پخپله د يوې چاپی رسنۍ ((دعوت)) په نوم مهالنۍ خپرونې چې بيا وروسته په جريده بدله سوه په خپرېدو لاس پوري کړ. دعوت دا ((۲۳)) کاله په خپلو ((۲۳۰)) خپرو شوو ګڼو کښې چې د نړۍ تر پنځوسو هيوادو پوري رسېږي، افغان ولس ته د خپل هيواد او ټاټوبې سره مينې او محبت د د ې ټاټوبې اوسېدونکو ته د انسانې چوپړ، په هيواد کې د هوسا، بسيا او دموکراتيکې ټولنې د جوړېدو لپاره د ملي، علمي، سياسي، ادبي او فرهنګی رښتيانې او ګټور چوپړ دعوت ورکړی. دې خپرونې هيڅ کله خپل نظر او عقيده پر لوستونکو او د هيواد سياسي، ټولنيز او فرهنګی بهير پر مينه والو نده تپلې، بلکې د خپل نظر د ځرګندولو تر څنګ ئې تل د افغانستان د مختلفو سياسي، علمي، فرهنګی او مذهبي څېرو نظريات او عقايد تر خپلو لوستونکو او مينه والو پوري رسولي دي.
دعوت خپرونې او دعوت ويبپاڼه کښې د ورلېږل سوو ليکنو او مطالبو خپرولو مسوولیت د محمدطارق بزګر پر غاړه دی، خو په دعوت جريده اودعوت ويبپاڼه کښې د نظرياتوخپرول او په خپلو نظرياتو افغان ولس خبرول د هر ليکوال او د عوت قلمی همکار دنده او مسئوليت دی. اړينه ئې بولم ځرګنده کړم چې د څو کالو راپدې خوا دعوت جريده په پښتو، دري، انګليسي اوناروېري ژبو ليکنې خپروي.
د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ۲۳ کلن علمي او ادبي چوپړ ارزونې په اړوند، زه يوازې د دې نشراتي ارګانو د قلمي همکارانو او لوستونکو دڅو دوستانو د ليکنو او پېرزوينو څو ټکی د بېلګې په توګه

(c) ketabton.com: The Digital Library

را اخلم، تر څو درانه لوستونکي د دې نشراتي ارګانو او خپله ښاغلي بزګر صاحب د ژورنالستیک او فرهنګي خدمت د ارزښت او رول په هکله تر یوه بریده معلومات پیدا کړي.

ښاغلی ډاکټرصاحب نبي مصداق لیکي:

تاسو د ډېرو اقتصادي ستونزو سره سره دعوت وچلولو او د خوښي ځای دی چې ځان لپاره مو د افغانستان په مطبوعاتو کې د تل لپاره نیک نوم وګټلو. اوس چې هماغې جریدې تر څنګ ډیر اصلاح شوی او ښایسته ویب پاڼه هم پر مخ بیایې ډیر د خوشالي او افتخار ځای دی. ځکه مونږ دا دی درې لسیزې کیږي چې د نړۍ په هر ګوټ کې خواره شوی یؤ. دعوت جریدې ته د انتظار پر ځای، د ویب پاڼې له لارې د افغانستان په پیښو هره ورځ خبریږو.

زموږ بل د غښتلي قلم څښتن استاد صباح صاحب دعوت ارزونه کړې وایي:

نشریهء دعوت به مثابهء یک نشریهء ملی و وطنی در امر اطلاع رسانی و آگاهی عمومی، کار های نهایت مفید و ارزنده ای را انجام داده است.

تکړه لیکوال او ژباړونکي رحمت آریا صاحب د استاد صباح سره همغږي لري لیکي:

دعوت د خپلې ناپیلې او بې پرې تګلارې پر بنسټ د افغاني- پښتني دود او پښت د رغښت لپاره د خپلو نه ستړي کېدونکو هلو ځلو له لارې پیاوړې لاس ته راوړنې لري او ویاړ یې د افغانانو د ټولنیزو فرهنګي بنسټونو پرځلانده تندي د ځلانده ستوري په توګه ځلیږي.

هره لاره ځانته لوړې او ژورې لري، په ځانګړې توګه د افغانستان ناورین ځپلي ټولنه چې د ټولنیز ژوند هرګوټ یې د درو تېرو لسیزو خونړیو جګړو په ترخ کې په ژورو ګړنګونو اوښتی دی.

جګړې نه یوازې زموږ مادي شتمنۍ لوټ کړې، بلکه زموږ معنوي ارزښتونه یې را دړې وړې کړل. نیواکګرو او ښکیلاکګرو ځواکونو د دغې ټولنې هره برخه ونړولهؤ خو د ډیرې خواشینۍ ځای دا دی چې دغه نړونه نه یوازې پردیو وکړه، بلکه یو شمیر ککړو افغان لاسونو هم پردیو ته په چوپړ کې د دغې نړونې پر اور دومره تیل ور توی کړل چې ان پردې په خپله ورته هک پک پاتې شول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هرگوره! د دعوت ویبپانه یوه له هغو رغښتگرو زړه سواندو لاسونو څخه ده چې د دغې ورانۍ په بیا جوړونه کې شپه او ورځ نوښتگرې خولې تویوي.

په وروستیو وختونو کې د دعوت ویبپاڼې انځوریزه مخښه هم په نوې بڼې راواوښتله او د پخوانۍ مخښې په پرتله یې لا ښکلا وموندله.

کاندیدای اکادمیسین او تاریخ پوه محمداعظم سیستانی صاحب هم د دعوت ستاینه کوي وایي:

دعوت با چاپ، نشر و توزیع ۲۱۱ شماره، واقعاً رسالت بزرگ ملی و فرهنگی خود را در جهت آگاهی دادن و آگاه ساختن هموطنان خود از تازه ترین تحولات اجتماعی و سیاسی متعلق به کشور جنگ زدهٔ افغانستان، به دوش گرفته و تا آن جائی که من می بینم، این رسالت را به نحو تحسین برانگیزی ایفا کرده و می کند.

ښاغلی پوهاند دوکتور مجاوراحمدزیار صاحب د دعوت دشلمې کالیزې په مناسبت خپل لیږل سوی پیغام کښې لیکي:

زه پر خپل وار د دغې ټولمنلې مهالنۍ شلمه کالیزه گران او هڅاند رسنوال دوست محمد طارق بزگر ته نیکمرغه او ښه وایم. ټولمنلتیایې تر هرڅه له مخه په دې دوو ټکوکې نغښتې چې یوخوایې د درو خپرنیو (پښتو، پارسي او انگلیسي) ژبو په کارونه د قلمي همکارانو او لوستونکو کړۍ ښه ترا غځولې او بل یې له ټولو رسنیزو اړونو سره سم هرې اندپوهې او لیدتوگې ته خپله غېږ تل پرانېستې پرې اېښې ده. په دې توگه یې د هغو لنډ اندو بنسټپالو او بېلتونپالو د بېځایه نیوکو پلمه له منځه وړې چې گڼ تاریخي هېواد او هېوادوال د خپلو ناولو سیاسي، اندپوهیزو او ژبتوکمیزو او بیا د بهرنیو بادارانو له گټو وټو ځاروي.

د ژوند په داسي ناخوالو کې یې ډېر کم خلک شل کړي، خو ها د صالح محمد صالح صاحب خبره ستاسو دعوت ستاسو په افغاني همت او د پښتو او وطن سره د بې دریغه مینې او محبت په احساس سره دا دې شل کړه.

مطبوعاتي کار او دیوې ملي خپروني پرمخ بیول هغه هم د غرب په لالهانده ژوند او د وطن په داسي وینو لړلی، لړزانده او د رنگونو په بازار

(c) ketabton.com: The Digital Library

کې د زړه خوږ غواړي چې څوک دي شل کاله ور باندي ووهي او ځان ته لوی ویاړ تر لاسه کړي.

زموږ پیاوړی لیکوال په استرالیاکې مېشت افغان ښاغلي هدایت الله هدایت صاحب، خپله ارزونه پدې ښه زموږ او تاسو سره شریکوي:

محترم بزگر صاحب!

تازه ستاسو د دعوت ویبپاڼه هم د شکل او محتوی د لحاظه ډېره ښکلې او بډایه سوې او په افغاني حلقو کې یوه مطرح او درنه پاڼه گرځېدلې ده.

تاسو گران د دعوت په خپرونو کې د بیان و آزادی او وطني رسالت ته مو ښه پوره میدان ورکړی دی چې دا کار ستاسو د پراخ نظر او وطنپالني استازیتوب کوي. هغه باور او درناوی چې تاسو گران یې و ورځنیو ملي غوښتنو او پښتنو ته کوی او هغه واقعیتونه چې تاسویې په دعوت کې منعکسوی، نو ستاسو پاڼه یې د زیات قدر وړ گرځولې ده.

د کابل پوهنتون استاد کاظم بیمار صاحب لیکي:

د دعوت جریده او بریښنا پاڼه د تاسیس د ورځې څخه بیا تر نن پورې د گران هیواد افغانستان او هیوادوالو په خدمت او چوپړ کې ده. او په دغه لیار کې مخ په وړاندي روانه ده او د حقایقو په نشر-او خپرولو کې یې هیڅ وخت دریغ نه دی کړی او د هیچا او هیڅ قدرت تر تاثیر لاندي نده تللي او هیڅکله یې ځان په ژبني، قبیلوي، مذهبي او سمتي تعصبونو او تبعیضونو ندی ککړ کړی.

دعوت، بیطرفه جریده او بریښنا پاڼه ده؛ مگر بې غرضه نده، ځکه چې د خپل هیواد د ملي مصالحو او د وطن د تمامیت مسوولیت په غاړه لري. دغه غرض ته د رسیدلو لپاره یې تل ملي څیرې او ملي مبارز شخصیتونه را دعوت کړي چې د وطن د ملي مصالحو او ملي گټو څخه په دفاع قلمي مبارزې ته پرله پسې دوام ورکړي.

له امریکانه استاد قدرت الله فرهاد صاحب بیا وایي:

دعوت ربښتیا شل کلن ښکاري. له دعوت سره زما اړیکه وه او ده چیرته چه د پښتو شمع بله شي، هلته پتنگان وي.

د افغانستان له پلازمېنې کابل ښارنه ښاغلی احمد فرزان صاحب لیکي:

(c) ketabton.com: The Digital Library

د پښتو په رسنيز بهير کی دعوت ځانګړی ځای لري. ښايي د اوسنيو ټولو پښتو خپرونو او خپرنيزو بنسټونو سرلاری يی وګڼو. زه د زړه له تله خوښ يم چې زموږ فرهنګي او قلمی ملګري په دی توانيدلي چې د خپلی ژبی لپاره يی د چوپړ دونه اوږد واټن طی کړی او لايی هم ورته ملا تړلي چې تر منزل مقصود پوري ځان ورسوي.

ښاغلی عمر پاڅون ليکي:

زه دعوت سره د ۱۹۸۸ کال راهيسې په اړيکه کې يم. دعوت د لاس په ليکلو د خپل منزل په لور رهي شو. ډير زر يې ټايپ ته لار ومينده چې په ډير لنډ وخت کې کمپيوټر ته ننوت چې چاپي جريدې سره يې يوه د دعوت ويبپاڼه د ۱۹۹۷ نه هم خلاصه کړه. اوس دعوت يوه جريده نه بلکه يوه ميډيا ده چې نن په زرګونو لوستونکي لري.

دعوت نه يواځې افغانانو ته په پښتو او دری، بلکه بهرنيانو ته هم په انګليسي او ناروېژي ژبو په زړه پورې ليکنې وړاندې کوي. همدا سبب دی چې ډير بهرنی لوستونکی او ليکونکی لری.

انجنير فضل احمد افغان له کاناډا نه پدې هکله خپل نظر د لوستونکوسره پدې بڼه شريکوي:

زه وياړم چه د دعوت د ويبپاڼی سره اړيکې لرم او ښی زده کړی ورنه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلې شپې او ورځی مو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دين، سولې، آزادۍ او استقلال له پاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسی نور بری غواړم.

محمد اياز نوری صاحب له هالنډ نه د انجنير فضل احمد افغان دخبرو پخلی کوي وايي:

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقيقت په ويلو استوار وو او دي. قلمي همکاران يې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې يوه رسنۍ د يوه واقعاً ملي مبارز شخصيت لکه محمد طارق بزګر صاحب له خوا اداره کيږي، معلومه ده چې هلته ملي خاين ور نشي ورټکولای.

د دعوت جريدې او دعوت ويبپاڼې د ارزونې کړدۍ لمځۍ د ګران ځوان او تکړه ژورنالست صالح محمد صالح پدې ټکو رانغاړم چې

(c) ketabton.com: The Digital Library

وايي: بزګرصاحب! دعوت شل کړه. هغه وړانـدي ليکـي، دعـوت هغـه خپرونه ده چې په تېرو دوو لسيزو کې يې د افغان ولس ملګرتيا کړې او که نورو دې ولس ته ټوپک او ټانـک ډالـۍ کـړي دي، خپرونـې ورتـه پوهـه، مينـه او وروروليي ورکـړې ده. د نېکمرغـۍ ځـای دی چـې دې خپرونې دوې لسيزې عمر وکړ. ډېرې خپرونې خو داسې دي چې تر يو څو ګڼو وروسته يې بيا څرک نه لګېږي، خو دعوت برېښـنايي نـړۍ تـه هم لار خلاصه کړه او د نړۍ هر ګوټ ته يې ځان ورساوه، چـې پـه دې برخه کې د ښاغلي محمد طارق بزګر هڅې د ستاينې وړ دي؛ چـې پـه دومره بوخت ژونـد کـې يـې شـپه او ورځ پـر ځـان يـوه کـړې او دغـې خپرونې ته يې ژوند ورکړی.

غواړم دا خبره وکړم چې ماد دعوت جريدې او ويبپاڼې په اړوند د ځينو پوهانو نظرياتو ته يوه ځغلنده کتنه پدې خاطر وکـړه چـې دغـه نظرونـه پخپله د ښاغلي طارق بزګر د لنډ ژوند اوږد داستان بيـانوي، پـه لوسـتلو ئې لوستونکی ته له ورايه څرګندېږي چې ولـې مـوږ د ده قـدر کـوو او ولې ځوان نسل دې ته رابولوچې د خپلو فرهنګيـانو، اديبـانو، پوهـانو او عالمانو په نظرياتو او هڅو ځان خبر کړي.

په علمي غونډو او سيمينارونو کې برخه اخيستل:

لکه څرنګه چـې د ليکنـې پـه پيـل کښـې مـې اشـاره ورتـه وکـړه، بزګـر صاحب پر هغو کنفرانسونو او غونډو سربېره چې په اروپـايي هيـوادو او امريکا کښې د افغاني فرهنګي ټولنو په نوښت جوړې سوې په يوشـمير نورو هغـو نړيوالـو کنفرانسـونو کښـې هـم برخـه اخيسـتې؛ کـوم چـې د دولتونو او نړيوالو سازمانونو لخوا جوړ سوي دي. د بېلګې په توګه:

۱/ د ۲۰۰۶ کال د اپريل پر ۲۵ او۲۶ د ((اکو سيستم د بوټو څخـه ونـه د ساينس نظر او چلنجونه او د اکو سيستم او د غربـت مخنيـوی)) ترنامـه لاندې د ملګروملتو د سازمان لخوا علمي کنفرانس او ورکشـاپ چـې د ډنمـارک هيـواد د کوپنهـاګن پـه ښـارکې د دې هيـواد د بهرنيـو چـارو وزارت په مټ جوړ سوی وو.

۲/ د ۲۰۰۷ کال د جون له دوهمې نه د جون تر څلرمـې پـورې د قـانون اېښـودونکو ټولنـو لـه خـوا د G8 (۸ سـتر صـنعتي هيوادونـه) اجنـډا د

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځنګلونو په نه وهلو سره د ګازونو د تولید کمولو اجندا ترنامـه لانـدي د برلین په ښار د المان هېواد په پارلمان (بونډسداګ) کې.

۳/ د ۲۰۰۷ کال اکتوبر ۲۹ څخه د نومبر تر ۲ دوهمې پورې، د ناروې د تروندهایم ښار کې د ملګرو ملتونو لخوا کنفرانس ((پـه نـړۍ کـې ټـول ژوندي موجودات او په ځانګړې توګه د هغوی ژوند کول او اوسېدل)) (۲۰۱۰ او تر هغه وروسته). پـه دې کنفـرانس کښـې د ۸۰ هیوادونـو د چاپیریال ساتني لوړپوړو چارواکو برخه درلوده.

۴/ د ۲۰۰۹ کال د سپتمبر له ۱۳ څخه تر ۱۹ پورې د پولنډ په ګدانسک ښارکې د میډیا ۲۴ لخوا چې مرکز یې په سویس کې دی، د فنلند هیواد د بهرنیـو چـارو وزارت پـه مـالي مرسـته د ((د اوبـو د بیځایـه مصرف مخنیوي)) ترنامـه لانـدي ورکشـاپ او کـانفرانس چـې د ۱۷ هیوادونـو ژورنالسـتان وربلـل شـوی وو او د ژورنالسـتانو د شخصـې روزنـې او معلوماتو له پاره جوړشوی وو.

۵/ د ۲۰۱۰ فبروري له لمړۍ نه تر ۵ نیټې پورې د ملګروملتو او د ناروې د حکومت له لوری د ((ټولو ژوندي موجوداتـو سـاتنه او د دوامـدارۍ پرمختیا له پاره کارکول)) تر نامه لاندي د نـاروي هیـواد ترونـدهایم پـه ښار کې علمي کنفرانس.

د دې پورته یادو شویو کنفرانسونو تر څنګ په ډېرو افغاني غونډو کـې چې په امریکا، انګلستان، جرمني، نـاروې، سـویډن او نوروهیـوادو کـې جوړې سوي، فعاله برخه اخیستې ده.

د بزګرصاحب سره نړیوالو راډیوګانو لکه بی بـی سـی پښـتو او فارسـی، امریکا غږ پښتو او دری، ازادی رادیو، د فرانسې نړیوالـه راډیـو فارسـی، المان غږ دویچـې ویلـې پښـتو رادیـو سره پـه سـلګونو سـیاسي او ادبي مرکې کړې دي. همدا ډول د بزګر صـاحب سره د افغانسـتان د ورځنیـو سیاسي، پوځی حالاتو په اړوند ډېـرې مرکـې سـوي چـې پـه نـارویژي اخبـارونو، راډیـو او تلویزیونونـو برسـیره پـه یـو شـمیر افغـاني مجلـو، اخبارونو او ویبپاڼو کې هم پر خپل وخت خپرې شوی دی.

د ښاغلی محمد طارق بزګر مورنۍ ژبه پښتو ده، خو هغه په دري، اردو، انګلیسي، نارویژي باندي پـوره پـوهیږي؛ خـود دې ژبـو ترڅنـګ یـوه اندازه په عربي ژبه هم پوهیږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ز ماد معلوماتو له مخې نوموړي د افغانستان د مختلفو اړخونو پـه اړه د ۵۰۰۰ په شاوخوا کښې په پښتو، دری، اردو، انګلیس او ناروېژي ژبو کتابونه او مجلې په خپل کورني کتابتون کې لري. بزګر صاحب وايي د کتابونو ټولولوسره له ډېر پخوا مينه او علاقه لري. همدا ډول پـه زرګونـو انځورونو، ويډيوئې کسټونو، سی ډي او کسټونو چې پـه ټولوکښې د افغانستان پـه اړونـد معلومات راټول سـوی د بزګرصاحب د کـورنۍ کتابتون يوه بله برخه جوړوي.

د دغو فرهنګي فعاليتونو په څنګ کې پر څو کتابونو کار کوي چې ځيني يې تقريباُ بشپړ او يو شمير به ئې وروسته د چاپ جوګه شي.

د بېلګې په توګه:

۱/ ناروېژی پښتو ډيکشنری چې تـر اوسه((۲۵۰۰۰)) لغتونه پکښې راغونډ شوی دی.

۲/ پښتو((۱۰۰۰)) لنډۍ د انګليسي له ژباړې او تشريح سره.

۳/ پښتو((۱۰۰۰)) متلونه د انګليسي له ژباړې سره.

۴/ د دعوت د خپروشوو ليکنو او مرکو کتابونه د کلکسيون په بڼه.

دولتی دندې:

بزګر صاحب زما ديوې پوښتنې په ځواب کې راته وويل: اوس د ناروې د دولتي ټلويزيون (nrk) سره په ځينو پروژو کې برخه اخلم او کار ورسره کوم. د دې تر څنګ د ناروې د پوهنې د وزارت سره د مفتش په توګه دنده لرم؛ او که مې وخت درلود نو د تليفون لـه ليارې کلـه ناکلـه ترجمه هم کوي.

ستاينليکونه:

بزګر صاحب دخپل فرهنګی چوپړ په درشل کښې د امريکا پـه شـمالي کليفورنيا کې افغاني کلتوري ټولنه، پـه جرمني کښې د افغانستان د کلتوری ودې ټولنې، په امريکاکښې نور ټلويزيون او سويډن د مالمو په ښارکښې د دوستۍ فرهنګی ټولنې لـه خـوا پـه ستاينليکونو سره نـازول سوی او درناوی ئې سوئ دي.

کورنۍ ژوند:

ښاغلي بزګر د يوې پوښتنې په جواب کښې راته وويل چې درې ورونـه او څلور خويندې لرم. هغه زياته کړه دوه ورونه مې ډاکتران او يـو بـل

(c) ketabton.com: The Digital Library

وروور مې د عربي ژبې او ادبیاتو څانګه کښې لوړې زده کړې لري او پدې برخه کې کارکوي.

د افغاني دود او دستور له مخې مې د بزګر صاحب د پتمنو خویندو د ژوند د څرنګوالي په هکله پوښتنه ونکړه. ډاډه یم چې هغوئ هم د تعلیم په ترلاسه کېدو سره اوس د خپل بخت په کور کښې خوښ او ارام پتمن ژوند ولري.

بزګر صاحب واده کړی او د ګډ کورني نېکمرغه ژوند ثمره ئې نام خداي څلور اولادونه دي چې مشر زوی ئې سباوون ۱۵کلن، لور یې اغلې مینه جانه ۱۴ کلنه، اباسین جان ۱۰کلن او کشری زوی ئې سمون جان یونیم کلن دی.

ماته له بزګر صاحب سره په اړیکو کښې دا څرګنده سوې چې بزګر یو پټ خولی، مؤدب انسان په توګه هیڅکله د چا په خبرو کې بې واره نه دی ورګډ سوی. چې چا پوښتلئ نه وی په مجلسونو کې پټه خوله ناست وي او د نورو خبرې په ډېر دقت سره اوري. که څوک پوښتنه ترېنه وکړي په ډېرو ساده او خوږو کلیمو جواب وایي. یوخوږ مجلسه سړی دي.

هغه یوله هغو علمي او فرهنګی څېرو څخه دی کوم چې د قومي بې اتفاقیو، ژبني، مذهبی او منطقوي توپیر سره مخالف وي. هغه تل په ټولو هغو غونډو کې چې ماهم یوځاي ورسره ګډون کړی، د یوه درانه او صابر نظر خاوندپه توګه پاته سوی او د نوبت ترلاسه کېدو په وخت کښې ئې په ډېرو ادیبانه جملو او له فرهنګی اخلاقو نه په ډکې روحیې سره د اړونده مسلې په هکله خپل نظر وړاندي کړی او له هغه څخه ئې د منطق په توان دفاع کړې ده. هېڅ وخت مې نه په یادېږي چې د یوشمیر په اصطلاح پوهانو او لیکوالو په څیر دې دیوال ته سرټمبه کړی وي او خپل نظر دې پر اورېدونکو په زور او یا د ترېبون له امکاناتو څخه په استفادې سره په چاومني. په یوه خبره د زښتو درنو عالي اخلاقو څښتن په توګه پر موږ ټولو هغو چې پېژنویې د یوه درانه شخصیت په توګه ګران او د قدر وړ شخصیت دی؛ ځکه خو پدې ډاډه یم چې بزګر صاحب به زموږ په ټولنه کښې دیوې وتلې او زړه وري فرهنګی څېرې

(c) ketabton.com: The Digital Library

په توګه د تل لپاره د افغان ولس په څنګ کښي د درناوي وړ شخصيت پاته وي.
ښاغلي بزګر د خپل نه ستړي کېدونکي زيار او زحمت پـه پايلـه کښـي زيات علمی، ادبي او فرهنګي اثار د دعوت خپرونـي لـه لاري زمـوږ د جګړه ځپلی هيواد راتلونکو نسلونو ته ديوې علمـي او ادبي پـانګي پـه توګه په پنځوسو هيوادو کې د افغانسـتان د اوسـنيو او راتلونکـو حـالاتو مينه والو کورونو ته رسولي دي، خو دا په ځوان نسل پوري اړه لري چې د دې پټې خزانې او زموږ د هيواد د ليکوالو او سياست پوهانو له معقولو نظرياتو او انديښنو نه څنګه او په کومه ښه د هيواد د روښـانه راتلـونکې په موخه استفاده کوي.
دعوت ويبپاڼې اوس د افغان ولس په ځانګړې توګه زمو د پوره پوهاوی په موخه په يو ډير عـالي ابتکـار لاس پـوري کـړئ؛ هغـه دا چـې پـدې وروستيو کې زموږ د هيواد يو شمير پوهانو سره په دوامداره توګه مرکـې خپروي. زه پدې باور يم چې له دې لاري به دعوت وکولاي سي افغان ولس ته د دوي د پوهانو نظريات او وړانديزونه په ښه توګه ور ورسوي.
د هيواد پداسي نازکو شرايطو او ترينګلو حالاتوکې چې زمـوږ ولـس د يو سخت ازمون پر ډګر ولاړ دي، دا ملت د دوستی په جامه کښي د بېلا بيلـو زبرځواکـو د دښـمنيو او ډول ډول دسيسـو لـه سـختو سـېلابونو او توفـانونوسره مخـامخ دی، اړينـه ده چـې د هيـواد د داسي ځوانـو شخصيتونو درناوی وشې او هغوي د ټول افغانستان په ګټه نور هم مـلي چوپړ ته وهڅول سي.
زه ديوه افغان په توګـه د ځـوان نسـل سره د افغـاني مينـې او د دوئ پـه وړاندي د مسووليت په درکولو سره کوښښ کوم که تکرار هم وي دوي ته د ليکنو په وسيله ور په ياد کړم چې تاسو پيـاوړي پوهـان، ليکـوال او څيړونکي لری؛ د هغوئ عزت که بل څوک نـه کـوي، تاسـو ئي بايـد د خپلو عادي ساده او لږو امکاناتو په لرلوسره وکړئ. هغه دا چـې د دوي په وياړ او د دوي پر ليکل شوو اثارو باندې ځانونه پوه اوبيا د بحـث پـه نامه يو په بل پسې غونډې جوړي کړی او پدې غونـډو کښـې دوي تـه بلنه ورکړی او د دوئ نه وغواړی چي ستاسو سره پر يـوه کمبلـه او يـوه

(c) ketabton.com: The Digital Library

چوتره کښېني او تاسو په خپلو عالمانه او له تجربو نه ډکو خبرو او پیرزوینو ونازوي.
د خپل هیواد د عالمانو او پوهانو په وړاندې بې تفاوتي او نالوستوب به زموږ ټولنه تر یوې بلې پېړۍ پورې هم د ګاونډیانو او نړیوالو د اقتصادي، سیاسي، ټولنیز او فرهنګی ستم او تیري لاندې وساتي.
په ګران او سوځېدلي افغانستان کښې د علم، پوهې او خپل منځی مینې او محبت زیاتېدو لورته د پیاوړو ګامونو د پورته کېدو اوخپل هیواد د هر خواخوږي او صادق قلموال، علمي او ادبي شخصیت د ستاینې او هڅونې په هیله.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ریښتني شخصیت
محمد نقیب تره خیل

محمد طارق بزګر له تنکۍ ځواني پدې باور وه چې تفکر د معرفت او معرفت د هدایت او هدایت د رضایت، قناعت او د ریښتنی شخصیت تومنه ده. نو هغه د تفکر په قوت د پیسو ګټلو پر ځای د علم ګټل خوښ کړل. معرفت هاغه د معنویت واټ ته هدایت کړ، هدایت هاغه راضي او قانع کړ، چې د ثروت او قدرت عمر لنډ او تنګ وي. او بل که د قدرت په وخت کې د شخص نفس مهار او خسي نه وي؟ نو بیا مستي او هوس زیږوي او له قدرت نه انحراف کوي چې له امله یې ظلم او استبداد زیږیږي.
هر څومره چې د ټولنې منوره او حاکمه طبقه ریاکاره، خودخواه او جاطلبه کیږي، بیا هم هغومره فتنه او فساد زیږوي، څنګه چې همداسې په افغان ټولنه کې وشول اولا هم کیږي. یو شمیر کسانو په دا ۴۰ کالو کې د هیواد دننه او بهر په لس هاوو ګوندونه- تنظیمونه په سل هاوو ادبي- فرهنګي کولتوري ټولني د هیواد، اسلام، انسان او قوم پالني ترنامه لاندي جوړې کړی دي. خو هر هغه د ژمنو خلاف عمل وکړ، هغوئ د ثروت، شهرت او قدرت موندو په تمه همدا کولتوري او سیاسي دفترونه د اسلامیت، انسانیت او قومیت پلورنې هټۍ ګرځولي. له همدې لامله د ارزښتنو پلورل د اکثرو افغانانو عادت شوی. له ټولنې حیا کډه شوی او بېشرمي په کې معاف شوی. همدا د ارزښتونو سوداګر په جبر او ظلم ثروت او قدرت ترلاسه کوي. بیا په ورته ډول قدرت ترې اخستل کیږي. د سلطنت له مرګ سره یې د شخصت مرګ جوخت وي.
دا منلې او عملي شوې وینا که انسان قدرت ته په ګونډو نشي- ثروت ته خامخا تسلیمیږي. بزګر هم د ابراهیم ابن ادهم غوندې د خپل مضبوط ایمان پر باور او د نفسي سپېڅلتیا په قوت پورتني وینا د خپل ځان په اړوند باطله کړې.
ابن ادهم د بلخ سلطنت د علم د زده کړې او د انساني خدمت پر مقصد د مکې معظمې پر قصد پرېښود. ډېر کلونه وروسته د بحر په څنډه ادهم خپلې څېرې او شړېدلې جامې ګنډلې، پر آس سپورکس یې تر څنګ تېریږي، ورته ځیر ګورې پېژني یې چې زه خو د دې سلطان یو وخت وزیر

(c) ketabton.com: The Digital Library

وم. ورکښته کېږي او ادب یی کوي، ورته وایي اِې سلطانه! ولې دې بې هېڅه خپل سلطنت او عظمت پرېښود او ځان دې پدې مصیبت او مشقت اخته کړ. هغه ورله وایی، تر هغه سلطنت مې دا ډېر پراخ ښکلي او با قدرته دی، ابراهیم ستنه بحر ته گذاره وي، بیا غږ کوي، راکړه ستن مې، یو زر کبان له اوبو سرونه اوچتوي او د سرو زرو ستني په شونډو کې نیولې وي. وایي، نه، زه مې خپله ستن غواړم! شېبه وروسته هم هغه ستنه یو کب ورته له اوبو راباسي. بل ځل ابن ادهم د مکې په کوڅه کې قدم وهي، یو یهودي هلک له خپل سپي سره ورپسې په تعقیب کې وي، کله چې هاغه تم شي دا هلک هم تمیږي. خو څه وخت چې ابراهیم د ناستو کسانو خواته رسیږي، دا هلک پرې داسې غږ کوي: اې بوډا! دا ستا ږیره ښکلې ده، که زما د سپي لکۍ؟ هاغه ورته وایي زویه! که مې دا ږیره د خدای لپاره نه د ریا لپاره پرې اېښې وي او په ورځ د محشر زه په جهنم کې اوسم، نو د سپي لکۍ دې ښکلې ده او که په جنت کې یم بیا نو زما ږیره ښکلې ده، هلک ډومبې خجالتیږي، بیا ور درومي د هغه لاسونه ښکلوي او د شهادت کلمه وائي مسلمان کېږي.

بزگر صیب هم د ناروې په هستۍ او د ځوانۍ په مستي کې ثروت او قدرت دواړه د علم د زدکړې او ریښتني خدمت په نسبت بابېزه وگڼل. تر څنگ یې د حق په پلوې او د باطل پر ضد د دعوت ادبي اخلاقي او روزنیز سنگرجوړ کړ. یقیناً چې ډېرو هېواد والو به د دعوت په رڼا د حقیقت لار موندلې وي. د دعوت رسنۍ د بزگر ریښتینولي او یومخي اثباته وي چې د مکان، زمان او حالاتو تابع شوی ندي، نن هم خپل هدف ته هسې ژمن دي لکه ۳۰ کاله پخوا چې وه.

ابراهیم د ادهم اولادې ته د پلار میراثي سلطنت او ثروت بشپړه ورپرېښوول. د ادهم اولاد چې د شخصیت مشروعیت د سلطنت له درباره اخیستی وه. نو د سلطنت له بایللو سره جوخت بېشخصیته هم شول، خو ابراهیم چې یو سر او دوه غوږه نوم ورکې مکې ته راغلی وه، او د پوهې په رڼا د عقیدې په مضبوطتیا د نفس په سپېڅلتیا د مهره بانه او عادل زړه په لرولو یې خپل کوچنی او لنډ عمره شخصیت ستر او تلپاتې کړ. د دې تر څنگ یې آن د کورني مړ شخصیت ژوندې وساته. د هر انسان د کار محصول د هغه د حقیقي شخصیت بنه ښیي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د بزگر شخصيت دعـوت دي او دعـوت د پـوهۍ او کولتـور مرکـز نـن هـم ژوندی دي اوسبا به هم وي.

۱۴/۲/۲۰۱۹

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی طارق بزګر چې زه يې پېژنم
قدرت الله هېوادپال

زه ښاغلې بزګر له ډېر وړوکوالي پېژنم؛ هم مې استاد دی، هم لارښود او هم معنوي پلار.

ژوندي قومونه تل خپل نېکان هڅوي او درناوی یې کوي. افغانستان چې نن له کومو ستونزو او ننګونو تیرېږي په داسې حال کې دي چې د قلم جهاد او غورځنګ د ټوپک او زور له غورځنګه لومړی ځای خپلوي، او ښاغلې بزګر د دې سنګر ډېر تکړه او سپېڅلې مبارز دی.

زه ښاغلې بزګر له ډېرې زمانې راپېژنم؛ هغه مې استاد دی، ځکه د لیکنې چم یې راښودلی دی او تل یې هڅولی یم. اوس هم چې کله په ټیلیفون سره غږېږو، نو له کورني احوال وروسته په ډېره خوږه ژبه او اصطلاح راپوښتي چې په وطن کې څه حال دی؟ تل مې هڅوي چې یو څه ولیکه. هیڅکله یې دا احساس نه دی راکړی چې زه نه پوهیږم یا دا څه چې دې لیکلي دي غلط یا اصلاح غواړي؛ ځکه د دوی علم او پوهې ته زه هیڅکله نشم رسیدلای او د دوی په وړاندې لیکنه به لکه لمر ته چې شمع بړدی، خو تل یې هڅولی یم. لارښود مې دی ځکه چې تل یې افغانستان لومړی ساتلی او هیڅکله د حکومتونو، خوځښتونو او اشخاصو له مفکورو نه دی اغېزمن شوی او دا درس یې راکړی چې بچیه! تل دا هېواد لومړی وګڼه. د اشخاصو او شخصي ګټو لپاره ملي ګټې مه قربانوه او معنوي پلار مې دی؛ ځکه چې پداسې حالاتو کې یې لاس راکړی چې ما پخپله هم خپل ښه او بد نه پېژندل او له خپل اولاد یې کم نه یم ګڼلی. زما په ښه تربیه او روزنه کې یې فعاله ونډه اخیستې ده.

افغانان تل په درانه خوب ویده وي؛ آن نن چې نړۍ ته سپوږمۍ لنډه ښکاري او د مریخ او نورو سیارو غمونو پسې یې راخیستی، موږ خپل کوچنی هېواد آرام نه کړای شو او له دریېمې برخې زیات نفوس مو بیسواده دی. له سیاسي او ټولنیزو چارو ناخبره دی او هغوی چې خبر دي هم د پردو ببولالې وايي او ملت لدې خوب څخه راویښولو لپاره هم ډېر خلک نه ګرځي. هر چا چې هر وخت وس شوې یا یې لدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

خاورې پښې سپکې کړي او یا دلته د خپلو جیبونو په ډکولو دي؛ خو ملتونه تل د هغوی اتلو بچیانو ساتلي دي. زموږ د تاریخ یوه لنډه داده چې تل یې رزمي او جنګي اتلان نازولي دي، خو د قلم اتلان له پاملرنې پاتې دي. که امیر کروړ دی، بایزید روښان دی او آن نږدې سید جمال الدین افغان، پر دې یو هم داسې مؤثق او تاریخي کتاب نشته چې ټولې پوښتنې ځواب کړي او موږ لدې وروسته باید دا خلاوې ډکې کړو او ونازوو؛ هغوی چې د دې ملت راویښولو لپاره نه ستړې کېدونکې هلې ځلې کوي.

له کومې ورځې چې مې لیک لوست زده کړې، له هغې ورځې راهیسې دعوت لولم او دوامداره لوستونکی یې یم. تل یې خپله بېطرفي ساتلې ده. د ملت غم یې خوړلی دی. په نننی سیاسي چاپیریال کې چې نړیوالو د افغانانو سیاسي مفکورو او تبصرو ککړولو او ځان ته راړولو په خاطر په سلګونه راډیوګانې، ټلویزونونه او خپرونې پیل کړې دي، له هر وخت زیات د بېطرفه او ملي خپرونو ضرورت ډېر احساسیږي.

ښاغلي بزګر مې خپل دی. د کورنۍ غړی مو دی او زه ویاړم چې په کورنۍ کې داسې ننګیالي لرو. زه نه غواړم چې ووایم څه خپلوي سره لرو؛ ځکه دا به لوستونکو ته یو څه شخصي او کورنۍ معاملې ښکاره شي، خو دومره وایم، چې زه نن څه یم په هغې کې د بزګر صاحب ډېره لویه ونډه ده، او د ژوند تر اخیري سلګۍ به یې زه احسانمند او منندوی واوسم، او دلته زما له لیکنې هدف هم شخصي درناوی او مننه ده، او هم د دې ملت د یوه خوار غریب بچي په حیث مننه چې دې ملت د مفکورو په روښانولو کې یې نه ستړې کېدونکې هلې ځلې کړې دي.

له ما پرته زه ښه باور لرم چې ښاغلي بزګر نور ډېر ځوانان روزلي دي او ورسره یې معنوي مرسته کړې ده؛ ورسره یې خپله پوهه او احساس راتلونکي نسل ته لېږدولې دی، چې ښه بیلګه یې د ځوانانو دې ټولنې دا احساس دی چې خپل ننګیالي ونازوي.

په موږ کې خود خواهي او د بخل مرض ډېر دی، خو د بزګر صاحب دا کمال مې هم خوښ دی چې نور هڅوي را میدان ته شي او پخپله ورته یوازې آسانتیاوې برابروي او شاته یې دریږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې ورته لاډېرې برياوې غواړم، او ښه متيقن يم چې د علم او پوهې هغه صدقه جاريه چې دوی يې درويشت کاله وړاندې تهداب ايښې وو، د ډېرو ذهنونه روښان کړي او د ځان لپاره يې د ثواب او سرلوړۍ يوه دوامداره او تلپاتې سرچينه پرېښې ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډېر ګران ښاغلی د قدر وړ بزګر صاحب!

محمد سرور وکیلي

زما د مینې او وروګلوۍ ډک سلامونه او پېرزوني ومنۍ!
د دعوت خپرونه ۲۳ کلنه سوه. زما ښه یاد دي،چي له دې خپره وني سره سم په ډېرو بهرنیو هېوادو کي نورو خپرونو هم پیل وکړ، خو ډېرو یې سقوط وکړ او ځینو یې چي شاته ګوندي پلوي اقتصادي تکیه لرله
د سیاست له مخي د هغي سیاسي تکیي څخه یې مالي مرسته ترلاسه کول او ترلاسه کوي یې؛ نو بېخي ډېر لږ یې پاته دي؛ خو د دعوت خپرونه یوازي او یوازي ستاسو په عالي ابتکار، زیار او مالي لګښت مخته تللې او تر اوسه لاهم مخ ته ځي.
ماچي د دعوت په خوږې خپرونه کي کوم شی لیکه نو مي تل پر پښتنو لیکوالانو د اړغ کاوه، چي د دعوت له خوږې خپروني سره مرسته وکړی، ځکه دا مالي بار پریوه کس باندي ډېر دی او دا خپرونه زموږ ده؛ خو تاسو د دغو ټولو ربړونو او ستونزو سره سره دا خپرونه چي نن او سبا ۲۳ کلنه کېږي، پخپل پښتني غیرت او ژورنالیستۍ واک په یوازي سر تر دغه ځایه را ورسوله. تاسو رښتیا هم چي د قدر وړ او د ستایني وړ یاست. خدای(ج) دي له هري بلا، افت، ناروغۍ او خوارۍ نه وژغوره. امین!

په ادبي درنښت

(c) ketabton.com: The Digital Library

محمد طارق بزگر ته!

امرالدين سرحد

منډي يې وهلی يو پښتون په کلی کور کښې
دا يې وويل: چی لر و بر سوځی په اور کښې
ماتری اوريدلي په غوږو می يو خبر دی
نوی راختلی ښکلی ستوری لکه لمر دی
راشی زمونږ انګړ ته په جرګو په مرکو شو
موټی شو قوت شو ژر اوچت په خپلو پښو شو
ډيرو واوريدلي دا خبري خونده وري وې
لاره يې روښانه لر و بر يې دا منلي وې
خلکو ورته وويل مالومه دی نن لاره کړه
فکر دی کوه په ښو خبرو مونږه خوشاله کړه
دی مونږ ته بيان شو وويل: دا مې قسم دی
وينه کی ده مينه دغه ځان مې د وطن دی
دعا وشوه د خلکو چی «بزګر» دی ژر په کار شی
جوړ دی کړی «دعوت» چی ويجاړ کلی زمونږ ښار شی
خپلو غمځپلو ته خدمت، ضمير مجبور کړ
ژوند د زمانی او حوادثو دئ مدير کړ
اوس نو مونږه لولو د «عوت» د زړه کيسي
تير شو يو لوی عمر په «بزګر» خوږي ترخي
تل دی د «دعوت» ډيوه روښانه وي
وړانګې يې تودي مخ يې ځلانده وي

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش مردی که قلم را نفروخت!

(بزرگداشت جناب بزگر و رسانهء دعوت)

استاد کم باور کابلی

همرنگ زلال چشمه ساران
همزاد طراوت بهاران
روزنامه نگار با شهامت
مردی ز گرامی یادگاران
بر خرمن ناکسان چو آتش
توفنده چو موج آبشاران
دعوتگر دل به رستگاری
پاکیزه و ناب همچو باران!
کم زاد خجسته ای چو «طارق»
گیتی، به فراز روزگاران!
سروش، اثر خزان نه بیند!
آزاده گی اش، زیان نه بیند

(c) ketabton.com: The Digital Library

د ګراني ملي فرهنګي څېړې طارق بزګر نمانځغونډې ته زما پیرزوینې

پوهنمل رحمت څواکمن

د لوی خدای په نامه

خپلې خبرې په خپل یوه شعر پیلوم:

لکه تیره د بیابان تل په یو حال یم
ونه، نه یم چې بدله په موسم شم
سر به هیڅ د مریتوب چاته ټیټ نه کړم
که سوری سوری په غشو د رستم شم
وا به نه وړم د ښایست له پرستشه
که لاهو په اباسین یا په جېلم شم
که غمونه د جانان همدا کانې کړي
وچ صورت به لکه کړکې د چلم شم
خپله وینه مې ببنلې ده مظلوم ته
که په ژوند چرته ملګرې د ظالم شم

خبر شوم چې په سوېلن کې د زلمو پاڅون ټولنه له یوې وتلې او نامتو فرهنګي او ملي څېړې محمد طارق بزګر او د هغه د فرهنګي کار او زیار ستاینه او یادونه کوي.

زه خو لومړی نوموړی ټولنې ته کور ودانې وایم چې ښه انتخاب، پر ځای انتخاب او پر وخت یې انتخاب کړی. د هغه چا درنښت ته یې غونډه رابللې، چې خدای ذاتي دروندوالې هم وربخښلې او په یوازې ځان کلونه ستر ملی خدمت او دروند تاریخي رسالت سرته رسوي.

تر کومه ځایه چې زه ګران بزګر صېب پېژنم او ما د ده افکار او نظریات د ده په اخبار (دعوت) کې کتلي دي، نو ماته تر فولادو کلکه او له ډېرې درنه ملي- فرهنګي څېره ښکاري.

د اړودوړ، چور او تالان، رنګ بدلولو، ځان کړولو، لار چپولو، ځان درنولو او وخت تېرولو د دې وروستې مهال په دې دریوو لسیزو کې ډېرې ستری فرهنګې ستې وښوېدې، بدرنګې شوې، له ملي ګټو په

(c) ketabton.com: The Digital Library

څنګ شوې او له موسمونو سره هم رنګې شوې، خو فکر کوم طارق بزګر تر اوسه له تېرو ټولو پړاوونو بشپړ او سالم راوتلې او د خپلو ملي- اسلامي ارمانونو، افغانستان او افغان ولس ترڅنګ ولاړ دې.

دې دا دوه لسیزي اخبار، د سوداګرۍ او ګټې لپاره نه چلوي، دې د خپل اخبار پاڼې په هسې ببولالو نه رنګوي، بلکه دې د خپل مظلوم او بې دفاع ولس، د خپل تاریخي او جنګځپلي هېواد او د خپل شتمن او بډای کلتور پالنه کوي. دې حق ته حق او باطل ته باطل، تور ته تور او سپین ته سپین، ظالم ته ظالم او مظلوم ته مظلوم، روا ته روا او ناروا ته ناروا وایې. دی په همدې لاره روان دې. دې همداسې دی. د زړه او خوله خبره یې یوه ده. دې د زمان او مکان تابع نه دی. وخت او مکان د ده مریان دي. دې په هر څه پوهېږي، دا غواړي چې هر بدلون، هر مکان او زمان د خپلو ارمانونو پر مدار وڅرخوي، ده ته مال او شتمني، مقام او دبدبه، لنډمهالي او بې خونده ښکاري. دې د خدای د رضا او د افغان انسان د ښېګڼې لپاره شوګیرونه ګالي، زیار باسي، او له خپلو ملي او انساني ارمانونو خپل مال او سر نذرانه کوي. دې په رښتیا هم د زیاتې ستاینې او درناوي وړ دې.

زه په خپل وار د ده همت، جرت، د کلونو ستړیاوو، شوګېرونو او ملي فرهنګې هڅو ته د تعظیم او درناوي لاس په ټټر ږدم، ورته اوږد، سرلوړی او عزتمن ژوند غواړم او د سیدجمال الدین له ټاټوبي راټوکېدلي دغې فرهنګې څېرې ته د سترو ملي فرهنګي کړنو د تر سره کولو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دویم څپرکی:
دعوت

رسانه ی دعوت

مصطفی عمرزی

جهاد بزرگ افغانان، آزمون دیگری بود که در ورایش فداکاری و ایثار، بار دیگر وجاهت و حیثیت یک ملت با پیشینه را آشکار می کنند. در آن سالیان، هرچند واژه گانی که بار معنایی «درد» داشتند، در روایت حال مردم، جزو ادبیات مستعمل بودند، اما عزت نفس، مردم را در صبوری ایستاده گی، از حافظه ی تاریخی محروم نمی کند. جبهات تنازع در تمام انواع آن، افغانان را در راه خدا و میهن، به ایثار می کشیدند.

مقاطعی اند که در بُرش آن ها گاه بُریده گی از گذشته به مبدای نو می رسد. حماسه ی جهاد افغانان، جزو میراث های پُرشکوه تاریخ بشر برای آزادی، مسجل است، اما آسیب های جنگ، پی آمد دشواری هایی شدند که افغانان با تحمل جنگ، ریسک کرده بودند.

دشواری رویایی با یک ابر قدرت، نفس گیرد بود. بنا بر این، بسط مفاهیم جهاد، مبارزه و قدرت از میان جبهه تا عقب جبهات، طیف دیگری از افغانان مجاهد را تشویق می کرد تا با کار فکری، فرهنگی و حرمت قلم بکوشند نقش واقعی توده هایی که قربانی شدند و قربانی می دهند، اصل مبارزه ی مردم با اتحادشوروی باشد.

من تا دو سال قبل نیز طارق بزگر را به جا نمی آوردم. از روی تصادف، یافت نشر مضامینم در سایت «افغان سباوون» که بعداً «دعوت میدیا ۲۴» شد، مرا با یکی از سرد و گرم چشیده گان سالیان ایثار، اما اندوه مردم آشنا کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من با شهرت «بزگر» ها آشنا بودم، اما نمی دانستم فردی از این خـانواده از روی لطفی که فرهنگی ست، زمینه می سازد تا در نوبت مـا، آزمـون دیگـری سـپری شـود کـه در تنـازع فرهنگـی آن، ثقلـت و دشـواری محسوس است.

من از طریق رسانه ی دعوت نیز اندوخته هـای فکـری ام را تقـدیم مـی کنم. خوشحالم که این سعی در زمینه ای صورت می گیرد که از شـان و پیشینه ی نیک بهره مند است.

مسرت این که امثال من در زمینه ی تجربه ی بهم پیوسته ای که افغانیت را اصـل مـی دانـد، بیشـتر مـی شـود، در بسـتر مطمـئن ایـن حـدود بـه خانواده ی بزگر ها مبارکباد می گوید! در رسانه ی دعوت مـی مـانم و بـرای بزگـر هـا توفیـق بیشـتر مـی خـواهم کـه پیشـه ی آنـان(بزگر) در زمینه ی ملک و ملت، به حاصل نیکو می رسد.

تراژیدی فرار مغز ها و ویرانی محاضر مرید و مرشد، افغانان را هوشـیار کرده است: فرهنگ و فرهنگی را پاس بداریم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خپروني نهه ویشتمي کالیزې په ویاړ
سراج الحق ببرک زی څدراڼ

دعوت د خپلواکو رسنیو مرکز او د د عوت میډیا څلرویشت ویبپاڼي مسئوول مدیر یوه وړه ارزونه ډله ییزې رسنۍ زموږ د ورځني ژوند د لارې مل گرځیدلي دي.
ډله ییزې رسنۍ زموږ په ورځني ژوند کې ستر واک ترلاسه کړي دی. موږ هره ورځ د راډیو، ټلویزیون، اخبار، میلفون، لیپ ټاپ او د انټرنیټ نړۍله لارې د رسنیو تر اغیزلاندې یو. ډله ییزه رسنۍ په ټولنه کې د مالوماتي او اطلاعاتي خبري سر چینې په څېر خپل رول لوبوي.
رسنۍ د انسانانو په سیاسي اند جوړونه کې خورا مهم اغېزمن رول لري. سیاست پر رسنۍ او رسنۍ پر سیاست باندې نېغ په نېغه اغېز لري. سیاست او رسنۍ پر یو بل باندې په دوه اړخیزه توگه اتکأ لري.
ژورنالیست ته په هره ټولنه کې ستر واک او مسئوولیت ور په برخه کړل شوي دی. لیکوال او رسنوال د ولس غږ او سترگې دي. د خبریال یا ژورنالیست په اړه پوښتنه دا ده، چې خبریال د خپلي ژورنالستیکي دندې په تر سره کولو کې څه رنگه خپلي موخې تعقیبوي، څومره پاک انساني نیت او څه ډول ملي احساس لري.
په دې کې هیڅ شک و شوبیان نشته چې د دعوت خپلواکه رسنیزه مرکز د افغانستان څخه د باندې د ټولو ملي افغان کډوالو لیکوالو، قلموالو، رسنوالو، کولتوري ودي ټولنو او اکادېمیکو بنسټونو او همدارنگه د اکاډېمیکو روڼ اندو، سیاسي شنونکو، کارپوهانو او افغان لوړ پوړې دولتي چارواکو تر منځ د سیاست، اقتصاد، روغتیا، شعر و ادب، کولتور او ژبنۍ ډگر کې د کره مالوماتو، اطلاعاتو، د سیاسي فکرونو تر منځ اړیکي، د تاریخي پېښو، تجربو، د ازمیښتو اندونو راکړه ورکړه په برخه کې یو ستر پلټ فورم او یو ویاړمن مرکزي رول لوبوي.
د دعوت خپروني محتویاتو او منځپانگې په ستره لمن کې تل د انسانیت، افغانیت، اسلامیت، انساني کرامت، د افغانانو ملي دودونه، ارزښتونه، د افغانستان خپلواکۍ، ملي حاکمیت، ملي گټو، د بیان ازادۍ او داسې نورو ټولمنلي کوډکسونو ته جدي پام کیږي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت هره ګڼه د افغانستان ملي ګټو پـه چوکـاټ کـې دې ټـولمنلي ارزښتنو او نورمونو ته ځان مسئوول احساس کړي او یا ورسره مسوولانه چلند کړي دی.

دعوت خپروني د هر ډول کرکې، تعصب، تبعیض او پـاروونکي لیکنـو څخه ځان لرې ساتلي دی. د دعوت په اخبار کې هر افغـان تـه چـې د ملي فکر خاوند وي، له کرکـې، تبعـیض او تعصـب څخـه پـاک وي، د افغانستان ملي ګټو، مـلي اسـلامي ارزښـتونو او ارمـانو تـه ژمـن وي، نـه یوازې ځای شته دی، بلکې هغه ته پر لوړ کچ د لوستلو ډیر څه لري.

د عوت میډیا څلرویشت ویبپاڼه:

اټکل له پینځه سووکلونو راهیسې اخبار په نړۍ کې شتون لري، د وخت په تیریدو سره د اخبارونو په فورم، بڼه او شونتیاو کې په پر لپسـې توګـه بدلونونه راغلي دي.

د نړۍ ډله ییزو رسنیو نوې پرمختګونو ته په کتو سره داسې بریښې چـې په نږدې راتلونکي کې به چاپي رسنۍ په ځانګړي توګه چاپي اخبارونـه د خپل ژورنالیستکي کیفیت سره سره له منځه ولاړل شي. له بـل پلـوه د مولتي میډیا یا ډله ییـزو رسـنیو شـونتیاوې چـې د انټرنیـت لـه لارې پـه بریښنایي ډیجیټل بڼه خپریږي، د ژورنالیزم کیفیت ته نوې چانسـونه ور په برخه کړي.

تر اوسه په مالوماتي او اطلاعاتي رسنیو کې اخبارونه تـر ټولـو کـره او د اعتبار وړ مالوماتوسر چیني ګڼلي کیږي. اخبارونـه لـه ډیـر پخـوا څخـه خلکو ته د لارښووني او د اعتبار وړ خبرې سر چیني ګڼلي شوي دي.

د یوه اخبار یا مهالني ځـانګړي راز پـه دې کـې نغښـتي دی، کلـه چـې اخبـار کـوم مالومـات یـا ټـولنیز ارزښـتونه خلکـو تـه وړانـدې کـوي، لوستونکي هڅه کوي په دغه ټولنیزو ارزښـتونو کـې د خپلـوي یـو ګـډ احساس ومـومي. لـه دې سره د اخبـار لوسـتونکی پـه راتلـونکي کـې د ټولنې د لوړې پرګنې یا ممتاز قشر- سره پـه فکـري ډګـر کـې ځـان ګـډ محسوسوي.

د دعوت میډیا ویبپاڼـه بېلابېـل پـه زړه پـورې سـیاسي او ټـولنیز علمـي مالومات خپروي. دا ویبپاڼـه اوس پـه سـلګونو، زرګونـو لوسـتونکي او

(c) ketabton.com: The Digital Library

کتونکي لري. افغانان هره ورځ په دې ويبپاڼه کې د سياسي او ټولنيزو مسايلو تر څنګ خپل ملي او کولتوري ارزښتونه لټوي.

د دعوت مهالنې سره زما پېژندګلوي:

کله چې په ۱۹۸۸ کال کې د دعوت اخبار په خپرونو پيل وکړو. د هيواد په دننه او بهر کې د چاپيدونکو آزادو خپرونو کچه څښته ډيره ټيټه وه. د دعوت اخبار د ناروې په هيواد کې خپرونې پيل کړي وې. زه هغه مهال يو کال مخکې تر دې نيټې د خپل ګران هيواد له پلازمېنې کابل څخه پيښور ته او بيا المان ته تازه کډوال شوي وم، په لومړي ځل يو دوست ما ته د دعوت اخبار يوه ګڼه په پوسته کې راوليږله. په ليک کې داسي هم ليکلي و، کله چې تا دا اخبار ولوست بيا بيرته راوليږه او يا يو بل افغان ته يې د لوستلو لپاره ورکړه.

د المان د کډوالۍ په لومړيو کلونو کې زما سره د اخبار د ګډون پيسې هم نه وې. اټکل درې يا څلور کاله ورسته مي د دعوت په اخبار کې ګډون وکړو او بيا مي خپله قلمي همکاري هم ورسره پيل کړه.

زما په اند، دعوت خپله منځپانګه، محتويات او کاري کيفيت زموږ ملي او اسلامي ارزښتونو سره سم سمبال کړي دي. دعوت هر افغان د افغانستان ملي ګټو، اسلامي، افغاني کولتوري، ملي ټرمينالوجيکي ارزښتونو، ملي او سياسي سېمبولونو ته دعوتوي.

د دعوت مهالنۍ علمي څېړنيزه ليکنې، تاريخي ادبي مضامين، د افغان لوړ پوړې سياسي چارواکو اندونه، د مخورو افغان شخصيتونو، د نظر خاوندانو خبرې اترې، مرکې، د اقتصاد، روغتيا او چاپيريال په هکله هر اړخيزه مالومات، په ځانګړي ټوګه د افغانانو د لسيزو ناورينونو او خونړې جګړې د حل لارې چارې لټوي. د لر او بر افغان ولس د يووالي څخه ملاتړ کوي. د افغاني ټولنې بقا او ارتقا په برخه کې مثبت رول لوبوي. نړيوالو منلي شوي معيارونه او ارزښتونه ته پام کوي. د دعوت اخبار افغان ځوانانو او مشرانو ته د هيواد پالنې او د هيوادنۍ مينې يوه بله ډيوه ګرځيدلې ده.

دعوت، ډيرې علمي، سياسي، تحقيقاتي، څېړنيزه او تحليلي ليکنې خپروي، د بيان او د آزاد فکر ژمندويي کوي، د افغانانو عامه پوهاوي، ملي روحيې او سياسي ويښ شعور د پنځيولو او جګيولو هڅې کوي. په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ټولیزه ټوګه دې ټکو ته په کتو سره د دعوت خپلواکه رسنیو مرکز د افغانستان په دننه او بهر کې افغانان ملي یووالي، تلپاتي سولې او ملي امن نظم ته را بولي.

د دعوت مهالنۍ زما ځکه خوښیږي چې یوه بې پرې او ناپیيلي خپرونه ده او د هیڅ یو سیاسي ګوند او هیڅ یوې ډلې تپلې ته پروپاګند او تبلیغات نه کوي. دعوت ملي وروروولۍ، سولې او ملي پخلاینه لپاره نه ستړي کېدونکي هلې ځلې کوي.

ډیره د خوښۍ خبره ده، چې دعوت خپرونې خپل ۲۹ کلونه د افغان کډوالو په چوپړ کې تیر کړي دي. د دعوت خپرونې اروپا، امریکا، اسیا، افریقا او استرالیا پورې خپلو مینه والو ته رسیږي.

د دعوت مهالنۍ او د عوت میډیا ۲۴ ویبپاڼې مسوول مدیر کاري فعالیت ته له لرې یوه لنډه کتنه:

بزګر صیب زموږ په شان کور، کار، خپل خپلوان، دوستان، میلمه پالنه، د خوښۍ او خپګان سره مل ژوند لري. بزګر صیب د خپل ورځني نورمال ژوند کارو بار ستونزو سربیره ښايي په اټکلي او اوسط ډول د دعوت اخبار د لیکلو، ډیزاینولو، چمتوکولو، چاپلو او د پوستي له لارې لیږلوته لږ تر لږه په ورځ کې د دریو نه تر څلور ساعتونو پورې کار کړي وي. که موږ دغه اټکلي څلور ساعت کار د ۲۹ کلونو په ورځو کې ضرب کړو. موږ ته پته لګیږي، چې بزګر صیب د دعوت اخبار چلولو ته د خپل خوږ ژوند څو زره ساعته وړیا کار کړي دی.

د دعوت اخبار کې مو دا هم لوستلي، چې بزګر صیب د افغانستان د سیاسي مسایلو د څیړلو، د افغان غمیزې او جګړې د حل لارې چارې لټولو په موخه ډیرو هیوادونو ته د سیاسي کارپوهانو سره د خبرواترو او مرکو لپاره په زرګونه کیلو متره لرې سفرونه کړی دي.

زما په اند، د دعوت په خپرونه باندې د نیوکو مستحق یواځې هغه څوک کیداې شی، چې دی د کډوالۍ په شرایطو کې د رسنوالۍ دنده لا نوره ښه او بهتره ترسره کولي شي.

د دعوت مهالني ډیزاین او تخنیکي چارې همدرانګه د څرنګوالي په برخه کې ښايي د ځینو په سترګو کې کمزور تیاوې شتون ولري. دا باید

(c) ketabton.com: The Digital Library

په یاد ولرو،چې اوس د دعوت مسئوول مدیر نور یو بې تجربې او غیر مسلکي سړی نه ګڼل کیږي.
زه هیله من یم، د دعوت معتبره رسنۍ خپل فعالیت په دوامداره توګه وساتي او په ټولو افغانانو په ټینګار سره غږ کوم، چې د دعوت خپرونه زما او ستا مادي او معنوي مرستو ته څښته ډیره اړتیا لري.
د دعوت د معتبرې مهالنۍ د فعالیت، پایښت او ښې په اړه یو وړاندیز:
د دعوت خپروني مسئوولین که د وخت له غوښتنو سره سم لږ د نوې نړیوال ډیجیټل ډله ییزو رسنیو پرمختګونو او نوښتونو ته پام وکړي، ښه به دا وي چې د خپلې خپروني بڼه یوې چاپي مجلې ته واړوي. دغه نوې میاشتنۍ مجله باید په هره دوه یا دریو میاشتو کې په یوه ښکلي ډیزاین کې چاپ کړل شي. په دې نوې معتبره مجله کې سیاسي، فلسفي، اقتصادي، روغتیایي، چاپریال ساتني، ټولنیز ادبي، سپورتي او کولتوري مضامین د مسلکي کارپوهانو له خوا نوي په زړه پوري مالوماتي لیکنې څېړنې او ارزوني خپرې شي. د دعوت مجله باید ځان ته خپل لیکوال ومومي، څو د هرې مسلکي څانګې په اړه د خپلو مسلکي کارپوهانو څخه غوښتنه وکړي، د یوې ځانګړي موضوع په اړه نوې علمي لیکنې وکړي او د دې لیکنو امتیاز یواځې او یواځې د همدې مجلې سره محفوظ وساتل شي. مجله باید په ډیر ښکلي ډیزاین او رنګه انځورونو کې خپره شي. مجلې ته په پیل کې یوه ارزانه بیه وټاکل شي، دغه نوې مجله باید د افغانستان او د نړۍ په ګوډ ګوډ کې د افغانانو په کولتوري مرکزونو کې وپلورل شي. دا مجله باید د نړۍ معتبرو مجلو په شان لکه الماني مجله ډیر شپیګل، امریکایي مجله ټایمز او د جیوپولیټیک مجلې ته ورته وده وکړي.
د دعوت خپروني نوویشتمي کالیزې په ویاړ:
زه د یو لو ستونکي په توګه د دعوت ۲۹ کلن کولتوري هاندې هڅې، نوښتونه او بریاوې لوړې ارزوم او د زړه له کومي یې ستایم. حالاتو ته په کتو سره فعالیت ډیر مثبت او عالي ارزوم، د امتیاز څښتن او درنو چلوونکو ته د دې خپروني د ۲۹ مې کالیزې د رارسیدو په ویاړ مبارکي وایم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زما په اند د چاپي رسنيو خپرنيزخبريال بزگر صيب اوسپنيزه اراده او هڅې د ستايلو وړ ځکه دي، چې په کړوالۍ کې يې دغه رسنيزه بنسټ په خپل وس او توان سره په سمه او بريالي توگه مديريت کړي او تر ډيره بريده د ژورناليزم اصول مراعت کړي دي.

ښاغلي بزگر ته د وياړ او خوښي ځای دی چې دعوت مهالنۍ وکولای شول د ډيرو اقتصادي ستونزو او لږو مالي مرستو سره سره د افغانانو د کړوالي په اوږده تاريخ کې د خپل بې پرېوالي تگلارې پر بنسټ د يو ملي تاريخي وياړمن اخبار نوم خپل کړي.

دعوت د خپلو قلمي همکاران پر مټ د افغانستان په دننه او بهر کې د اعتبار وړ يو پياوړي آزاد ملي رسنيزه ځواک گرځيدلي دی. د دعوت مخاطبين د هيواد ملي روڼ اندې يا د افغاني ټولني لوړ پوړي پرگنې دي. دعوت، لوی افغانستان د ټولو افغانانو گډ کور گڼي، ځکه يې د ملي افغانانو په منځ کې ښه نوم گټلي دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

به مناسبت۲۹ مین سال نشراتی دعوت میدیا با مدیریت محمد طارق بزگر

کاندیدای اکادمیسین استاد م.ا. سیستانی

محمد طارق بزگر، یکی از نخبه گان فرهنگی و اطلاعات جمعی در خارج از افغانستان است که قریب سی سال از بهترین ایام عمر خود (۱۹۸۸-۲۰۱۷) را در راه تنویر افکار و اذهان هموطنان خود با نشر مجلهؤ دعوت وسایت دعوت میدیا، صرف کرده است. ۳۰ سال کار مطبوعاتی و آگاهی رسانی بلا توقف و بدون مزد، در توان هیچ کدام از ما خواننده گان و همکاران قلمی آقای بزگر نیست.

آقای بزگر، چرا این همه وقت و انرژی و توان جسمی و مادی و معنوی خود را در این راه صرف کرده است؟ آیا علت این همه سعی و تلاش او به خاطر کسب مقام و جاه دولتی بوده است؟ نه خیر. من فکر می کنم که علتش همانا عشق بی کران به کشورش افغانستان و مردم و زبان و فرهنگش بوده و است. عشق و محبتی را که من در وجود این شخصیت خوش برخورد و مؤدب و صبور و بردبار نسبت به افغانستان درک کرده ام، کمتر از عشق و علاقه ای نیست که اعلی حضرت امان الله خان برای تعالی و ترقی کشور خود داشت.

دانشمندان جامعه شناسی در مورد عوامل پدید آورندۂ شخصیت انسان می گویند: شخصیت، ساختهء وراثت و محیط زیست اوست؛ یعنی انسان با خصوصیات ژنتیکی خاصی به دنیا می‌آید، و پس از آن سر و کارش با محیط اجتماعی اطراف او است.

محیط اطراف، عبارت از خانواده، همسایه گان یا اهل روستا، کودکستان و مکتب، و بالاخره جامعه است که نقش مهمی در شکل دهی شخصیت انسان دارد.

انسان از محیطی که در آن بزرگ شده است، خواهی نخواهی تاثیر می پذیرد. اگر از اطرافیان خود محبت دیده باشد، با دیگران با محبت رفتار

(c) ketabton.com: The Digital Library

می کند واگر خشونت دیده باشد، طبعاً خشن بار می آید و با دیگران از درِ خشونت پیش خواهد آمد؛ اما ذکاوت و خلاقیت و ابتکار از وراثت انسَان سرچشمه می گیرد. به همین جهت است که انسان های یک جامعه، همه دارای عین قابلیت و استعداد و خلاقیت نیستند و هر کدام، دارای مختصات و ویژه گی های منحصر به خود اند که با همان ویژه گی ها از یک دیگر متمایز می شوند.

تا زمانی که انسان، در عرصهء زنده گی و کار از خود مهارت و لیاقتی تبارز نداده باشد، نمی توان در موردش نظری مشخص ارائه کرد؛ فقط در روند کار و در پراتیک زنده گی است که ظرفیت انسان و توانائی هایش متبارز می شوند و دیگران را تحت تاثیر خود قرار می دهد و حسن نظر یا سوء نظر اطرافیان را نسبت به خود برمی انگیزاند. مثلاً انسان ها با تبارز قابلیت های خاصی در عرصه های سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی، یا هنری از خود آثاری چون کتاب، مقاله، رساله، یا یک اثر هنری از قبیل آهنگ های موسیقی، مجسمه یا تابلوی نقاشی، بر جا می گذارند و به خاطر آفریده های خویش، در جامعه متبارز و صاحب نام و شهرتی می شوند. شناخت چنین آدم هایی کار مشکل نیست و می توان از روی آثار شان، به طرز تفکر و ایده ها و نیات و پیام شان پی برد و آنان را برای نسل های جوان حال و آیندهٔ جامعه معرفی کرد.

جوانان نیزعلاقمند اند تا از کرکتر و کارنامهء آدم های موفق، برجسته و خلاق تاسی بجویند و شخصیت خود را تکامل ببخشند. طبعاً این احساس، آن ها را به سوی تلاش برای طی کردن پله های ترقی و تعالی و کسب درجات علمی بالاتر و زنده گی آبرومند و فارغ از کژی و نادرستی، تشویق می کند.

آن هایی که در ابراز لیاقت، خلاقیت، درایت، کسب علم و فضیلت، راستی و درستی و وطندوستی از آزمون زمان موفقانه عبورکرده باشند،

(c) ketabton.com: The Digital Library

نخبه گانی استند که مایهٔ افتخار و سرمشق دیگران می شوند و همواره الگوی راستی و درستی و انسان دوستی پنداشته می شوند؛ اما انسان هایی که فاقد استعداد و ذکاوت و خلاقیت و لیاقت استند، معمولاً به ریاکاری و تملق و چاپلوسی و دروغ متوسل می شوند، و معلومدار افراد زبون، اپورچونیست و ابن الوقتی اند که به خاطر حفظ یا کسب منافع شخصی، سر و گردن خم می کنند و برای جلب توجه ارباب قدرت حاضر اند تن به هر پستی بدهند.

هر یکی از ما در زنده گی روزمرهء خود، با هر دو گروه انسان های خوب و آدم های بد و پلید رو به رو شده ایم؛ از آدم های نیکوکار و نکونام، به نیکی یاد می کنیم و از انسان های فاسد و استفاده جو و دروغگو اظهار نفرت و انزجار می کنیم.

از بحث به دور نرویم، بحث بر سر محمد طارق بزگر، یکی از شخصیت های فرهنگی افغانستان مقیم کشور ناروی است. بزگر، فرزند دره های سرسبز و کوهساران پوشیده از جنگلات طبیعی و درختان کاج و نشتر ولایت کنر است.

کُنر یکی از ولایات دور افتاده در شمال شرق سلسه کوه های هندوکش واقع شده و دارای مناظر طبیعی زیبا و دره های پر جاذبه و دلکش است. در این دره ها، رودهای سرمست و پرآب با آبشار های زیبا و دل انگیز از میان سنگلاخ ها جریان دارند که مایهء حیات انسان و حیوان و نبات منطقه استند.

جناب بزگر، در چنان فضای آزاد و خوش آب و هوا، در یک خانوادهء منور و تحصیل کرده و صاحب قلم پشتون با قابلیت و استعداد خلاقیت و سرشار از حب وطن دوستی به دنیا آمد و از عطوفت والدین و برادران و خواهران خود، محبت و صفا و صمیمیت دید و راستی و صداقت شنید و به تدریج بزرگ و بزرگتر شد تا به مکتب رفت و از معلم و استادش نیز درس آزاده گی و صداقت و محبت به وطن را

(c) ketabton.com: The Digital Library

همان گونه که در خانواده شنیده بود، به تکرار شـنید و آموخـت. بزگـر وقتی قدم به سن جوانی گذاشـت و نزدیـک بـود صـنف یـازدهم لیسـهٔ نادریه کابل را تمام کند و بقیهء پله های تحصیل را در وطنش طی کند، ولی متاسفانه که تجـاوز اتحـاد شـوروی برکشـورش، او را از آغـوش مادر وطن به دور ساخت. او در سال ۱۹۸۰ مثل هـزاران تـن دیگـر، راه مهاجرت در پیش گرفت و از کابل به پیشاور رفت. در آن جا دروسش را ادامه داد و در رشتهء علوم سیاسی و اسلام از اسلامیه کالج و پوهنتون پشاور لیسانس گرفت و در حـالی کـه ۲۱ یـا ۲۲ سـال عمـر داشـت، بـه کشور ناروی پناهنده شد.

بزگر، در سال ۱۹۸۸ در کشور نـاروی بـه حیـث یـک مهـاجر افغـان از حمایت های اجتماعی و فرهنگـی کشـور نـاوری برخـوردار شـد، و در رشـتهء کمپیـوتر و میـدیا و کمیونیکیشـن (مطبوعـات و ارتباطـات) بـه تحصیل خود پرداخت.

بزگر در رشتهء ژورنالیزم، دارای تحصیلات عالی و تجربهء زیات بـوده و در عرصهء ژورنالیزم انترنتی نیز دارای تحصیلات بلند از شمال ناروی است. او برای سالیان دراز در تلویزیون دولتی ناروی (NRK) کار کـرد و نیز از طریق آنلاین در انگلستان، رشتهء ژورنالیزم خـویش را تقویـت کرده است.

آقای بزگر در پهلوی درس و تحصیل خود در ناروی، در صـدد برآمـد تا به مردم افغانستان از یک طریق سالم خدمتی انجام دهد؛ چون عـلاوه بر ذوق و علاقه به مطبوعات و رسانه های جمعـی، خـود را بـا دانـش و تیوری این رشته از علوم انسانی مجهز کرده بود، در دسمبر سـال ۱۹۸۸ دست به نشر یک مجلهء ماهانه به نام دعوت زد. بزگر خود گفته اسـت که کار نشراتی مجلهء دعوت را در اوج مشکلات، با امکانات اندکی از طریق نوشتن با دست خود آغاز کرد و پس از نشر مجله، خود را مجبور دیـد آن را بـرای هموطنـان نزدیـک خـود ابتـدا در کشـور هـای

(c) ketabton.com: The Digital Library

ناروی، سویدن و دنمارک توزیع کند و مصارف پستی را هم از جیب خود بپردازد.
به تدریج علاقه مندان دعوت در کشور های دیگر اروپائی و امریکایی بیشتر می شوند و او خود را مکلف می بیند دعوت را که حاوی اطلاعات و آگاهی ضروری سیاسی و اجتماعی و ادبی بود، به بیش از پنجاه و پنج کشور اروپائی و آسیائی و امریکائی برای افغانان برساند.
با رواج انترنت و میدیای برقی، در نیمهء دوم دههء ۹۰ قرن بیستم، آقای بزگر، کار بروز رسانی سایت دعوت میدیا را به زبان های پشتو و دری و انگلیسی و نارویژی با صداقت وطن پرستانه به مردم افغانستان ارائه کرده است.
آقای بزگر بدون وابسته گی به سازمان سیاسی خاص، با دیدگاه فراخ، هرگونه نظریات مخالف و موافق را مجال نشر و امکان تبارز می دهد. به همین لحاظ او مورد احترام همه افغانان و به خصوص همکاران قلمی و مطبوعاتی خود قرار دارد و با خلق خوش و کرکتر عالی ای که از تربیت خانواده گی خود به ارث برده است، همه را گرویدهء شخصیت متین و با وقار خود ساخته است. اینك از خدمات فرهنگی او به حیث مدیرمسوول دعوت میدیا، ۲۹ سال می گذرد. او در این مدت به طور خسته گی ناپذیر در راه بیداری و تنویر اذهان و شعور جوانان کشور، نقش روشنگرانهء خود را منحیث یك افغان وطندوست و خدمتگزار افغانستان به نحو خیلی تحسین برانگیز انجام داده و می دهد. این همه پشت کار و صرف وقت و انرژی، بدون تردید، ناشی از عشق عمیق او نسبت به مردم کشور و آگاهی دادن به مردمی است که خودش از میان آن ها بیرون آمده است. از این جهت جناب بزگر صاحب، دین بزرگی برگردن ما افغان ها دارد. بنابراین من این خدمات معنوی و با ارزش آقای بزگر را قابل تقدیر و ستایش می دانم و برای

(c) ketabton.com: The Digital Library

سرفرازی این شخصیت برازنده و یکی از فرهنگیان نخبهء کشور، عمـر طولانی و توفیق مزید از خدا آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ښکلي مجله او ښکلي پاڼه

عبدالغفار جُبیر

د ((دعوت)) مجلي او ویب پاڼي مؤسس ښاغلی مشر- ورور محمد طارق بزگر صاحب هغه څوک دئ چي د لومړي ځل لپاره یې زما لومړی اثر (ما ولي اسلام قبول کړ؟) د ده په هڅو او مالي لګښت سره په ۲۰۱۰ میلادي کال کي چاپ شو، که زه په لنډو کي درته ولیکم: ((ښاغلي بزګر صاحب زه لیکوال کړم.))

ما له نن څخه ۸ یا ۹ کاله مخکي دعوت ویب پاڼي ته لیکني لېږلې، چي کله به مي یوه لیکنه ولېږله، د دوهمي لیکني لپاره به بزګر صاحب تشویق راکړ، او وبه یې هڅولم چي بله لیکنه او ژباړه وکړم، زما دوهم اثر (اسلام او نوي ساینسي- څېړني ۱ ټوک) هم د ده په کوښښ په سویډن کي تکړه ورور ښاغلي ملک زي صاحب چاپ کړ، او بزګر صاحب ته دي الله جل جلاله په دنیا او آخرت کي پوره عوضونه ورکړي. (امین)

د ښاغلي محمد طارق بزګر صاحب ښکلي ویب پاڼه چي مخکي د (افغان سباوون) په نامه او بیا (دعوت ۲۴) شوه، ډېره یوه هر اړخیزه او معلوماتي ویب پاڼه ده. موږ تر هر څخه مخکي همدغه ښکلي پاڼه اقلاً په ورځ کي څو څو ځلي ګورو؛ دا ځکه چي داسي لیکني پکښي شتون لري، چي په نورو ویب پاڼو کي نشته او بې بېلګي دي. اسلام، سیاست، ساینس، سپورت، تاریخ ، د نړۍ هیښونکي او هر ډول لیکني، کتابونه او ویډیو ګاني پکښي شتون لري. د افغانانو د درد احساس، د سولي پیغام، د نیکمرغۍ ولولي، د سکون ټکور، د پرمختګ لاري چاري او داسي نور اړین توکي پکښي پراته دي، نه یواځي د هغو افغانانو ولولي او احساسات منعکسوي چي په لویدیځ کي اوسیږي بلکي د ګران هیواد افغانستان ورځنۍ تودي پیښي او ناخوالي هم پکښي رانغښتي دي، چي همدا د دي ښکلي پاڼي یوه ځانګړتیا ده. د بزګر صاحب په دي نړیواله پاڼه کي علاوه له دي څخه چي افغاني او اسلامي لیکني خپریږي بلکي ازادي لیکني هم سته، چي کېدای سي همدغه لیکني په ډېرو ویب پاڼو کي شتون ونلري، چي مطلب مي دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دئ چي بزگر صاحب خپله يو تکړه نړيوال ژورنالست دی، نو تر ډېرې اندازې پورې د ژورنـاليزم د اصـولو مطـابق د بيـان ازادي يـې هـم پلـې کړېده

دعوت خپرونه:

موږ زښته ډېرې مجلې لوستې او يا يې هم لولو، هـم خـارجي مجلـې او هم داخلي مجلې، خو د ((دعوت)) مجله يوه بې مثله، معلوماتي او هـر اړخيزه مجله ده.

بزگـر صـاحب مـوږ د ((دعـوت)) مجلـې هـره گڼـه را ليـږي. کلـه د ليکوالانو، اديبانو، پوهانو او علماء داسې گڼه گوڼه جـوړه سي چـې بيـا موږ دغه مجله فوتو کاپي کړو او بيـا يـې تـر ملگـرو او دوسـتانو پـورې رسوو، چې لـه دې ښـکلې مجلـې څخـه مـوږ هـر څـه لکـه: سياسـت، افغانپوهنه، ادبيات، تاريخ، ساينس او نور.... رازده کړيدي. که زه پـه دا هر څه په يوه جمله کې را ونغاړم نو زه ويلای سم ((د دعـوت مجلـه او ويب پاڼه يو نړيوال دائرة المعـارف دی.)) الله جـل جلالـه دي و بزگـر صاحب ته اوږد عمر ورکړي چې همدا ملی وياړ تل له ځانه سره ولري، او همدا ملي خدمت ستر عبادت وگڼي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹م پسرلی

قریب الرحمن سعید

د هیواد په سخت پیچلیي، د ناورینو او نانندریو ډک تاریخ کـي، نـژدی ۲۹ کلـه مختـه د نـومبر پـه میاشـت کـي، د دعـوت تـر نامـه لانـدي، محترم طارق بزگـر، د خپلـو او د خپلـو مینوالـو د احساسـاتو د بیـانولو، څرگندولو، او د هیواد د سیاسي او ټولنیزو حالاتو څخـه د عـامو ولسي ـ وگړو د خبرولو په خاطر، د فقـر او بي وطنـۍ پـه فضـا کـي، د نـاروي د هارایډ څخه، میاشتنۍ خپرونه پیل کړه. دا پـه داسي حـال کـی چـي نـه هغه وخت کمپیوټرونو ته دومـره وده ورکـړل شـوي وه او نـه د اوس پـه څیر د لیږد رالیږد اسانتیاوو شتون درلود او نه دغه ډول نور کمپیوتري او یـا تیلیفـوني سـهولتونه شـتون درلـود. یـواځنی وسـایل چـی تـري گټـه اخیستل کیده د فکس ماشـین او یـا هـم د پوسـتي خـط وه. د فکـس د ماشین سهولت هم ډیر کم میسر و.

زما یاد دي چي محترم بزگر صیب به د خپلو ورځنیو کاري مصروفیتونو ترڅنگ د شپي تر ناوخته پوري په پوسته کي راغلي لیکونه، شـعرونه او مضمونونه پخپله تصحیح او ټایپ کول او بیا به یـی پـه خپلـه میاشـتنۍ خپرونه کي د خپریدو لـه پـاره امـاده کـول. هغـه وخـت دغـه خپرنیـزه سیاسي ټوله به لمړۍ چـاپ او بیـا بـه ټولـو مینـه والـو تـه د پوسـتی لـه لاري ور لیږل کیده، چي پوستي مصارف به یی هم پخپلـه د دعـوت د بنسټ ایښوونکي او مسوول مدیر له اړخه ور کول کیدل. کم مثال به تر سترگو شي چي د دعوت مینوالو به ورسره د دي اقتصادي بار په پورتـه کولو کی لاس کړی وي، خو د دعوت مسوول، خپـل ولـس او د ولـس منوري طبقي ته د خپلی سیاسي ټولی (دعـوت) ورلیـږل د خپـل ځـان لپاره یو چلینج گڼلی و په دي خاطر یی د خپلي هغه پانگی څخه، چـي د خپلو متو په زور یی گټله، ډیره برخه د دعوت په چـاپ او بیـا د دي سیاسي او ټولنیزی ټولي په پوستي مصارفو لږوله.

۲۹ کاله مخته هیواد د یوي توری تیاری سره مخ و. دهیواد پـه سـیاسي او ټولنیزه فضا وحشت او دهشـت حـاکم و. پـه سـلگونه زره انسـانان د وخت د بیرحمه حاکمانو د تیریو له لاسه د خـاورو خـوراک گرزیـدلي

(c) ketabton.com: The Digital Library

وو. ولس مو په مختلفو گاونډيو او اروپايي هيوادو کې د مهاجر په نامه پاشل شوی و. ميندی بوري شوي وی، ناوي کونډی شوي وي او کوچنيان يتيمان شوي وو او په پرديو هيوادو کی د اجنبي انسانانو لاسو ته ناست وو. او هر چا چي څنگه يی زړه غوښتل همغسي لوبی يی پري کولي.

د هيواد دننه په مطبوعاتو سانسور و، ان تر دي چي د بهرنيو راديوگانو خبرونه اوريدل هم مرگوني جرم گرزيدلي و. ولس د خپل هيواد په اړه د هيڅ نه خبر نه و. نه د انټرنيټ سهولت شتون درلود او نه د سپوږمکيو استانيتاوي ميسري وی ترڅو ولس تري د خپل هيواد د سياسي او ټولنيزو حالاتو په اړه کره معلومات تر لاسه کړي. په داسي کرغيړنو او ناندريو نه ډکو حالاتو کي د دعوت مياشتنی د ولس د يو شمير منورينو له پاره د رڼا او مشال حيثيت درلود. هغوي کولي شول چي ددي لاري خپل نظريات د ولس د نورو پرگنيو سره شريک کړي، او د دعوت مسوول او بنسټ ايښوونکي هم د ټولو تهديدونو او گواښونو سره سره بيا هم په خپل هوډ او عزم کلک ولاړ و. هغه خپله دغه مياشتنۍ د ټولو اقتصادي او ټولنيزو ستونزمنو شرايطو سره يو ځای فعاله و ساتله، ان تر دي چي په انټرنيټي دوران کی يی د دعوت ترنامه لاندي پاڼه هم پرانيسته چی د هيواد د ملي ژبو (پښتو او دري) نه علاوه يی په انگليسي او ناروېژی ژبو هم خپروني پيل کړی.

دعوت هم په انټرنيټي جال کي او هم په چاپي برخه کي په دغه ستره تاريخي اوږده موده کي د هيواد د مطبوعاتو د يوه ځلانده ستوري په څير وځليد، په خپرونو کي يی ورځ تر بلي د علميت او د انسانيت او حق په لور د بللو وړتيا نوره هم زياته شوه او ډير ژر يی د انټرنيټي خپرونو له لاري په نړيواله توگه د هيوادوالو تنده ورماته کړه.

دعوت د خپل تأسيس نه را وروسته په دي اوږده موده کي ډير ستر او تاريخي گامونه اخيستی، د هيواد د ملي گټو او شتمنيو يی دفاع کړی، د وطن او هيواد پالنی روحيه يی غښتلی کړي، او ولس يی د پرديو او پرديپالو، د استعمار او استثمار، اشغال او نيواک په مقابل کی د يوه واحد دريځ په لور رابللی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

تر هغي چي ما د دعوت خپرونی لوستي اويا مي يی انهر نيتهي ليکنـي تعقيب کړي، په هيڅ يوه کي يی هـم د هيـواد سره د مينـي او د خپلـو ملي ارزښتونو او مقدسي خاوري د دفاع نه اخوا د نورو قومونو تر منځ د تعصب نښي نه دي ځرګندی شوي، بلکه پـه يـوه متحـد پليټ فـارم د ولس د راتهوليدو درونـد مسؤليت يی په غاړه اخيستي او تـر اوسـه پـوري دغه درونـد مسؤليت په غاړه لري.

زه د دعوت بنسټ ايښوونکي مسوول مدير، محترم محمد طـارق بزګـر ته د دغي ملي خپـروني د ۲۹مـي کليـزي پـه مناسـبت د زړه لـه کـومی مبـــارکی وايـــم او د الله تعـــالي نـــه ورتـــه پـــه دي اړه د لا زيـــات توفيق غوښتونکي يم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۲۹ کاله دعوت وشو، خو زمونږ د ويښتابه کار څنګه شو؟

محمد آصف ننګ

۱۳۹۶ د تلې مياشت، کابل:

۲۹ کاله يعني د يو نسل عمر، دومره ډېر کلونه د دعوت ورځپاني دعوتي او د ويښتابه او د اذهانو د تنوير ماموريت ترسره شو، د خپلې مطبوعاتي تجربې له مخې، چې د وطن مياشتني مجلې او بيا د اقتصاد مياشتني مجلې د مدير مسوول په حيث مسووليت درلود، راته معلوميږي چې د ټولنې د بيدارولو او پوهولو کار څومره ستونزې لري. دغسې درونډ، له مسووليت او زحمت ډک مزل، چې ښاغلي محمدطارق بزګر او ټيم يې پوره ۲۹ کاله طی کړی، واقعاً له عظمت ډک دی او سخت د قدرداني وړ ده. په همدې دعا چې خدای پاک دې د دې غښتلي شخصيت قلم او پيام پياوړی لري او هم دې خدای پاک پر دې ملت رحم وکړې چې د غفلت له خوبه راويښ شي او د نړۍ د ترقۍ او پرمختګ له کاروان سره دې دوی هم سيال شي.

دعوت خپرندوی مرحلې:

که ۲۹ کلن تسلسل ته وکتل شي، زه يې په څو مرحلو کې څېړلی شم:

(۱) په افغانستان کې د انقلابي احساساتو مرحله. دا هغه مرحله وه چې د رغوني او تحمل پيامونه پکې کم چليدل. دا داسې مرحله وه چې د انکشاف، ترقۍ او پرمختګ او د نظام جوړوني په هکله بحث کول، ډېر اوريدونکي او خريداران نه درلودل، خو دعوت پدې کلونو کې هم ډېر ښکلي مباحث درلودل. دعوت پدې مرحله کې يو روڼ آندی قشر ـ وروزه او هغه قشر د نن ورځې په کار و بار کې ډېر ښکلي او مثبت نقش ايفا کوي. دعوت پدې کلونو کې د انقلابونو پيامونه کم او د وطن او وطن پالنې پيامونه ډېر نشر کړل.

(۲) بله مرحله د طالبانو مرحله وه. دا کلونه هم سخت ول. داسې کلونه وو چې پکې بيا هم د وطن او وطنپالنې سودا ورکه شوې وه. فکري اختناق ته ورته مرحله وه. د ليکوالانو قلم نه چليده. محدوديتونه هم پريمانه و. پدې کلونو کې دعوت له وطن ليرې و خو مخاطبين يې په

(c) ketabton.com: The Digital Library

ایران، پاکستان او غربي هیوادونو کې تر ټولو ډېر و. دعوت پدې کلونـو کې د وطنپالنې تر څنګ، خپله بې طرفي حفظ کړه، او د وطن د نجات او فلاح لپاره یې ښې ډېرې مقالې خپرې کړې.

(۳) تر سپتمبر (۱۱) وروسته مرحله، دا زمونږ په تـاریخ کـې د بـدلون او تحول تر ټولو عمده مرحلـه ده. پـدې مرحلـه کـې د افـراط تـر حـده د دیموکراسۍ شعارونه وغږول شول. پدې مرحله کې دوه درې پدېـدې د بحث وړ دي. اول دا چې رسنۍ غږیزې او چاپي ډېرې شوې، بیا یو څو کاله وروسته پسې بصري رسنۍ او تلویزونونـه ډېـر شـول. پـدې رسـنیزه وسایلو کې خو شوقي او تفریحي برنامې ډېرې دي، خـو د خردمنـدۍ، بیدارۍ، تعقل، تربیت او هدفمنده ماموریت ته د ولس د توجیه کولو او بسیج کولو پیامونه پکې ډېر کم خپاره کیږي.

پدې حاضر دور کې خواله رسنۍ، تویټر، فیسبوک او... هم پرې اضـافه شول، چې د پیامونو د مدیریت او سانسور سلسـله یـې ختمـه کـړه؛ بـې بندوباري یې وزیږولـه، د حـق او باطـل، د سـهې او غلـط او د ګټـور او مضر پیام او خطاب تفکیک یې مشکل کړ.

بل دا چې پدې مرحله کې د چاپیزو رسنیو، یـا پرنـټ میـډیا، نقـش ډېـر کمزوری شو. د خبر د نشر سرعت زیات شو او هر څه پـه ډیجټـل بڼـه واوښتل.

پدې حاضر دور کـې دعـوت او بزګـر، دواړه ښـه چلیـدلي. د تـیرو ۱۶ کلونو تسلسل مې په چابکه توګه وکتو، واقعـاً ډېـر عـالي پیامونـه خپـاره شوي، د اعتداله پر کرښې تګ شـوی، ابلـه بـازاري او اپلـت پیامونـه او مقالې قطعاً ندې نشر شوي. پدې مرحله د دعوت په مطالبو او مقالو کې د سولې غوښتونکې، چاپیریال او محیط زیست، معادن، منابع، اقتصـاد، سیاسي اصلاحات، وده او انکشـاف، پوهنـه، زراعـت او هـر ډول تنـوع څخه ډک نشرات شوي دي.

د بزګر صاحب په اړوند رسنیو کې د هنر برخه هم ښـکلې اثـار لـري. د محلي نایابه موسیقۍ کلیپونه، تصویري هنر، جالب عکسونه او... .

د دې ټولو معنا دا چې دعوت د عصر پـه ژبـه ښـه پـوهیږي، اعتـدال او معقولیت ښه ساتلي شي او د وخت له تقاضاوو سره سم مزل کولی شي.

سپارښتنې:

(c) ketabton.com: The Digital Library

سپارښتني مي هم مختصره دي. ويپ پاڼې کې دې د پښتو کتابونه ور اضافه شي، په خاصه توګه هغه کتابونه چې ژباړې ته ضرورت لري. د امريکا او اروپايي سياست او اقتصادي ودې په هکله ډېر ښکلي آثار چاپ شوي، که ژباړه يې ترسره شي او بيا علاقه مندانو ته کېښودل شي، نو د سياسي بصيرت په برخه کې به مهم نقش ولوبوي.
بل دا چې که دعوت د مهالنۍ يا فصلي مجلې په حيث په عصري او رنګه بڼه چاپ شي، نو د چاپي رسنيو صنعت او د مطالعې کلتور به ادامه پيدا کړي.
ډير خلک انټرنيت ته لاسرسی نلري، او يو زيات شمير خلک په پوهنتونونو، انستيتوتونو او مکتبونو او مدرسو کې دي. دوی بايد له پامه ونه غورځول شي. ځوانان ځکه مهم دي چې خدای مکړه بيا د افراطي افکارو ښکار نشي. انقلابونه له همدې ځو پوهنتونونو را شروع شول او ځلويښت کاله يې دوام ومونده؛ وطن يې هم ړنګ کړ او دوه ميليون وګړې پکې شهيدان شول؛ ځکه نو تاکيد کوم چې مجله دې هم خپره شي.
زه شخصاً د دعوت هغه مزمن لوستونکی او مينه وال يم، چې له دعوت مې ډېر څه زده کړې؛ ځکه نو دغه خپرندوی بنياد حق لري چې امتنان يې وکړم.
له چلونکي ټيم، مشرتابه او د ليکوال غړو له ډلې څخه يې... رښا مو لا ځلانده اوسه او خدای پاک دې د دې سپېڅلېو زحمتونو بدله په دنيا او آخرت کې درکړې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه او دعوت، ۲۳ کاله د مخه!

سردار ولي پښتون زوی

ما هم د نورو لالهاندو افغانانو په څېر، سترګي د کډوالۍ پر مهال په پردي وطن کي روڼي کړې. ستونزي، بې وطني، پردیتوب او نور ډول-ډول ذهني شکنجي د هري ورځي مهال وېش وو.
۱۹۹۴ع کال زما د پاره ځکه خوښ کال دئ چي زه په لومړي ځل په اول نمرګۍ سره دريم ټولګۍ ته بريالی سوم، او په ټوله ښوونځی کي به فاتحانه او مغرور ګرځېدم. دا ابتدايه ښوونځی د بلوڅستان پاکستان د پښين اولسوالۍ سرانانو نومي کمپ کي وه، چي اوس د جمالدين افغان ليسې يا ۱۵ نمبر ښوونځی په نامه يادېږي. دا چي د دې تعليمي نصاب چلښت تر اوسه پوري د ملګرو ملتونو د کډوالو اداره کوي، نو به ئې ښارونکي تل د همدې ادارې وه. يوه ورځ يو ښارونکی له يوه بهرني سره ملګری ټولګۍ ته راغلل او زموږ ښوونکی ته ئې د بهرني تر مخ د يو زده کوونکي څخه د پوښتني غوښتنه وکړه. ښوونکي ماته د دوديز سبک له مخه د پښتو کتاب د يوې پاڼې د متن ويلو وويل؛ چي بايد په لوړ ږغ وي. ما هم هغه پاڼه په خوند وويل. بهرني فکر وکړ چي ده لکه چي همدا څو پاڼي ياد کړي؛ په لاس کي ورسره مجله ماته راکړه او په ژباړن ئې راته وويل چي له دې مجلې څه ووايه! ما چي د مجلې پر تندي لومړۍ کرښه وويل، ټولو ته ئې خوند ورکړ؛ کرښه کي ليکل سوي:
((د دعوت خپلو درنو لوستونکو ته د خپل څلورم نشراتي کال مبارکي وايي.)) نوري پاڼو کي هم پوښتنه وسوه، خو هره پاڼه چي به ئې وښوول، لکه بلبل داسي به وږغېدم.
وروسته څو نور ټولګيوال هم وپوښتل سوه، خو په مجله څوک نه جګېده. بهرني کس له وتو سره هغه مجله ماته د انعام په ډول راکړه چي تر ښوونکي پوري د ټولو خولې اوبه ورته کولې.
ښوونځی، کلي او کور کي اوازه وه چي سردار ولي ته ئې انعام کي (کتاب) ورکړی، هغه هم يوه بهرني! ځکه مو کتاب باله چي هغه وخت کي موږ مجله او کتاب نسواى سره بېلولای. دا مجله د ((دعوت)) درنه

(c) ketabton.com: The Digital Library

مجله وه چي وروسته نو دې مجلې راته د ملي هنداري ارزښت لاره او تل به مي په کور کي په خورا سينګار ډول ساتل.
کلونه تېر سوه، يوه ښوونکي مي راته وويل چي هغه ستا سره مجله د څو ورځو د پاره راکړه. مجله مي په ورين تندی ورکړه، خو مجله مي بيا ونه مونده او ښوونکي به راته وويل چي زه به بيا بله درته راوړم.
اتکل تر اوسه پوري غواړم له هغه ښوونکي خپل روا حق وغواړم، خو ښوونکي مي لس کاله وړاندي ومړ او زما د ژوند دا غوښتنه د تل د پاره رد سوه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت

(ډېرو هغو پيغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هيواد
نلری د يوې لارښود په حيث خپل رول لوبولی دی)

شاهي سعادت

انسانان د خپلو معلوماتو پـر بنيـاد د خپـل ژونـد لارې ټـاکي او د خپلـو معلوماتو په رڼا کښې خپل ژوند تيروي. ويښ انسانان، قومونه، ولسـونه، او ملتونه تل کوښښ کوي چې معلومات يي د حقـايقو پـر بنسـټ ولاړ وي. همدغه وجه ده چې دوی تل کامیابه، سرلـوړي، پـر خپلـو ځـانونو معتقد او خپلواکه ژوند کوي.

که په تيرو وختونو رڼا واچوو او مختلف ولسونه يو له بل سره پرتله کړو نو په ډيره اساني سره به ووينو چې هغه ولسـونه چـې د غلطـو معلومـاتو ښکار شوي دي نو يا خو يي نوم او نښان ورک شوی دی او يا د تباهي ښکار شوي او د ذلت او د بل واکی په تورو شپو کښې د محتاجی ژوند تيروي.

که چيرې مونږ د افغانستان دې تيرو څو لسيزو ته يوه کتنه وکړو نو پدې به پوه شو چه هغه غلط معلومات چه زمـونږ تـر غوږونـو تـر ننـه پـورې رارسيږي ترينه تر څومره د پرديو ګټو دپاره استفاده شـوې ده او څـومره زمونږ د تباهی او بربادی سبب ګرځيدلی دی.

د دغو ټولو حقايقو په نظر کـې نيولـو سره بايـد ووايـو او دا ومنـو چـې معلومات او رسنی زمونږ د ژونـد او مـرګ سره تـړلي دي. دا بايـد ومنـو چي سپيڅلي ژورنالستان هميشه د خپلو پرګنو او ملتونـو ګټـې لـه خپـل ژوند څخه برترې ګڼي او خپل ژوند د خپل ملت په ژوند کښـې وينـي. نو ځکه په ډيرو ځايونو او حالاتو کښي دغه سپيڅلي انسانان د ظالمانو، وحشتګرو او د بې ضميره انسـانانو د توطئـو ښـکار شـوي، پـه زنـدانونو کښي غورځول شوي او ډيرو خپل ژوند له لاسه ورکړي.

ښاغلي محمد طارق بزګر هم يو له هغو سپيڅلو ژورنالسـتانو څخـه دی چه خپل ټول عمر يي د خپل جنګ ځپلي ولس ته قرباني کړی دی او د خپل ملت اواز يي په هر ځای، هر وخت او هـر حالـت کـې ژونـدی ساتلی دی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دا یوازی نه چې یوه خپلواکه خپرونه ده بلکه د ډیرو هغو پیغلو او ځوانانو لپاره چې خپل هیواد نلری د یوې لاربنودې په حیث خپل رول لوبولی دی.

کله چې زه د لسو کالو په عمر کې له خپل ټاټوبی افغانستان نه له خپلې کورنی سره وشړل شوم او بیا وروسته د اروپا او امریکا ښارونو کې سرگردانه او له خپل ټاټوبي او ولس څخه نا خبره گرځیدم نو همدغه دعوت او د دعوت پر څیر نورې ملي خپروني وې چه ما ته او زما پر څیر میلیونونو نورو ځوانانو ته یي د خپل هیواد کیسې کولې او زمونږ زړونه یي له خپل ټاټوبي سره پیوندول.

نن د دعوت او د نورو ملي خپرونو له برکته مونږ یواځې دا نه چې د خپل هیواد له حالاتو خبریږو بلکه د دغه معلوماتو په رڼا کې د خپل هیواد او خلکو د سوکالی له پاره هلې ځلې کوو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، هیڅکله د چا د تاثیر لاندي نه دی تللی او نه به ولاړ شي

استاد کاظم بیمار ننگرهاری

د دعوت جریده د خپل تاسیس له ورځې څخه بیا تر نن ورځې پوري د گران هیواد افغانستان د آزادۍ، سوکالۍ، خپلواکۍ او آبادۍ لپاره ډیرې هلې ځلې کړیدي او کوي یې. دعوت هر مشر۔ او کشر۔ رابللی دی، او د هر نظر خاوند پسې په ملکونو گرځیدلی، او د هغوی افکاریې راټول او بې له تشبثه یې نشر کړیدي.

د دعوت وظیفه د هیواد خدمت ته بلنه ده او دغه بلنه تر څو چې دعوت وجود ولري دوام لري. دعوت په خپلو خپرونو ویاړي، ځکه چې د دې مرامونه او اهداف معلوم دي، او هغه د افغانستان د دښمنانو د تو طئو رسوا کول او له منځه وړل دي.

دعوت هیڅکله د چا د تاثیر لاندي نه دی تللی او نه به ولاړ شي.

دعوت د ظلم او استبداد په مقابل کې قیام کړیدی او په دغه لار کې بې له ویرې مخ په وړاندي روان دی.

دعوت، کورنی او بهرني دښمنان رسوا کړیدي او هیچا ته یې لغزش، لرزش او کرنش نه دی کړی، هر څه یې چې لیدلي هغه یې رسوا کړیدي. دا وزینه جریده د هیڅ فاسد حاکم او جنگسالار څخه نه ده ډار شوې او د هغوي ظالمانه اعمال یې په میړانه او مردانگۍ رسوا کړیدي.

دعوت د روسي سور استعمار په مقابل کې په میړانه وجنگید او د خپل ملت په راویښولو کې یې پراخه ونډه اخیستي ده، او تر هغه وخته وجنگید تر څو چې سور استعمار په شا تگ ته مجبور شو.

دعوت د گاونډیو هیوادونو لاس وهنې غندلي، او په تیره بیا د ایران اخوندي نظا م ته یې په هیواد کې د لاس وهنو او د بندونو او انهارو په هکله سخت اخطارونه ورکړیدي، همدارنگه، هم یې د پاکستان پنجابي حکومت ته د ډیورند د کرښې په شا وخوا د اغزن سیم په ارتباط د پښتنو د حق خودارادیت موضوع په کلکه ذکر کړیده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د پښتونستان د مسئلي د حل کلک ملاتړ او د فخر أفغان باچا خان د مشي او پالیسۍ سخت پلوی دی. په گران هېواد افغانستان کي د خویندو او میندو د حقوقو په هکله يي هم کلکه مبارزه کړيده، او يو وار بیا يي وطنوالو ته دا ثابته کړیده چي دعوت به همیشه د عدالت پلوي وي او په دغه لار کي به خپلو هڅو ته دوام ورکوي.

په هیواد کي همیشه د ملي مبارزینو پلوي کړيده او د نیشلیزم او وطن پرستۍ غږ يي او حرکت يي ژوندی ساتلی دی. او هر کله يي چي بې روا او بي عدالتي لیدلی ده هغه يي رسوا کړيده. دا ټول د دعوت د مسئول چلوونکی ابتکار او منلې تـرړي دي چي دعوت لا هماغسي۔ ځوان او د خپلو هیوادوالو خدمت ته چمتو ولاړ دی. په هکله يي د هیواد تکړه شاعر گل پاچا الفت صاحب داسي وايي:

سرگردان وي په جهان هغه مړونه
چي د خپل وطن غمونه يي په سر شي

دعوت نه سور استعمار خوښوه او نه غربي استعمار خوښوي، د دواړو په مقابل کي په مبارزه بوخت دی. ده ته د خپل ټاټوبي ملي منافع تر هر څه زيات ارزښت لري، نو ځکه پري مونږ وياړو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

میرمن شکریه بارکزۍ د دعوت
د ۲۹مې کلیزې په ویاړ

ش. بارکزۍ:

زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو یې کوئ. ډیر وخت نه کیږي چې زه ووایم چې د دعوت لوستونکي یم. اول غواړم چې مبارکي یې تاسو ته ووایم؛ ځکه چې هر ادبي او کلتوری فعالیت د هېواد نه د باندې ډیر سخت دی، ډیرې ستونزې لري، دننه په افغانستان کې یې هم لري، خو بهر ډیر دی. زما له پاره د خوشالۍ ځای همدا وو چې په هره صفحه کې یو نوی نوم او یو نوی فکر سره اشنا کیدم. سربیره پردې چې هغه پخواني لیکوالانو، شاعرانو او سیاستوالو نومونه هم وو، زما له پاره دا ډیر د خوشالۍ ځای دی. اوس مې پریږدۍ چې لږ رښتیا هم ووایم.

بی بی سی فارسي چې وینم، کله ناکله فکر کوم چې ولې دا د ایران خلک هر چیرته چې دي د پوهنتون استادان دي یا څومره څه لري او افغانان څه نه لري. مګر ستاسو نشریې دا راته وښودله چې نه، موږ یې هم لرو، خو متاسفانه داسې چینلونه نشته چې خلک دعوت کړي او وخت ورته ورکړي چې دوی خپل نظریات وړاندې کړي او بل د خوشالۍ خبر دا وو چې نوي ځوان لیکوالان ستاسو د نشریې له خوانه معرفي کیږي. دا زما له پاره ډیر د خوشالۍ ځای دی یا کیدای شي چې زه ډیره د خارج نه لیرې وم، دننه وطن کې وم نو ډیر به د دې نه خبره نه وم چې زموږ څومره ملي، او معنوي شتمنۍ د هیواد نه بهر دي. دا زما له پاره فکر کوم یو کلکسیون د افغانستان د ګټو او ملي شتمنیو، ځیرو او ملي ځیرو نه دی چې باید درنښت یې وشي او باید خلکو ته ورو پیژندل شي. زه غواړم تاسو نه مننه وکړم په دا ستر خدمت چې تاسو یې کوئ.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپروني ۲۹مې کليزې په مناسبت

ډاکټر حضرت عمر زاخېلوال

ژوند څومره په څغاسته تیرېږي، لکه پرون داسي مي په یاد شي چي په پېښور کي د دعوت د خپروني د بنسټګر او مسوول ښاغلي محمد طارق مشر ورور ډاکټر عبدالصمد ملک زی چي زما ډېر نږدې دوست او ملګری و ماته د دعوت د جریدې د لومړنیو ګڼو څخه یوه کاپي راکړه. په هغه وخت کي ما د افغاني جریدو سره چندان علاقه نه درلوده، ځکه اکثره یې تنظیمي وې چي یا په خپلو تنظیمي لاپو پټاکو او یا هم د جنګ او جګړو په ترویج، تشویق او تشدید څرخېدې، د هیله مندۍ مطالب په کي کم و. زما په څېر یو زلمی کډوال ته چي لا تر اوسه یې زده کړې نیمګړې او راتلونکی یې نامطمین مګر هیلي زیاتي وې ناهیلونکي وې. مګر د دعوت په جریده کي مي برعکس هغه څه پیدا کړل چي مایې لوستل غوښتل:
د آزادۍ او بې پرې خبرونو تر څنګ ازادې شنني، خپلواک نظریات او د داسي ملي شخصیتونو سره مرکي چي د کډوالۍ په چاپېریال کي په نظر نه برېښېده مګر نومونه یې آشنا او هیلې ورته زیاتې وې.
په ټوله کي جریده په ملي موخو څرخېده لکه سوله، ملي یووالی، ملي شناخت، ملي حاکمیت، دې موخو ته شته ګواښونه او فرصتونه او هیواد د یو لا ستر ناورین څخه ساتل.
په ۱۹۹۱ میلادي کال کي زه د لوړو زده کړو لپاره کاناډا ته لاړم. په هغه وخت کي نه انټرنیټ و نه ازرانه موبایل تیلیفونونه او یا د اړیکو نورې اسانه وسیلي. له افغانستان څخه د شوروي پوځونه وتلي وو او د شوروي اتحاد په نسکورېدو سره د غرب لپاره په افغانستان کي نور د علاقه مندۍ څه نه و پاتې؛ نو ځکه افغانستان نه د غرب په تلویزونو او نه هم په جرېدو، اخبارونو او مجلو کي په خبر یا مضمون ارزېده. مګر په افغانستان کي خبرونه ډېر او اکثر یې د اندېښني وړ وو.
د ډاکټر نجیب د حکومت وروستۍ سلګۍ وې او د جهادي تنظیمونو او سیمه ایزو استخباراتي ملاتړو یې د قدرت پر سر د خونړي پراوو

(c) ketabton.com: The Digital Library

تیاری نیولی. په داسي وخت کي همدومره چي په ګران هېواد کي پیښي دردونکي وي همغومره له هغوی څخه لېریوالی او بې خبري.

نـو د هېـواد د حـالاتو سره د نـږدې پـاتي کېـدو لپـاره مـي د دعـوت د جرېدې سره اړېکي اړيني وبللې. ښاغلي بزګر صاحب ته مـي لیـک او خپل ادرس ولېږه چي په پیرزوینه یې له هغې وروسته د دعوت جرېدې په مسلسـله توګـه راسـتولي او پـه دې توګـه یـې د ګـران هېـواد د ترخـه تاریخي پړاو سره نږدې وساتلم.

زه د دعوت خپروني د ۲۹مي کالیزې په مناسبت څخه په ګټـي ښـاغلي محمد طارق بزګر او د نوموړي خپروني ټولو کارکونکو ته نه یواځې مـا سره د دوی د ځانګړي پیرزویني بلکې همدارنګه د هېـواد د تـاریخ پـه ډېر حساس پړاوو کي د مطبوعاتو په ډګر کـي د دوی اغیـزمن تـاریخي مسولیت او رسالت د ښه ادا کولو له کبلـه د زړه لـه کـومي مننـه کـوم، د لاسته راوړنو یې ورته مبارکی وایم او د هسک څښـتن څخـه پـدې او د ژوند په نورو چارو کي لا زیات بریالیتوبونه او سرلوړی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

درې لسيزې جهاد مو مبارک شه

ډاکټر نبي مصداق

د دعوت جريده د لومړي ځل لپاره په ۱۹۸۸ م کال کې چې زه په لندن کې وم، راته را ورسېده. جريده څلور مخه وه او کـه هېـر شـوي مـې نـه وي، مضمونونه يې په تور قلم په لاس ليکل شـوې وو. پـه هغـه وخـت کې د مجاهدينو له حال احوال نه بله مهمه جريده مجاهد ولس و چـې د استقلال جريدې او د څو نورو تر څنگ به له پېښور څخه خپرېـدې.
په لندن کې د ستميانو ورځپاڼـه (اميـد) تـر هغـه وختـه او تـر څـو کـالو وروسته پورې داسـې نشرـيات درلـودل چـې نـه ورتـه افغانسـتان، نـه د افغانستان نوم او نه معاصر تاريخ کوم اهميت درلـود. د دوی همفکرانـو به د اروپا او امريکا نه په ((اميد)) کې په داسې وخت کـې چـې لا هـم جنگ روان و، زهرجن تبليغات روان کړي ول.
نو د دعوت جريده چې د ناروې د هارايد او وروسته له ليليسټروم څخه خپرېده، ډېرو افغانانو ته دا توقع ور کړه چې پـه افغانسـتان کـې د روان جنگ او داخلي پرديپالو په خلاف خپل مضمونونه ورولېـږي. دعـوت له کوچنيوالولي نه په بيړه ځوانۍ ته ورسېد او د دې پرديپـالو پـه مقابـل کې د پوهاند هاشميان د آيني مجلې په شان چې له کليفورنيا نه خپرېده يو کلک سپر و گرځېده. محمد طارق بزگر چې د دې جريدې د امتياز څښتن و او دی، له هغه معاش نه چې لاس ته يې راوړ، دعـوت چاپـاوه او د پُستې له لارې يې اسيا، استراليا، افريقا، امريکا او اروپـا تـه اسـتوله. پُسته په اروپا کې ډېره لوړه بيه لري؛ نو ما به تل دا فکر کاوه چې دی بـه هرومرو د خپلې کورنۍ د آزوقـې ډېـره برخـه د جريـدې پـه نشرـولو او پُستولو باندې مصرفوي.
د انټرنېټ او مجازي فضا په منځته راتلو سره، دعـوت د لاسي ليـک نـه چاپي ليک ته ورسېده او د پُسـتې پـر ځـای د انټرنېـټ لـه لارې لا هـم زياتو مينه والو ته په رسېدو شو.
څو کاله وړانـدې محمـد طـارق بزگـر پرېکـړه وکـړه چـې يـو انټرنېټـي تلوېزيون منځ تـه راولي؛ څـو د نـړۍ پـه ټولـو برخـو کـې افغانـانو تـه د دعـوت لـه جريـدې نـه لا ښـه او پـر وخـت خبرونـه او پروگرامونـه ور

(c) ketabton.com: The Digital Library

ورسوي. د دې لپاره موږ ځينو افغانانو چې په اروپا، امريکا او نورو ځايونو کې وو، دعوت ته مو د خپلې وسې په اندازه مرسته ورواستوله چې دغه انټرنېټي ټلوېزيون ډېر ژر پيل شي. د دې لپاره پرېکړه داسې وه چې هر څوک به وکولای شي خپل تصويري پروگرامونه د انټرنېټ له لارې د دعوت مرکز ته را واستوي او هغه به يې له اېډېټ او سمون نه وروسته په انټرنېټي تلوېزيون کې داخل کړي.

زه له هغه نه وروسته په يو لړ سفرونو کې شوم چې په هاوايي، جاپان او قفقاز کې به مې درس ور کاوه. پوه نه شوم چې زموږ هغه پروژه کوم ځای ته ورسېده. په هر حال! دعوت چې له دوو پاڼو پيل شوی و، کله تر شپږو او کله تر اتو چاپي مخونو ته به، په کوچني اته سايز کې چاپېده او زموږ ټولو نوموتو ليکوالو او شاعرانو دا ځوانه جريده د کميت او کيفيت له نظره د پوخوالي سن ته ورسوله. اوس چې زموږ لپاره په انټرنېټ کې يوه پېژندل شوې سرچينه ده، د مشهورو ليکوالانو او د افغانستان تاريخ او د کلتور نورو برخو ته پکې جلا جلا فايلونه پرانيستل شوي دي. دا فايلونه د هغو ځوانانو لپاره چې که د افغانستان په تاريخ، ادبياتو، ژبپوهنه، تاريخ، سياست او داسې نورو باندې د مضمونو او يا مونگرافونو د ليکلو غوښتنه کوي؛ نو مطالعه يې اړينه ده.

محمد طارق بزگر په تېرو نهه ويشت کالو کې په اقتصادي او شخصي-هر ورځني کړاوونو تر څنگ، دا جريده د افغانستان د مطبوعاتو يوه مهمه برخه گرځولې ده او زه باور لرم چې زموږ موجوده ځوانان او راتلونکي نسلونه به د څېړنو لپاره د دې ترڅنگ د پوهاند هاشميان (آينهء افغانستان) له مجلې نه هم چې د شلو کالو په موده کې په افغانستان کې د شوروي تېری او را پاتې کړاونو باندې مضمونونه ليکلي، د خپلو علمي ليکنو لپاره ورنه استفاده کوي؛ ځکه په امريکا او اروپا کې دا دوې سرچينې له روسانو سره په لس کلن جنگ او له هغه نه وروسته د مهاجرو افغانانو په سر درگومې کړاونو باندې له هر نظره څېړنې شوې دي.

زه د دعوت د ځوان د امتياز څښتن بزگر صيب تر څنگ پوهاند هاشميان ته هم د دوی د قلمي جهاد د دوام مبارکي ور کوم او دواړو ته ډاډ ورکوم چې د افغانستان د ادبياتو په تاريخ کې يې ځان ته نه

(c) ketabton.com: The Digital Library

هېرېدونکي مقامونه ګڼلي دي. خدای ج دې له دوی دواړو سره ښه وکړي او بزګر صيب ته دې الله ج توفيق ور کړي چې د دعوت ځينې تاريخي فايلونو مواد د کتاب په بڼه هم راته چاپ کړي. زه حاضر يم چې له کابل ښخه د داسې مطبوعو په لټون کې شم چې زموږ د دې هيلې په تر سره کېدو کې را سره مرسته وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د کولتوري او معنوي خدمت
نهه ویشتمه کلېزه دې مبارک وي

محمد نقیب تره خیل

ښاغلئ محمد طارق بزګر، خپل هوډ ته وفادار شخص دی. وایـی چـې باعزته خلک با اخلاقه با صبره باحوصله با قناعته قانع هوډمن او زړه ور وي او په ملګري کې وفادار پاتي کېږي.

زه له ۲۰۰۱یوم کال نه دعوت سره قلمي رابطه لرم. له بزګر صیب سره د تلیفوني اړیکو سربېره دوه درې پلا کښېناستلي سره هم یـو. احساسـاتي جذباتي او د باجګېرۍ خبري چـې هېـواد، ولـس، قـوم، ژبـې، دیـن تـه خدمت کوم هیڅ مې ترې ندي اورېدلي. سره لدې چې په یاد خـدمت له پخوا بوخت هم دی، څه دا خاصـیت یـی د فضـلیت، تقـوا او د ښـو اخلاقو ثبوت دي.

کانټ اخلاقي کار پدې ټکو راپېژني:

که څوک له چاسره پدې نېت ښـه کـوي چـې یـو وخـت بـه یـی بـدل راکړي، دا اخلاقي عمل نه دی. که د دې لپاره له چا سره مینه کوي چې خلک مې وستایي، دا هم اخلاقي عمل نـه دی. اخلاقـي عمـل هغـه ده چې د ځان د خوښي او ګټې عمل په کې نه وي.

د صبر او حوصلي په اړوند به له بزګر صېب سره د شـوي عمـل یادونـه وکړم. مجلس مو سره کوه، ښاغلي بزګر زمـا د پوښـتني پـه ځـواب کـې داسې وویل:

افغان کولتـوری ټـولني کـولن کـې غونـډې تـه بللـی وم. د دعـوت یـو ګډونوال ته مې یادونه وکړه کال نژدې اخر دي که د ګـډون روپـې دی راکړي. ویې ښیه! ښایسته ځنډ وروسته راغې. له یو ملګري سره ولاړ وم. د پنځه ګون اېرو لوټ یی راګذار او پر ځمکه ولوېد. را وامې خیست او ورله ومې خندل. کبرجن د ۵۰ پرځای پنځه ګون ورکـړی، هاغـه هـم د سوالګر په څېر.

هو؛ د قناعت نښه یی دا ده څه د خپل د نفس بادار او د کار په مزد قانع کس دی، نه د واکمن او نه د شتمن پروا لري. د ځاني منفعت لپاره یـی نه د چا ملاتړ او نه یی د چا مخالفت کـړی. د وینـا تـر حـده عمـل یـی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کړی او د سوسیالیزم او امپریالیزم د یرغلگرو د هغوي د گوډاگیانو د دین، قوم، ژبې او هېواد د معامله گرو په ضد د دعوت سنگر جوړول یې د زړه ورتوب نښه ده.
پدې ۵۳ کلن عمر کې مې ډېر کسان ولیدل او وامې ورېدل چې د دین، ملت، ژبې، قوم او هېواد ته د خدمت کولو په نوم یې کولتوري ټولنۍ په بلجیم، جرمني، هالنډ، انگلیند او د اروپا په نورو هېوادو، امریکې او استرالیا کې جوړې کړې غونډې یې وکړې، مجلې یې راوویستی، سایټونه یې جوړ کړل؛ درې څلور کاله وروسته یې ټولنې، سایټونه او مجلې شلې شنډې او شاړې پرېښودې. د ثروت او شهرت موندو لپار د هغو کسانو او د هغه حکومتو مله شول چې دوی هغوی قاتلان، خاېنان، جنایتکاران او فاسده ادارې یې نومولې. سره لدې چې د ښاغلي بزگر کولتوري هڅې د هغوي په پرتله څو برابره زیاتې دې او د پېژندگلوی امکانات یې هم ترې ډېر دی، خو ثروت، قدرت او شهرت د خپل د وجدان د سپېڅلتیا په وړاندې هېڅ وگڼل نو ځکه د پرگنو ترڅنگ ولاړ دی. الله ج دې په همدې هوډ باندې تل پاتې وفادار لرې چې هر رېښتنې افغان د دعوت له سنگره د اسلامیت او افغانیت پر دښمنانو همدا شان لعنت ووایي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت دې سل کلن شي

زاهد جلالي

د دعوت خپروني له نامه سره لـه ماشـومتوبه اشـنا يـم. هغـه مهـال زه د هجرت ديار د نوښار سيمه کې د جلوزو پـر سـړک پـه يـوه کمـپ کـې اوسېدم. د هجرت او ستونزو هغه کونج و کنار ماحول کې بزگر صاحب تر کليو او بانډو دعوت مجله رسوله.

بيا چې ځوان شوم، انټرنټ سره اشنا شوم، ليکنې و ژباړې مې پيل کړې، دعوت انټرنتي پاڼه يو له هغو ادرسونو څخه وه چې زما مقالې په کـې د سترو ليکوالو ترڅنگ نشرېدې.

له دعوت سره زما اشنايي اوږده شوه او تر دې ځايه راورسـېده او لا پـر مخ درومي. دعوت رسنۍ کې ما ته دوه د پام وړ ټکي ښکاري. يـوه دا چې له هماغه پيله په کې د پښتو او دري ژبو ښه انډول ساتل شوی و. د پښتنو خو ورته ډېره توجه وه، خو د دري ژبي د سترو ليکوالو ليکنې هم په کې خپرېدې. همدا د دعوت رسنۍ برکت و چې له اسحاق نگـارگر، هاشميان، ځيرکيار او نورو سترو ليکوالو او پوهانو سره يې آشنا کړم.

د دعوت پانې بله ځانگړنه د دې ازادي او خپلواکي ده. نـن سـبا خـو د هرې رسنۍ پـر تنـدي د ((ازاده او خپلواکـه)) شـعار ليکـل شـوی، خـو تقريباً هره رسنۍ د يـوه جهـت لـه لـورې تمـويلېږي او د نـورو نظرونـو خپرولو سره علاقه مندي نه لري، خو دعوت داسې نـه ده. دعـوت کـې رښتينې ازادي شته. زه تل دوستانو ته وايم چې که غواړئ واقعاً ازاد نظر د خلکو تر اذهانو ورسوئ، اصلي ځای يې دعوت دی.

د دعوت تر شا ايکي يوه سته ده او هغه طارق بزگر صـاحب دی. بزگـر صاحب د نظر اختلاف زغمي او واقعاً يـو محـترم او د پراخـې سـينې او خلاص لاس سړی دی.

زه هغه مهال چې اسلام اباد کې محصل وم او د افغان محصلينو د مجلې مسوول، بزگر صاحب راته څـو وار پـه خپلـه ويـلي چـې د محصـلينو د مجلې د دغې گڼې مالي ملاتړ پر ما. دغه راز زما د يـوه کتـاب د چـاپ لگښت يې په خپله غاړه اخيستی، تر څو د سيد جمال الدين په اړه دغـه

(c) ketabton.com: The Digital Library

لیکل شوی کتاب په ټېټه بیه د خلکو لاسونو ته ورسېږي او د هغه په اړه پوهاوی زیات شي.

بزګر صاحب، فرهنګ دوسته سړی دی او د خپلو وطنوالو د علمي پرمختګ له پاره یې پراخ خدمتونه او ډېرې هلې ځلې کړي.

بزګر صاحب راباندې ګران دی. له زړه یې احترام کوم او هیله لرم چې د نوښتونو دغه نړۍ کې د دعوت په څېر نور نوښتونه هم وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د خپروني او ويبپاڼې په هکله يو څو ټکي

ډاکتر محمد نواب ويساند

وروستيو نږديو څلورو لسيزو پرله پسي غميزو او ناخوالو، افغان ټولنې ته پراخه ځاني، مادي او معنوي زيانونه واړول. نيم ژوبله توليدي بنسټونه يې په بشپړ ډول ويجاړ، کاري بشري ځواک يې له هېواده د يو زيات شمير په کار پوه کسانوپه وتلو سره وپاشه او د ټولنيزو رسنيو (ميډيا) چارې (چاپي، انځوريزې، غږيزې)، چې د دولت د درې ګونو قواوو (اجرائيه، مقننه او قضائيه) وروسته په سياسي، ټولنيزو، کولتوري او اقتصادي ډګر کې د سمې او په واقعيت ولاړ راپورونو په ورکولو سره، چې د يوې څلورمې قوې په توګه د ټولنې د پرمختګ او رښتني ولسواکۍ (دموکراسۍ) په راوستلو کې ځانګړی اغېز درلودلای شي، هم ټکنۍ کړې.

خو د خپروني ګټورتوب او ارزښت ته په کتو، له هېواده بهر د نړۍ په بېلابېلو هيوادونو کې ميشتو خورو ورو او د کلک هوډ درلودونکوونکو افغانانو د هيوادنۍ مينې له مخې د پردېسۍ په ستونزمن ژوند کې د خپلو غښتلو متو په زور د چاپي، انځوريزو او غږيزو خپرونو له لارې د خپلو شونتياوو، وخت او شرايطوته په پام خپلو خلکو او ولسونو ته د چوپړ لپاره ملا وتړله.

د دعوت ميډيا، چې په پښتو، دري او انګليسي-ژبو خپروني لري او اوس يې ۲۹ يمه کليزه لمانځل کيږي، د يو هوډمن، ځوان، تکړه، په مسلکي پوهې سمبال، با تجربه ژورناليست او په خپلو خلکو او هېواد مين شخصيت ښاغلي محمد طارق بزګر له خوا د پراخه هلوځلو او زيار وروسته په کار پيل وکړ. په دغه تيرو کلونو کې يې نه يواځې د خپلو خپرونو له لارې خپلو هېوادوالو ته د پښتو ادب په ډګر کې بې ساري خدمتونه وکړلای شول، بلکه د وخت په تيريدو سره يې د يو لړ نوښتونو په راوستلو د ويبپاڼې بڼې او جوړښت ته داسې ښکلا ور وبښله، چې د خپلې ځانګړنې له کبله د ډېرو معتبرو ويبپاڼو په منځ کې د پام وړ او زړه راښکوونکی ځای لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت میډیا، نه یوازې په خپل وخت د هېواد او نړۍ اړوند د بېلابېلو تازه او مهمو پېښو د بشپړو او کره مالوماتو د لاسرسي یوه په زړه پورې سرچینه وګرځېدله، بلکه د ټولنیز ژوند د بېلابېلو فنونو پورې تړلي علمي او اکادمیکو مالوماتو خپرول، چې د وګړو د مسلکي پوهې د لوړولو او د ټولنې د پرمختګ سره مرسته کوي، ځانګړی ارزښت لري.

لوستوال په ډېره اسانۍ سره کولای شي هم خپله دعوت خپرونې او ویبپاڼه کې د خپرېدونکو مالوماتو نه ګټه پورته کړي اوهم یې د نورو همفکرانو سره شریک کړي.

دعوت میډیا، د کلتوري او فرهنګي ارزښت درلودلو ترڅنګ، په خپل وار د افغان ټولنې د واکمنانو له خوا د پټ ساتل شوو کمزوریو په راسپړلو، ناخوالو او بې عدالتیو په ګوته کولو او د پردیپالو او ملي ګټو ضد څېرو په افشا کولو او همدارنګه د نورو منفي پدیدو په وړاندې مبارزې ته د ټولنې د رښتینو بچیانو په راوېښولو او هڅولو کې رغنده رول لوبولی دی.

زمونږ له بېداره بخته، له هغې راهیسې، چې د نړۍ هېوادونه او ولسونه د انترنیټي تکنالوژۍ د نړیوال کېدو له برکته سره نژدې شوي او نښلول شوي دي، د د عوت میډیا هم په خپل وار د ننۍ نړۍ مهمې پېښې په ډېره چټکۍ سره د نړدې او لېرې پرتو سیمو اوسېدونکو ته د خپلو خپرونو له لارې رسولې دي.

خو له بده مرغه زمونږ د هېواد یو زیات شمېر بې وسوه افغانان د اقتصادي او امنیتي ستونزو له امله نه شي کولای د خپرو شوو مالوماتونه، لکه د نړۍ د نورو پرمختللو هېوادو د وګړو (انترنیټ ته د نه لاس رسي له کبله) په څېر ګټه پورته کړي.

د دعوت میډیا له لارې نه یوازې د هېواد او نړۍ د روانو حالاتو په هکله د مالوماتو خپرېدل د پام وړ دي، بلکه په هېواد کې د سرتاسري سولې د ټینګښت، د اداري فساد د له منځه وړلو، د ورځېزو چارو د ټیکاو او سمون او د خلکو د پوهاوي د کچې د لوړولو په موخه د هر ډول رغوونکو وړاندیزونو د خپرولو اغیز یې هم له پامه نه شو غورځولای.

(c) ketabton.com: The Digital Library

په پای کې د دعوت میډیا مشرتابه او مینه والو ته د دعوت خپرونـې د کلیزې مبارکي وایـم اود لا ډیرو بریاوو په هیله یې.

وړاندیز:

که څه هم دا به اسانه کار نه وي، خو که په ویبپاڼه کې د هر لیکـوال یـا څېړونکي په نـوم یـوه جـلا کړکـۍ، چـې د تیـرو خپـرو شـوو لیکنـو د ارشیف څخه د لیکوال د نوم په ورکولو د اړیني موضوع د ژر پیداکولو او لټون سره مرسته وکړلای شي، جوړه شي، بده به نه وي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت د نهه ویشتم خپرنیز کال په مناسبت

دکتور محمد عثمان روستار تره کی

د افغانستان د جګړې د پیل نه راهیسې، مهاجر افغانان چه د نړۍ په مختلفو هیوادونو کې یې تیت او پرک ژوند له سره تېراوه د لاندې دوه دلیلونو په بنست یوې اغیزمنې مطبوعاتي کمیونیکیشن لاسوند ته اړتیا لیدل کېده:

ـ خپل منځي اړیکي د تامینولو په مقصد

ـ د وطن د حالاتو نه خبرتیا

دغه اړتیا د افغانستان نه د باندې افغاني مېډیا او مطبوعات افغانانو ته ور په برخه کړ.

د کډوالتوب په لمړیو کلونوکې د نړۍ په ګوټ ګوټ کې بې شمیره خپرونو په کار پیل وکړ چه زیاتره یې د بهرنیانو له خوا تمویل کېدلې. د وخت د تیریدو سره جوخت افغاني مطبوعات د عامه ارزونې د فلتر نه تیر شو؛ یوازې هغه خپرونې پاتې شولې چه د لاندې امکاناتو نه برخمنې وې:

ـ د تمویل ډاډمنې سرچینې

ـ مسلکي مدیریت

ـ تکړه قلمی همکاران

ـ د لوستونکو هرکلې.

د افغان مهاجرینو په منځ کې، دعوت د افغاني مطبوعاتو په کورنۍ کې د هغه لړو خپرونو څخه ګڼل کیږي چه د نوموړې معیارونو په بشپړیدو، توانیدلې نهه ویشت کاله عمر وکړی.

دعوت د هیواد د اوږدې غمیزې په کلونو کې چې له هرې خوا د تاریخي شخصیتونو، افغاني ملي ارزښتونو او ملي مشترکاتو د پیکه کولو او ورکاوي طوفان را الوتی وو، د خپلو قلمي وفادارو همکارانو او پر وطن مینو افغان شخصیتونو په مټ، د ملي پرتم، ملي وفاق، ملي ارزښتونو او ګډ وطن د ساتنې او دفاع توغ پر خپلو اوږو ولړې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د خپل عمر په اوږدو کی د افغانانو او په ځانګړي توګه د افغاني کډوالو په منځ کی د نظر د تبادلې د باوري وثیقې په توګه پیژندل شوې ده؛ د ملي تفاهم زمینه برابره یې کړې ده. د ژبې، قوم، سیمې او مـذهب د تعصبونو په وړاندې د ټینګ ملي مورچل د درېځ نه د مقـابلې جوګـه شویده او د افغانـانو د سـیاسي شـعور د ودې پـه اسـتقامت یـې اوچـت ګامونه پورته کړیدي.

د پیژندل شوې قلمي همکارانو سره اړیکې، په پښتو، دري ژبو خپرونـې او د هغوي ترمنځ انډول، د افغانستان او نړي د مهمـو وروسـتي خبرونـو خپرول، دعوت ته د ژوند د بقا ضمانت او د یو ستندرد اخبار بڼه ورپه برخه کړې ده.

زه د دائمي همکار په توګه د دعوت چلونکو ښاغي بزګر ته د دعوت د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت مبارکي وایم او ورته د هیواد په خدمت کې د لازیاتې هڅې او زیار هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د افغانانو د ملی روحیی او ستراتیژیکو روابطو کی لوی رول لوبولی دی

فهیم نظیمی

ما د ښاغلی بزگر صاحب سره ډیر کلنونه پخوا په یوه میلمستیا کی په لندن کی ولیدل او په تصادفی توگه اشنا شوم او له همغې ورځې د دعوت ویبپاڼی او مجلی دعوت سره هم اشنا شوم. د هماغه وخت راهسی د ښاغلی بزگر صاحب ورځپاڼه زما د هیلو، نظریاتو د خپرولو، وطنوالو او نړیوالو سره د ارتباط ستره منبع او وسیله گرځیدلی ده. د ده مسلکی پوهه او هاند او زیار د دی باعث وگرځیدل چی نوموړې ورځپاڼه چاپی او رسانه یی خپرونی وکړي او ډیر زیات مینه وال پیدا کړي.

د دعوت د خپلواکو رسنیو مرکز د افغانانو د ملی روحیی او ستراتیژیکو روابطو په ټینگولو او نړی والو ته د افغانستان د حقیقت او واقعیتونو په رسولو کی لوی رول لوبولی دی.

پوره ۲۹ کاله کیږي چی ښاغلی محمد طارق بزگر صاحب او د ده ټیم شپه او ورځ په پوره ایمانداری او مسلکی مهارت او لیاقت کار او زیار ایستلی او لوی مطبوعاتی او ژورنالیستیکي خدمات یې په پښتو او انگلیسی ژبه وړاندی کړي دي، چی خورا زیات د قدر او ستایلو وړ دی. د ده دا ټولی لاسته راوړنی په ډیرو کمو اقتصادی امکاناتو تر سره شوی او لا هم روانی دي.

دعوت ورځپاڼه او مجله، انترنیتی سایت او فیسبوکی خپرونی اوس جهانی شهرت موندلی او خورا ډیر مینه وال لری. زه فهیم نظیمی د ښاغلی بزگر صاحب د زیار، هاند، لیاقت او مسلکی پوهی او د وطنپالنی د عالی روحیی په درلودلو له کبله و ده ته د زړه له کومی مبارکی وایم او ویاړم چی ښاغلی بزگر صاحب او د ده ټیم دا ټول صفات په تیرو څو لسیزو کی د عمل په دگر کی افغانانو او نړی والو ته ثابت کړي دي. د لوی خدایه ورته د لا بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د انسانیت

بېکسیار

کابل د غونډو، منډو، مشاعرو، سمینارونو، مجلو، اخبارونو، مجالسو او محافلو زانگو وه چې زه ترې رابېل شوم.

د حمزه بابا دغه شعر چې وايي ((یو شور یې د شهرت و چې شوم پېښې په پېښور))، هغه وخت په رښتیني مانا کابل ته مخاطب کېدای شوای. ما تازه تازه شعر اومشاعرو ته مخه کړې وه، له کتاب او اخبار سره مې جوړه راغلې وه، ادبي بنډارونو او شب نشینیو داسي په غېږ کې اخیستی وم چې ستړیا او بې خوبي مې هډو پیژندله نه.

پېښور ته په راتلو مې دغه شور، هیجان او غوغا داسې خاموشه شول لکه په ډک محفل کې له ډېرې مستۍ د دوکړیمار دوکړه وچوي. اروایي حالت مې داسې وه لکه د مور د مرگ، شیدو وچېدو یا کومې ناروغۍ له وجې په درېې میاشتني ماشوم د مور شیدې بندې شي. په پاړسۍ کې دغه ماشوم ته شیر سوخته وايي.

هو البته یو څیز چې له کابله بیا تر پېښوره، او بیا د پېښور په هغه ټوله موده کې تر هر څه زیات و، هغه دعوتونه و. د کومې مېلمستیا، واده او کوژدې دعوتونه، نه، بلکې گوندونو، سازمانونو، ایزمونو، له گوندونو جلاشویو ډلو او له ډلو جلاشویو ټپلو ته. یو کس به چې یوازې یو دوه ورځې ځان در سره لږ خوږ را خوږ کړ او لږ په ادب او احترام به یې در سره ستړي مشي، خواره مشي وکړه نو دریمه ورځ به یې ضرور دیوې ډلې، ټپلې، نظریې او عقیدې دعوت در مخکې کاوه.

څو کاله وروسته ډنمارک ته په راتلو حالت نور هم ترینگلی شو، یاني له بده بد تر. په پېښور کې که له یوه همژبي او هموطن سره د بنډار او ناستې امکان و، یا د کوم اردو یا تنظیمې اخبار د کتو او یا په قصه خوانۍ کې د مرگ منظر، ادم خان درخانۍ، غم غلط، د بیلتانه ټپې او دې ته ورته کتابونو د لوستو امکان و، هم له منځه لاړ. پدې هکله کابلیان یو عجیب مالگین طنزي ډیالوگ لري:

ـ ولوېدې؟

ـ هو

(c) ketabton.com: The Digital Library

ـ ژوبل شوې؟
ـ نه.
اوس نو زه داسې لوېدلی وم چې د خوږو بیان یې نور هم په ناسور زخم د مالګې پاشل و او بس. نور نو کراره کراري وه هېڅ نه و. نه یو همږبی، نه یو کلیوال، نه یو دښوونځي یا پوهنځي ملګری، نه کتاب، نه مجله، نه اخبار، نه شعر، نه مشاعره، نه محفل، نه شب نشیني، هېڅ هم نه، ابی مړه تبه شلېدلې.
د نهیلۍ، غم، درد او کرب په دغسې توپان او د مهاجرت د ژوند په سختو اروایي حالاتو کې، د اروپا په دائیم الدائیم تورو ورېځو، یخونو، بارانونو او ځول کې چې ښایي زما دغه شعر د هماغه وختونو انځور وي:

هسې یو دوه ګامه ژوندون لنډول
د اروپا زنده ګي څه زنده ګي؟

څه ګورم چې یوه ورځ بیا یو ((دعوت)) را غی. اول خو لکه هغه چې وایي، مار خوړلی له پړي وېرېږي، لږ غوندې ووېرېدم. ماوې که د پېښور او کابل دعوات دلته هم را پسې راغلل، خو چې مې پرانیست او ومې لوست، کیسه بل ډول وه.
دغه دعوت تر هغو نورو دعوتونو بېخي بل شان دعوت و. دغه دعوت له هغو نورو دعوتونو دومره ټوپیر درلود لکه بېخي له کومې بلې سیارې او د ځمکې له کومې بلې جلا کرې چې راغلی وي. دغه دعوت نه د کوم ایزم دعوت و، نه د کوم ګوند، نه د کومې ډلې او نه د کومې ټپلې.
دغه دعوت د افغانیت دعوت و، دغه دعوت د اسلامیت دعوت و، دغه دعوت د غیرت، ننګ، ناموس، حیا او د وطن د مور د پړوني دعوت و.
دغه دعوت د هغو مهاجرو خویندو، میندو د لوپټې دعوت و چې: چایي پلو لیدلی نه و.
اوس د جمرود په غاښي ځي سر تور سرونه.
لدغه دعوت څخه یوه تر سکونه وطني ورمه راتله، چې پکې د ممانو، ګور ګورو، ښېځو، توتو، غوزانو، سنځلو، ازقلاني خټکیو، بغلاني هندوانو، قنداریو انارو، جوزجاني پستو او خوستیو جلغوزو رنګونه او خوندونه لکه د ګوتې غمی پکې را ټول شوي وو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

لدغه دعوت څخه د روس او روس پلوو خلاف د افغان فیلسوف ګل پاچا الفت دغه ناره بې لـدې چې د هـرې ګڼـې پـر تنـدي لیکلـې وي لوستونکي ته تداعي کېدله:

یو پټ غلی احساس دی چې ارام مې نه پرېږدي
په اور مې کړوي لکه چې خام مې نه پرېږدي
جرئت مې زیا توي دومره په ځان یمه یوه شوی
غافل له خپله حقه او غلام مې نه پرېږدي

دغه دعوت د تېرو درې لسیزو په اوږدو کې مدام د پاکستانیزم، ایرانیزم، عربیزم، روسیزم او ډېرو نورو ایزمونو خلاف د رښتینو او پـه وطـن مینـو افغانانو د مبارزې تود سنګر و، دی او وي به ان شاالله.

د دغه دعوت په هکله یوه بله خبره هم د استاد الفت پـه وینـا: وخـت د اعتراف دی ګونا خپله درته وایمه!

پدا دومره کلونو کې مې یوه افغانۍ، یوه انه، یوه حبه د دعوت چلوونکو ته نده ور کړې، هسې که خپله کومه شعري ټولګـه یـا د هیلـې مجلـې کومـه ګڼـه مـې، هغـه هـم د چـا پـر لاس ور لیـږلې وي والله اعلـم؟ خو ښاغلي بزګر د دعوت هره یوه ګڼه، نه یوازې یوه ګڼه بلکـې د یـوې ګڼې څو څو کاپیاني هر هر ځل د دا دومره کلونو په اوږدو کې مخـامخ د پوست له لارې ماته را استولې دي، او خدای خـبر چـې زمـا پـه شـان به یې په لسکونو او سلګونو نورو ته هم استولې وي. زه له خپله اړخه او تولو هغو ملګرو په استازولۍ چې ما ورته د دعوت ګڼـې رسـولي دي د دعوت کلیزې په ویاړ ښاغلي محمد طـارق بزګـر، ډاکـتر محمـد فریـد بزګر، د بزګر ټولې کورنۍ او د افغاني رسنیو پراخې مجموعې ته مبارکي وایم. پاکه ربه د انسانیت دغه چغه همداسې رسـا لـرې او ازانګـه یـې د افغاني رسنیو په ټولې کې مه کموې. امین، ثم امین!

(c) ketabton.com: The Digital Library

له دعوت سره د ملګرتوب له پیله تر نن

ډاکتر جمشېد سمون

له هماغه پیله مې چې دوه اونۍ وړاندې ښاغلي او ملي ژورنالیست درانه ورور محمد طارق بزګر راته په نږدې راتلونکي کې د دعوت د ۲۹ مې کلیزې او په هکله یې د نظر او یا څه لیکلو پوښتنه مخته کښېښوه، له آره نیت دا ؤ چې د بڼې او منځپانګې له مخې به له ما سره د دعوت چاپي بڼې په شتو څو ګڼو او همدارنګه د دعوت وېبپاڼې په هکله، چې لوستونکی او مینه وال یې یم، خپله ارزونه کوم، خو له یوې خوا د خپلې لټې له امله چې تل د نن کار راڅخه سبا او بل سبا ته پاتې وي او له بلې خوا ورځینی فزیکي مصروفیت د دې لامل شول چې له پورتني درانه پېټي اوږه سپکه او په دې هیله چې د دعوت ۵۰۰۰ تیراژ درلودونکي چاپي خپروني او په شپه او ورځ کې د کم و ډېر ۱۰۰۰۰ لیدونکو دعوت وېبپاڼې څېرمنه او بې پرې ارزونه به نورو دوستانو هرومرو کړې وي، له دعوت سره د خپلې ملتیا او پر دعوت د روږدېدو کیسه تېره کړم.

پوره یوویشت کاله وړاندې کله چې شمالي ټلواله د کابل ښار پرېښودو ته اړ ایستای شوه، په دغه ښار کې د لوړو زده کړو موسسې او ښوونځي د ((طالبانو اسلامي امارت)) لخوا، تر ((امر ثاني)) پورې وتړل شول.

د طبې زده کړو د وروستي کال وروستۍ میاشتې مو وې، زموږ د ټولګیوالو لخوا، د کابل طب انستیتوت او په تېره بیا د وروستي کال د محصلینو د زده کړو د بیا پیل کېدو هلو ځلو، له ((مشر ـ ملا صاحب)) پرته نورو ټولو اړوندو لوړپوړو چارواکو ته مراجعو څه ګټه نه درلوده او ځواب به بیا هم هماغه د راډیو له لارې د ((امر ثاني)) اعلان ته انتظار ؤ.

یو عجیب و غریب ترینګلی او نا هیلی حالت منځته راغلی و، ټول ټولګیوال مو کورونو ته ستانه شول. ښایي ډېرو به ځان ته بوختیاوې پیدا کړې وې، یو له بله چنداني نه خبریدو، د اوس په څېر د اړیکو وسایل نه ول.

(c) ketabton.com: The Digital Library

له خپل مسلک سره د بې کچې مينې او د صميمي دوستانو ډاکټر صاحب روح الله ساپي او ډاکتر صاحب جان محمد اپريدي په هڅونو او ټينګار مې په سروبي ولسوالۍ کې کتنځای پرانيست.
د شپې لخوا د اوسېدو لپاره د يوې کوټې په لټه کې شوم چې دوو اخلاصمنو مشرانو چې په برېښنا رياست کې يې دندې درلودې، د دغې موسسې د مېلمستون په يوې کوټې کې د اوسېدنې راته وويل، د برېښنا او اوبو ستونزه مې حل وه. د اوسېدو لپاره د کوټې د تيارولو او پاکولو پر مهال مې سترګې پر دعوت خپرونې ولګېدې، هېر مې دي او نه يې شم ويلای چې د کړکيو هندارو ته سرېښ او که هسې له کړکۍ سره پراته ول.
له دولس- ديارلس کلنۍ څخه د چاپي خپرونو او کتاب ملګرتوب پالم. هغه د کابلي انډيوالانو په خبره ((مشکل پسند)) هم يم. د نجيب الله د واکمنۍ د وروستيو کلونو، د ((مجاهدينو)) او د طالبانو د واک پر مهال نامعيارو، کليشوي، بې خوندو، پيکه، بې مضمونو، او شعاري خپرونو د لوړ ذوق د ښښتنانو تنده نه شوای خړوبولای او هغه د چا خبره د فکر باز يې د دوی پر ځانګو نه شوای کښېناستای. دغه مهال مو پر څو محدودو په لوړ معيار، بې پرو او کره چاپي او غږيزو خپرونو د ذوق تنده ماتوله: له مسکوه ((ليمه))، له لندنه ((ډيوه))، له پېښوره ((ليکوال))، په کال کې يوه–نيمه ګڼه د ((شمشاد)) او بيا راوروسته ((هيلي)) مجلو، د بي بي سي او امريکا غږ راډيويي خپرونو.
د دعوت په تندي ليکل شوي متن ((اسلامي، خپلواکه، علمي، سياسي او فرهنګي خپرونه))، په زړه پوريو، ناپيلو او تر ډېره په کره ليکدود ليکنو او غني منځپانګې يې خوند راکړ، ډاکتر صاحب روح الله مې چې د کوټې په منظمولو کې راسره مرستندوی و، بې له ځنډه وپوښته: چې دا به له کومه شوی وي؟
هغه د عادت له مخې چې د پوښتنې ځواب يې هم بېرته پوښتنه وه، راغبرګه کړه: ((ولي دعوت دې پخوا نه ؤ لوستی؟ طارق بزګر نه پېژنې؟ د انجنير صاحب نجيب دوی خپل دی، په ناروې کې اوسي او دعوت له هاغه ځايه راليږي، دلته مخکې په دې کوټه کې د يوې موسسې

(c) ketabton.com: The Digital Library

انجنیر صاحبان اوسېدل، شاید انجنیر صاحب نجیب دلته ورته راوړي وي.))

څه موده وروسته چې د خپلې سپېڅلې روږدتیا او د ځینې کتابونو او ضروري موادو د پېرودنې لپاره د پېښور په کتابپلورنځیو ګرځېدم، نو د خیبر بازار په ((سعید بک سټور)) کې مې په دعوت خپرونه بیا سترګې روڼې شوې. هلته د کتابپلورنځي یو کارمن ؤ، ښه ښکلې غټه تکه توره ږیره یې وه، ما به صوفي صاحب باله، له لهجې دی هم د برې پښتونخوا (افغان) ښکارېده، د نورو په پرتله یې له برنو سره په ښه چلند کې جوت توپیر لیده محسوسېده. ما ورته ویل دغه دعوت خپرونه تاسې ته څوک راوړي؟ ویل ولې، خیر خو به وي؟ ما وې هسې، پوښتنه مې کوله چې ځنګه کولای شم ویې وینم، صوفي صاحب چې زما په بې خطرۍ پوه شو نو ویل ((دا خو ډاکټر صاحب بزګر راوړي، که غواړې زه به یې د دفتر د ټلیفون نمبر درکړم، پته به ترې واخلې او ورسره ملاو به شې.)) د ټلیفوني اړیکې په مټ مې د پېژندګلوۍ تر څنګ له ښاغلي ډاکټر صاحب محمد فرید بزګر څخه د دوی د کارځای په ((آبدره روډ)) کې د ORA دفتر پته هم واخیسته او په همدا لومړي لیده کاته کې یې د مینې او زښتې مهربانۍ د څرګندولو تر څنګ د دعوت خپرونې په څو وروستیو ګڼو او همدارنګه د ORA او KOR نادولتي موسسو د ګڼو خپرونو او کتابونو په راکولو ښه پوره وقدرولم.

راوروسته به هم، چې کله د لویې پښتونخوا ژمني پلاز ته ورکوز شوم نو د ډاکټر صاحب بزګر د ORA له دفتر، د هېوادمل صاحب د WUFA دفتر، د ښاغلو پیرمحمد کاروان، استاد باجوړي، عبدالهادي هادي او احمد تکل د بي بي سي د تعلیمي ډرامو دفتر، د ښاغلي نورالبشر نوید د ((لیکوال)) دفتر، دانش کتابپلورنځي او ((آسیا سافټ)) له دفترونو مې خامخا د تازه خپرونو د ترلاسه کولو لپاره د کتنې او دورې هڅه کوله او تل د دوی له مهربانیو برخمن وم.

مسکو ته له کډوالي سره مې هم له نېکه مرغه د دعوت خپرونې له پازوال، نوموتي ژورنالیست او مهربان اجتماعي شخصیت ښاغلي محمد طارق بزګر سره تر دې دمه بې اړیکو پاتې شوی نه یم. د دعوت په پېرزوینو ترې خوښ او منندوی یم. رب (ج) دې یې زمونږ له پراخ

(c) ketabton.com: The Digital Library

کوره څخه نه کموي، فکر او قلم يې همداسي سپيڅلی، تانـد او منلـی غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت ۲۹مه کلیزې؛ د وياړنې يوه پلمه

اجمل روهي

څه باندې دوه لسيزې وړانـدې، کله چـې زه هـم د زيـات شـمېر نـورو افغانانو په څېر جـلا وطنـی تـه اړ شـوم، د برخليـک څپـو زه د جرمنـي خاورې ته ورسولم. که څه هم زما د محصـلی دوره پـه اروپـا کـې تيـره شوې وه، خو داسې يـو هېـواد تـه راتـګ، چـې ژبـه دې نـه وي زده او وګړي يې انګريزي ژبې ويلو ته هم لېوالتيا نلري، ځينې ستونزې رامنځته کولې، چې له رسمي کارونو، ډاکتر ته تـګ نـه تـر کارومونـدنې پـورې ټولې چارې ور سره تړلې وې.

هغه مهـال، چـې د نـن پـه پرتلـه ټکنـالوجي دومـره پرمختللـې نـه وه؛ د انټرنيټ او ډيش انتانونو نه شتون هم مـوږ لـه دې نـه محـروم کـړي وو، چې د خپل هېواد په هکله کره مالومات ولرو، زموږ لويه خوشالي بـه دا وه، که کوم چا ته به زموږ ليک رسيدلی و او د هغوی لخوا به ځـواب را ورسيد او يا به افغاني مجلې، کتابونه او ورځپاڼې تر موږه راورسـيدې. د جلا وطنی په همدې کلونو کې، ځينې ورځپاڼې يا بهتره ووايم جريدې تقريباً په منظمه توګه رارسيدلې او تر لوسـتلو وروسـته بـه لاس پـه لاس کيدلې. د دغو ورځپاڼو څو بېلګې مې چـې پـه يـادې دي: «وفـا» چـې بنســټ ګــر يــې اروابنــاد پروفيسرـ رســول امــين او سرمحقــق زلمــي هېوادمل يې مديريت کولو، «دعوت» د ښاغلي طارق بزګر په مديريت، «آئينه افغانستان» د ښاغلي سيدخليل الله هاشميان په مشری او «مجاهـد ولس» د ښاغلي محمدحسن ولسمل پـه مـديريت.د دغـو ورځپـاڼو پـه لوستلو به زموږ د زړه للمه په هېوداني مينه خړوبيدلـه او هـم بـه اپـډيټ کيدلو.

څرنګه، چې سږ کال د «دعوت» **۲۹** کليزه ده، نو زه به هم د دغه رسـنی (ورځپاڼې او ويبپاڼه) په هکله، زما په ذهن کـې پنځيـدلی نظـر وړانـدې کړم.

زما په اند د هرې بريالی رسنی په هکله چې خبرې کيږي دا په حقيقت کې د هغه رسنی د مدير او کارډلې د برياليتوب په هکلـه خـبرې دي. د «دعوت» په هکله هم بې له شکه همدا فرمول صدق کوي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

که څه هم د ليکوال د شخصيت او آثارو تر منځ تړاو شته، خو ځيني بيا له دې نظر سره مخالفت لري او وايي، چې کيدی شي يو څوک ښه شخصيت ونلري، خو ښه آثار يې وړاندې کړي وي.

له نيکمرغه زه د «دعوت» بنسټګر او مسوول مدير ښاغلی طارق بزګر پيژنم، له نږدې مو بنډار هم سره کړی او په هغه ډله کې حسابيږي، چې هم دروند شخصيت لري او هم درنه او برياليۍ رسنۍ چلوي.

يو څو ټکي د ګران بزګر صيب په هکله:

ډير اجتماعي او د اړيکو په پاللو کې تکړه، د غره په څېر حوصله؛ بېلګه يې د ۲۹ کلونو پرله پسې ژورناليستيک کار، له حسد او دښمنيو نه ليرې او بس هسې خوږ انسان.

يو څو لنډ ټکي هم د «دعوت» په هکله:

هيڅکله يې ژېړ ژورناليزم ته مخه نکړه؛ د پيسو او نورو امتيازاتو لپاره يې څوک بې ځايه ټارګېټ او سپک نه کړل. تل يې ملي ګټې په پام کې نيولي او په هېواد کې د خيانت، فساد او ملي خائينيو پر وړاندې يې د مبازې بيرغ تل اوچت ساتلی.

ګران بزګر صيب، ځان او ټولو هېوادوالو ته د دې کليزې او برياوو مبارکي وايم، الله دې همداسې لري.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د ملي ګټو او بيان ازادۍ په تله کې!

سرلوڅ مرادزی

د دعوت د ۲۹مې کليزې په وياړ!

تر نورو خبرو مخکې اړينه بولم، د دعوت خپرونې ۲۹ کليزه او په راوروسته کې د دعوت بريښناپاڼې ښېګڼيزه او برياليۍ چلونه قدروړ او ملي شخصيت محمد طارق بزګر، د هغه همکارانو، او بيا ليکوالو او لوستونکو ته چې د دعوت خپرونې او بريښناپاڼې سره همکاري لري او اړيکه ساتي، مبارکي او کور وداني ووايم.

له هېواده ليرې، د کډوالۍ په ناخواله چاپېريال او نيشت امکاناتو، د خپرونې د وسايلو او تخنيک د تيارولو د هڅو او کړاوو سره سره؛ د بزګر صيب ۲۹ کلن قلمي او پوهنيز زيار چې مهالپير يې تر ننه پورې د يوه نسل د عمر سره برابري کوي، نه يوازې د ستاينې او قدروړ دی بلکې د هېوادپالنې يوه داسې غوره بېلګه ده چې ځوان نسل يې بايد هر پل پسې پل واخلي!

که څه هم ما مخکې د دعوت خپرونې ټولو ګڼو ته لاسرسی نه درلود او يوازې ځينې مې لوستې او بريښناپاڼې سره له پيله اړيکه پالم، خو سړی ويلای شي دواړه، د دعوت خپرونه او هم بريښناپاڼه د هېوادپالنې په ګاڼه سمبال او د ملي ګټو په بيان، ملاتړ او ساتنه کې په تول پوره دي.

د ډېرې خوښۍ ځای دی نن سبا په هېواد کې دننه او بهر د خپرونو او بريښناپاڼو پريماني او ارزاني ده، خو ملي ګټو او د بيان ازادۍ سره د بريښناپاڼو او خپرونو چلند يو راز نه دی. يو شمېر يې له خپرېدو څخه په نه خپرېدو هېواد ته ګټه رسوي او که د ژورناليزم نور ارونه او ځانګړنې ورسره غوټه شي چې زما د ځانګپوهې له انګړه بهر دي، خبره نوره هم درنه او پيچلې کوي.

ملي ارزښتونو او ګټو ته ژمنتيا او د هغو ساتنه او همداراز د بيان ازادي هغه دوه وزرونه دي چې که يوه خپرونه يې ولري، تر ډېره پرې چلېدای او ژونديۍ پاتې کېدای شي. هغه خپرونې چې له يادو ښېګڼو څخه يوه يې پېکه او يا دواړه يې پيکه او يا يې هيڅ ونه لري، څوک يې نه خوښوي او په لوستلو نه ارزي. همدا لامل دی چې ځينې خپرونې ژر

(c) ketabton.com: The Digital Library

مري او اوږد ژوند نه لري او ځينې نورې لکه دعوت بيا کلونه دوام کوي، نسلونو اړوي او نسلونه روزي.

زه د دې دعوه نه کوم چې د دعوت خپروني به په يادو برخو کې کومه نيمګړتيا ونه لري، خو تر کومه چې زه يې ارزولای شم، په واړو ډګرونو کې په بريا پلونه اخلي او د لا بشپړتيا او پرمختيا پړاوونه وهي.

دعوت د افغان ټولو قلموالو او ليکوالو د ليکنو او لوستلو خونديځ دی.

دعوت د کيڼلارو، ښيلارو، منځلارو او ګڼلارو ليکنې په پراخه ټنده خپروي او تر خپلې وسې پورې يې د بيان ازادي ژوندی ساتلې ده. تر اوسه زما هيڅ ليکنه چې ښای ځينو به يې د دعوت تګلار سره سمون هم نه وي لرلی، دعوت بې لاسوهنې خپرې کړې. همداراز زه ليکنې، خپلو بېلا بېلو لوستونکو ته د اسانه لاسرسي په موخه نورو بريښناپاڼو ته هم ليږم، خو د ځينو نورو ترڅنګ دعوت په ډېر ورين تندي دا ليکنې خپروي چې ترې منندوی يم.

يو وخت ما بلې بريښناپاڼې ته ليکنه لېږلې وه. په ليکنه کې مې د وفات شوي شخص د نوم سره د ارواښاد کلمه ليکلې وه، نوموړې بريښناپاڼې چې نوم اخيستل يې اړين نه بولم، د هغه ارواښاد له نوم څخه د خپل تنګليد په لامل، دا کلمه غورځولې وه او په وفات شوی شخص يې د ارواښاد تش يوه کلمه قدرې هم پيرزو نه ده!

په پای کې د ملي ګټو او ارزښتونو خبره يو ځل بيا دلته رااخلم. زه خو وايم خپرونه دې د ملي هويت، خپل تاريخ او روايـاتو پـه منځپانګه بډايه وي. که نور ورځچاري رنګارنګ مطالب خپريږي، خپاره دې شي، خو هغو کې دې هم د ملي ارزښتونو ونډه خوندي وي.

د خپروني په تګلار کې ملي ګټو ته ژمنتيا او پـه خپرونـو کـې د داسـې ارزښتونو پرله پسې انځورول، خپرونې سره د لوستونکو او هېوادوالو د لوست مينه زياتوي، هغوی د هېوادپالنې پـه روحيه روزل کيږي او پـه دې لامل د خپرونې ځلا او ښکلا لا زياتوي. د دعوت خپرونې چې پـه دې ګاڼه تر ډېره سمبالې دی، دې ټکي ته يې نوره پاملرنه هم رااړوم!

دعوت ته د خپرونو په هېوادپاله دنده کې لابرياوې غواړم!

(c) ketabton.com: The Digital Library

خجسته کتاب دعوت

دکتور سید خلیل الله هاشمیان

جریدهء وزین دعوت اینک ۱۶ ساله می شود و در مسیر این مدت به مدیریت مسئول شخصیت مبارز، آقای محمد طارق بزگر، موقف ملی و مبارزهء ملی خود را برای احیای افغانستان آزاد، دموکراسی ملی، رفع و دفع هر نوع تبعیض و تاسیس حکومت قانون در افغانستان حفظ نموده و در مدت سه سال گذشته که افغانستان به طور رسمی تحت اشغال قوای اجنبی قرار گرفته، جریدهء مبارز دعوت پیوسته به ضد اشغال اجنبی شعار داده است.

جریدهء مبارز دعوت همیشه از اتحاد ملی حمایت نموده و از حکومت دست نشانده تقاضا کرده تا اول تر به مقابل تجزیه طلبان دست به کار شود، زیرا تا زمانی که جنگ سالاران تجزیه طلب، ولایات افغانستان را تحت تسلط داشته باشند، وحدت ملی تامین شده نمی تواند.

جریدهء دعوت از اظهار حقایق هراس نداشته واقعیت ها را بی پرده بیان می کند، چنان چه در شمارهء مسلسل ۱۶۲ می خوانیم که در دورهء «حاکمیت متزلزل و فاجعه برانگیز مسعود- ربانی که از سال ۱۹۹۲ تا سپتامبر ۱۹۹۶ دوام نمود و موجب قتل پنجاه هزار اهالی ملکی شد و هم اقلاً ۵۰ فیصد عمارات ملکی و رسمی در کابل تخریب شدند... به استناد یک منبع معتبر خارجی، در فروری سال ۱۹۸۳، بین احمد شاه مسعود، عبدالرشید دوستم و قوماندان مالک، قراردادی با روس ها امضا شد که به اساس آن، مسعود مکلف ساخته شد تا امنیت راه سالنگ را برای عبور کاروان های اکمالاتی روس ها به جانب کابل تامین کند....»

جریدهء دعوت با نشر افکار و مقالات دانشمندان افغان و توجه خاص به زبان ملی پشتو توانسته است در بین طبقهء وسیع دانشمندان پشتو زبان محبوبیت خاص حاصل کند. در حالی که با انتشار مقالات زیاد به زبان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ملی دری، موازنه بین دو زبان را نیز نگه داشته و از لحاظ ژورنالیزم مانند پلی، فاصله بین امریکا، اروپا، آسیا را به هم نزدیک ساخته است.

تمنیات نیک خود را برای دوام و موفقیت این جریدهء مبارز ملی و برای صحتمندی و سعادت شاغلی محمد طارق بزگر بدین وسیله ابراز می کنم.

پیروز و جاویدان باد مبارزهء ملی به ضد ارتجاع داخلی و به ضد اشغال کشور توسط لشکر اجنبی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د کتاب په بڼه

پوهاند ډاکټر محمد حسن کاکړ

د دعوت میاشتنۍ خپرونه، ۱۹۸۸ کال نه راپدیخوا په ناروې کې د ښاغلی محمد طارق بزګر په سروالۍ خپرېږي. دعوت په دغو شپاړلسو کلونو کې تر اوسه پورې په منظم ډول خپور شوی او لوستونکو ته هم دننه په افغانستان کې او هم له افغانستان نه د باندې په نورو هیوادونو کې رسیدلی دی.

د مساپرۍ په حال کې په نااشنا ملکونو کې خپرونه ایستل او هغه لوستونکو ته په وخت استول اسان کار نه دی. د دعوت دغه غټ کار په لاندې دلیلونو سره واقعي شوی دی. د واقعي کیدلو غټ عامل یې پخپله چلوونکی ښاغلی بزګر دی چې له کډوال کېدلو نه وروسته یې د پردیسۍ په حال کې هم زیار ایستلی چې خپل وطن او وطنوالو ته د قلم له لارې خدمت وکړي.

د ثور له کودتا په تېره د شوروي له نظامي یرغل نه وروسته په ملیونو افغانان اړ کړل شول چې له خپل هیواد څخه ووځي، په ملیونو له خپلو کورنیو سره په پاکستان، او ایران کې کډوال شول او تر دوو لکو پورې یې د لویدیځې نړۍ د بېلو بیلو هیوادونو په تیره جرمني، کاناډا او امریکا ته لاړل. معاصر افغانستان هیڅکله دغومره ډیر افغانان له لاسه ورکړي نه وو، دوی اقتصادي کډوالان نه وو چې د ژوند ښه کولو د پاره به د خپل پروګرام له مخې له وطن نه وتلي وي. دوی لکه چې د مخه مې وویل د مجبورۍ له مخې کډوال شول نو ځکه د کډوالۍ په حال کې د وطن اندیښنه ورسره وه او خپل وطن ته یې ډول ډول خدمتونه وکړل. ځینو د مقاومت د پاره تنظیمونه جوړ یا له سره فعال کړل؛ نورو د همدغو تنظیمونو له لارې د وطن په بیا خپلواك کولو کې اغیزناکه عملي ونډه واخیستله او لا هم نورو د قلم او لیکنو له لارې د افغان داعیه پرمخ بوتلله او د دغه مقصد د پاره یې خپرونې وایستلی. دغه خپرونې ډول ډول او ډیرې دي؛ په تیره په پیښور کې د مقاومت په دوره کې؛ خو له بده مرغه هغه نه په یوه عامه ګڼه مرکز کې ټولې شوې او نه هم په عامه کتابتونو کې خوندي شوې. د افغانانو د پاره دا یوه ډیره غټه کلتوري او

(c) ketabton.com: The Digital Library

تاريخي ضايعه ده؛ ځکه چې په دغو خپرونو کې د افغان ملي مقاومت او په هغه پورې اړوندو موضوعگانو انعکاس کړی و. په هغو کې د افغان کارنامې او تاريخ خوندي وو. دغه حال ښيي چې افغانان به د شتمن ليکلي کلتور خاوندان نه شي. دغه وينا په دغه ترخه واقعيت سره نور هم ټينگه کيږي او هغه دا چې د اسلامي تنظيمونو په دوره کې عامه او شخصي کتابتونونه چور شول، او ډير کتابونه يې وسوځول شول. په هغو کې زما کتابتون هم راځي چې له انگلستان او امريکې نه مې ډير کتابونه ورته راوړي او بيا د کابل د زاړه ښار د کتاب پلورنځيو نه مې د پخوا وختو ډيرې زړې پاڼې او کتابگوټي راټول کړي وو. زما په کتابتون کې يو شمير اثرونه بېجوړې وو؛ لکه د برتانوي هند حکومت د استخباراتو د څانگې يوه خپرونه چې د افغانستان د وخت د لويانو په هکله وه، او بيا ما د خپلې څيړنې درې کلنې مودې په بهير کې له ناخپرو شوو ارشيفي پاڼو نه نور ډير معلومات پرې ورزيات کړي وو چې دغه اثار د هغو له امله پوره بېجوړې شوي وو. دغه اثر چې په نيم تخته يې پاڼو کې شنه پښتي لرله او اضافي ليکنې يې په انگريزي کې زما په قلم دي شايد بل څوك لوستلی ونه شي.

په کابل کې د طالبانو تر پرزيدلو نه وروسته د خپرونو يوه لويه ازاده دوره پيل شوې ده، خو د دغې دورې خپرونې دننه په وطن کې د لوستونکو د پاره دي. په داسې حال کې چې له افغانستان څخه د باندې په لويديځې او عربي نړۍ کې د دوو لکو په شاوخوا کې افغانان اوسيږي. له ښه مرغه د دغه افغانانو او داسې هم په وطن کې دننه افغانانو د پاره اوس هم په باندينيو هيوادونو کې خپرونې کيږي؛ لکه په امريکا کې "آئينه افغان" د ډاکټر سيد خليل الله هاشميان په سروالي، په کاناډا کې "افغان رساله" د ښاغلي احمد شاه هوتك په زيار، په جرمنې کې "گوربت" د ښاغلي محمدآصف په همت او "اسه مايی" د ښاغلي حميد عبيدي په زيار، او په امريکې کې "کيوان افغان" د ښاغلی رحيم وحدت په مشرۍ او په ناروې کې "دعوت" د ښاغلي محمد طارق بزگر په سروالۍ، دغه خپرونې هم ملي دي او هم يې د عمر کولو توان ښوولی. البته نورې خپرونې هم شته چې يا يو وخت بل وخت ايستلی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کیږي او یا ملي نه دي، لکه د "امید" خپرونه؛ خو دلته په دغو پاڼو کې یوازې د دعوت خپرونې باندې خبرې کیږي.

لکه چې ړومبی مې وویل چې شپاړلس کاله کیږي چې دغه خپرونه د ښاغلی بزگر په زیار راووځي په باندینیو نااشنا ملکونو کې د دغسې خپرونو ایستل اسان کار نه دی، خو د هغوی د ایستلو هلې ځلې لوستونکو ته نه ښکاري لکه هسې چې لوستونکي د کتاب مخونه په منډه لولي. بې له دې چې ځیر شي لیکونکي به د هر مخ په کښلو کې څومره زیار ایستلی وي. په دغه اړه ښاغلی بزگر یو مثال کیدلی شي. دئ د خپلې کورنۍ د ژوند خوندي کولو د پاره د ناروی د پوست په مرکزي دفتر کې کار کوي، خو د خپل معاش یوه برخه د دعوت په ویستلو باندې لگوي. له دینه جوته ده چې د ښاغلي بزگر د دعوت د خپرولو هڅونکی قوه مادي نه ده. په اصل کې د دغسې خپرونو ایستل د پیسو د پاره نه وي او نه هم دا د پیسو گټلو لار ده، هغه هم په باندینیو ملکونو کې د دغسې افغانانو د پاره چې ملي خپرونې راوباسي. دغه څه پخپله د دعوت د مخونو نه څرگندیږي.

دعوت د هیواد په دواړو رسمي ژبو خپریږي، خو د پښتو پله یې درنه او افاده یې هم معیاري ده. په هره گڼه کې یو یا ده لیکنې په انگریزي هم لري، خو د دعوت غټه ځانگړتیا د هغې د لیکنو څنگه والی دی. لیکنې یې نږدې ټولې د افغانستان د پیښو په تېره د سیاسي پیښو په اړه تحلیلي دي، مهمې نړیوالې جاري پیښې یې هم په مخونو کې راوځي. په لیکنو کې یې په موضوع گانو باندې بحث کیږي نه په فردونو باندې. هو، د فردونو کړه وړه او نظرونه او سیاستونه به پکې ډانډس کیږي او ټکول کیږي، خو پخپله هغوئ په سپکه نه یادیږي. دعوت د مدني اصلونو مراعات په ټینگه کوي. دعوت په واقع کې په دغو اصلونو او فرد ته د درناوي په اصل ولاړ دی. په دغه ډول د دعوت په لیکنو کې د فرد حیثیت هر څوك او په هر مقام کې چې وي خوندي دی، خو د هغه کړه او فکرونه سپیڅلي نه کڼل کیږي، هغه سپړول کیږي یا یې قدر کیږي یا بېرحمه نیوکې او وارونه پرې باندې کیږي. دا ټول د دې د پاره چې دعوت دا خپله ملي او اجتماعي دنده او مسئولیت گڼي چې خپل لوستونکي د هغو نظرونو، کړو، او موضوعگانو په ښو او ناوړو خواو

(c) ketabton.com: The Digital Library

باندې خبر کړي چې هغوئ او د هغوی وطنوالان متاثر کوي. دا په واقع کې د دعوت رسالت دی. په دې حساب د دعوت ليکنې نه ننداره ييزې، نه احساساتي او نه هم پارونکي دي. هغه د ازادو دماغونو تحليلي ليکنې او تبصرې دي. له دې امله دعوت ډير علاقه مندان، خوښونکي او لوستونکي لري او دا د دعوت قلمي مرستيالان دي چې د وطن د پيښو د بېلو بېلو اړخونو په اړه پخې ليکنې وراستوي او مرسته ورسره کوي. دوئ په دې ډول د دعوت ارزښت، درنښت او د زيات عمر کولو توان ورزياتوي. نو دعوت د يوې گډې موخې په لور په لويدځې نړۍ کې د خورو ورو افغانانو د همکارۍ يوه ځرگنده، لوړه او گټوره بيلگه ده. دا دعوت دی چې خپل خواره واره افغان ليکوالانو به يوه بل باندې پيژني او سره نږدې کوي. خو سره له دې هم گمان نه کيږي چې حتی د دعوت ليوالانو په هم د هغه ټولې گڼې ساتلي وي.

د مساپرۍ په دغه اوسني حال کې د خپرونو ساتل اسان نه دي. نو ښاغلی بزگر وړانديز کړی چې د دعوت غوره ليکنې د کتاب يا کتابونو په بڼه راوباسي؛ د دې د پاره چې لوستونکي هر وخت چې وغواړي ترينه گټه واخلی. دا يو بل ښه گام دی چې ښاغلی بزگر پورته کړی. په دغه کار سره به د دعوت د غوره ليکنو ارزښت او پايښت نور هم يقيني او گټورتوب به يې زيات شي. په دغه گټور کار کې هم زه د ښاغلی محمد طارق بزگر برى غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت او محمد طارق بزګر
ډاکټر عبدالصمد حامد

بسم الله الرحمن الرحیم

ګرانه وروره بزګر صاحب!

د هرڅه نه لومړی تاسي ته زړه لـه کـومې تبریـك وایـم چـې د دعـوت درنده خپرونه د خپلو لیکنو، مرکو او شعرونو کتاب خپروي، زموږ د ښو او بدو خاطراتو نه ډك تاریخ او په ځانګړې توګه د تیرو دیرشو کلونو په ترڅ کې چې زموږ د هیواد او هیوادوالو د سیاسي او ټولنیز ژوندانـه یـوه ډیره حساسه مرحله وه او لا هم ده، د یو شـمیر هغـه هیوادوالـو چـې د ډیرو ستونزو په ګاللو سره، هیواد او هیوادوالو تـه د خـدمت او خـیر پـه نیت د مطبوعاتو او تبلیغ په سطح د قدر وړ خدمت کړی دی، انشاالله به زموږ د تاریخ یوه مثبته برخه جوړوي. ستاسو دا خدمت د تیرو پنځلسو کلونو په اوږدو پرته د خپل کار پر حقانیت باندې باور او ډیـر صـبر نـه شي تر سره کیدای.

د تیرو دیرشو کلونو راپدیخوا زمـوږ هیـواد د پردیـو او د هغـوئ امربـرو افغانانو د لوبو او تجربو میـدان پـه توګـه کـارول شـوی دی چـې افغـان مجاهد، خو مظلوم ولس د ډیرو قربانیو او مصیبتونو د ګاللو سره سـګره لا تراوسه هم دې لوی او ملي مصیبت لاس په ګریوان دي. که څـه هـم د نیکه مرغه په هیواد کې دننه تر یو حده دا زمینه مساعده شوي ده چې یو شمیر ازاد نشرات رامنځ تـه شي خـو د هیـواد نـه بهـر میشـته افغـاني موقوتې خپروني او الکترونیکـې وسـایل د خپرونـې لا اوس هـم خپلـه ځانګړې وظیفه لري او صبا به یې هم ولري.

د افغان ولس اکثریت او موثرې طبقې ښایي چې د خپـل موجـود لـوی مصیبت د جریان نه د واقعیت درك کړی وي چې:

افغان ولس د بشري ټولنې د غړې په حیث نه یوازې د نـورو ولسـونو او هیوادونو څخه په تجرید کې ژوند نه شي کولای، بلکـې دا وظیفـه یـې هم ورپه غاړه ده، چې د خپلو مشروعو حقوقو، خپل د تهـذیبی هویـت څخه د دفـاع تـر څنـګ د بشـري تـولنې سره د سـوله ییـزو او د هغـوئ مشروع حقوقو او هویت ته د احـترام پـه واسـطه حتـی المقـدور نـژدې

(c) ketabton.com: The Digital Library

اړيکو ساتلو او پاللو په وجه داسې حالات منځ ته راشي، چې د افغان ولس او د نورو هيوادونو د مشروعو حقوقو د تامين په لاره کې د ټکر له پاره زمينه برابره نه شي. زما په نظر د هيواد نه په بهر کې ميشته افغاني ذکر شوی خپروني اصلی نقش په دې اړوند به ځانګړی اهميت ولري.
دا نقش په حقيقت کې په دې اړوند د يو منصف او د يو خواخوږي څارونکي او منتقد، رابط نقش به وي.
کوم د انصاف او واقعيتونو پر بنا متکي تنقيدونه چې په هيواد کې دننه ميشته وو اطلاعاتي خپرونو له خوا د ځينو عواملو او محدوديتونو له کبله نشي خپريدلی، بايد د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو په واسطه هرو مرو هيوادوالو ته په اطلاع ورسول شي. همدا راز دا هم د هيواد نه په بهر کې ميشته خپرونو وظيفه به وي، چې په هيواد کې دننه د مثبتو پيښو او کارونو اطلاع د نورو افغانانو او افغان ولس سره نورو غير افغاني علاقه لرونکو کړيو په خبرتيا ورسول شي.
په دې اساس دا ذکر شوي په بهر کې مشته خپرونې د يوې خوا نه د افغان ولس د تنقيدي غبرګون د خپرونې نقش تر څنګ د افغان ولس تر سره شوي خدمت د مبلغ نقش به ولوبوي او د بلې خوا نه به د هيواد نه په بهر کې د افغانانو او د افغان ولس ترمنځ د اړيکو د ټينګولو او پراختيا عامل به وګرځي. همدا راز د دوی دا کار به د افغان ولس او د بشري ټولنې تر منځ د ذات البيني ښو اړيکو د تقويې په لاره کې مثبت رول ولوبوي.
د دې کبله ښايي چې د هيواد نه بهر ميشته افغانان (که د نورو هيوادونو تبعه هم شوي وي) د دعوت د درنـدې خپرونې او نورو په بهر کې ميشته افغاني خپرونو سره تر وسه پورې خپلې مادي او معنوي مرستې وکړي. تاسو ته تبريك وايم او درته اجر، ډير صبر او توفيق غواړم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره زما اړیکه
هلمند پردیس

مخکې تر دې چې زه د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره په خپلو اړیکو وغږیږم، غواړم د دغه رسنیز مرکز په ځینو ارزښتونو او خدمتونو یو څه ووایم. دعوت خپلواک رسنیز مرکز په حقیقت کې یو خپلواک او د رسنیو په ډګر کې یو بې پرې او ازاد رسنیز مرکز دی. د دغه مرکز هڅې او پرمختګونه ټول د افغانستان او افغان دردیدلي ولس سره تړلی او د دوی اواز دی، نو ځکه د دغه مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب په خپلو شخصي، مادي او معنوي توان سره دغه درووند بار ته دا نهه ویشت کاله کېږي چې مټ ورکړی دی، زما د خبرو هدف هم همدا دی، چې دغه رسنیز مرکز په ټوله مانا خپلواک دی. دا چې څرنګه دغه رسنیز مرکز لا تر اوسه خپلواک پاتې شوی دی، د کامیابۍ راز یې په خپله د دغه رسنیز مرکز مشر محمد طارق بزګر صاحب دی. د ده ډېرې هڅې، زیار، د خپل ولس او وطن سره بې انتها مینه دا هغه څه وو، چې محترم بزګر صاحب په دغه لار کې سترې مادي او معنوي قربانۍ ورکړي دي، او دغه رسنیز بهیر یې تر هدف رسیدو پورې له ستونزو او مشکلاتو بهر کړی دی او همدا علت دی، چې نن یې موږ تاسې نهه ویشتمه کلیزه لمانځو.

محترم مشر بزګر صاحب سره د ډېرو نورو ښو خاصیتونو لرلو تر څنګ یو بل ارزښتمن خاصیت دا دی، چې هغه ریښتوني وطندوسته شخصیت دی، او هغه د خپلې همدغې وطندوستۍ له برکته د وطنپرسته فکرونو په روزلو کې هم موثر ګامونه اوچت کړي دي. هغه سره د احمد، محمود، د قوم، قبیلې، ژبې او نژاد تعصب نشته، نو ځکه ده سره د دعوت خپلواک رسنیز مرکز په همکارۍ کې د افغانستان د هر قوم ورونه ملګري او همکاري کوي، او بزګر صاحب دا خبره په حقیقت کې په اثبات رسولې ده، چې یو شاعر یې په خپل شعر کې وایي:

چې نشه د استبداد لري په سر کې
ما ته یو دی که مغل دی که افغان

پوره یوه لسیزه مخکې چې کله ما د مسافرۍ په درشل قدم کیښود د وطن بېلتون مې د زړه دننه د خپل وطن سره د مینې داسې اورونه بل کړل، چې زه یې لیکلو ته اړ ایستم. لیکل مې شروع کړل، که څه هم زه له ماشومتوبه په خپل کلي کې مین وم، حتا له کلي بهر به مې له دوستانو سره هم شپه نه کوله زړه به مې تنګیده، خو

(c) ketabton.com: The Digital Library

چې کله مسافر شوم، نو د وطن دا مینه او دردونه مې دوه چنده او سل چنده شول، او همدغه د وطنپرستۍ احساس او مینه وه، چې ما به د انترنیت له لارې خپل احساسات او د زړه خواله د خپل ولس او وطن سره شریکول. شپږ کاله پخوا د دعوت میډیا خپلواک رسنیز مرکز سره اشنا شوم، او دغه رسنیز مرکز ته به مې خپلې نیمګړې لیکنې ورلیږلې او د دغه همکارۍ په نتیجه کې له محترم مشر بزګر صاحب سره معرفي شوم، او وخت ناوخت به یې زه هڅولوم، چې زما لیکل ښکلي او په تول پوره دي، خو زه وروسته پوه شوم، چې هغه وخت زما لیکلو بلا تیروتنې لرلې، کیدای شي اوس یې هم لري، خو زه محترم بزګر صاحب زړه ماتی نه کړم، او هر وخت یې مناسبې لارښونې راته کړې دي، او همدا د ده د لارښونو برکت و، چې څلور کاله مخکې بیا د دعوت خپلواک رسنیز مرکز سره رسمي همکار شوم، خو د دغه همکارۍ اجوره ما هم نه ده اخیستې، د دې لپاره ما دوه دلایل لرل، یوه وجه دا وه، چې ما خپله هغه مینه چې له خپل ولس او وطن سره لرله او لرم یې، ما باید دا په عمل کې اثبات رسولی وای، څکه چې افغان وطن او ولس پر موږ حق لري، چې خدمت یې وکړو، او همداسې مې وکړل، او دا مې ستر ارمان هم وو، چې خپل وطن او وطنوالو ته د خدمت جوګه شم او بله وجه یې د محترم مشر بزګر د کار او خدمت څخه متاثره کیدل ؤ، چې ده هم له چا څخه په دغه بهیر کې اجوره نه ده اخیستې او خپل وطن او وطنوالو ته یې دا نهه ویشت کاله وړیا خپل رسنیز خدمتونه وړاندې کړي دي.

په پای کې زه مشرـ بزګـر صـاحب تـه دوعاګـانې کـوم، چـې سـتر رب العزت یې عمر ډېر او ارمانونه یې پوره شه، او لوی خدای دې مـوږ ته هم دا توفیق راکړي، چې په دغه بهـیر کـې ورسره ریښـتوني ملګـري پاتې شو.

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال نشرات جهانی
کمپلکس دعوت تبریک و تهنیت باد

استاد صباح

آزادی، نه تنها بی بها نیست بل که کالای بسیار ارزشمندی ست که در طول تاریخ، مفت و ارزان به چنگ هیچ کس نیامده است.

دانشمند گرامی، مرد دانش و خرد وشخصیت برازندهء بیرون مرزی کشور، جناب محمد طارق «بزگر»، رییس کمپلکس نشراتی دعوت! صمیمانه ترین تبریکات قلبی ام را به مناسبت بیست و سومین سالروز (۱۹۸۸ – ۲۰۱۱) نشرات دعوت پذیرفته و از طریق شما به هیات محترم تحریر، همکاران گرانمایه و خواننده گان، بیننده گان و شنونده گان گرامی دعوت تقدیم نموده، زنده گی خوش به شما و خانواده های تان و جذابیت و رنگینی بیشتر دعوت آرزودارم.

شارل دو مونتسکیو می گوید: بشری که حق اظهار عقیده و بیان اندیشهء خود را نداشته باشد، موجودی زنده به شمار نمی رود.

اگر به آزادی بیان اعتقاد دارید، انتقاد صریح، علنی و شفاف از شما در رسانه‌ها، معیار آزادی بیان است. اگر نتوان از رهبر سیاسی کشور انتقاد کرد، نمی‌توان مدعی وجود آزادی بیان شد. این که فردی به دلیل انتقاد غیر مستقیم از رهبر، محکوم به پرداخت هزینه‌های بسیار سنگین شود، دلیل آزادی نیست، بل که حاکی از خودکامه گی نوع توتالیتر است.

این که یک فرد قدرت مطلق را به طور مادام العمردر اختیار داشته باشد و باز هم از مردم سالار بودن حکومتش سخن بگوید، نزد عقلا چه معنایی دارد؟

دعوت! رسانه ی صوتی، تصویری و چاپی است که نویسنده گان و قلم به دستان اندیشمند و متفکر برای تحقق دموکراسی واقعی در کشور کهن و مردخیز افغانستان، مبارزهء صادقانه وبی الایشانه نموده و

(c) ketabton.com: The Digital Library

شباروزی عرق می ریزند و زحمت می کشند. مسوولیت بزرگ و خطیر آنان توضیح و تشریح دموکراسی واقعی، متحد کردن تمام نیرو های دموکراتیک تا بنای حکومت قانون، تا ختم جنگ و برادرکشی، تا تحقق آزادی، مردم سالاری، سیکولاریزم و خردگرایی در سرزمین درد دیدهء ما بنیان گذاشته شود.

دعوت، نقطهٔ شروعی برای بحث و گفت و گو و استراتژی هایی برای ایجاد ارتباط وطنی، افغانی و روشنفکرانه برای توسعهٔ دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و حقوق واقعی در میهن است. دعوت برای آزادی، حقوق بشر و دموکراسی مبارزه می کند.

دعوت، تریبونی برای آزادی، دموکراسی، روشنفکری، عدالت خواهی، برادری و برابری بوده و برضد اندیشه های تفرقه انداز به نام شمال و جنوب، شرق و غرب، سلطه خواهی و قدرت طلبی و بر علیه دزدان، چپاولگران، آدمکشان، جنگسالاران، سلاحداران، قاچاقبران ثروت های مادی و معنوی وطن پیکار دوامدار نموده و در این مسیر، گام های بلند برداشته و در آینده نیز ساکت نخواهد ماند.

دعوت، هرگز استقلال و منافع ملی خود را زیر پا نمی گذارد و آنانی که طی سه دهه به استقلال ملی، تمامیت ارضی و آزادی و مردم گرایی خیانت نموده و در هر مقطع تاریخی برای چور و چپاول باشنده گان این خطهء تاریخی معامله و غلامی نموده اند و در بدل پول، کرسی و قدرت بر سرنوشت کشور و مردم با اجنبی ها معامله کرده اند، بی باکانه و میهن پرستانه، چهره های منحوس آنان را برای ملت غیور افشاء و رسوا می نماید.

به عقیدهء من، نویسنده گان، قلم به دستان و همکاران رسالت مند دعوت باید تاریخ غنی و نبرد های آزادی خواهی و افتخارات میهنی خود را به یاد داشته باشند و در مسیری روشنگری مردم جد و جهد

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیشتر نمایند تا بـار دیگـر بـه پیشـرفت هـایی در زمینـه هـای اقتصـادی، اجتماعی و حقوق انسانی دست پیدا کنند.

مردم ما باید آزاد باشند تا به خود و آیندهٔ کشور امید داشته باشند. همـهٔ ما باید برای عدالت، شرافت، صداقت، سعادت و متانت مبارزه کنیم تـا بر نیرو های سلطه گر و چپاول پیشه چیره شویم.

ما باید با امید و میل به دستیابی به رفیع ترین قلل افتخار برای کشـور بـه سمت آینده حرکت کنیم. زمان پیشرفت و ترقی به وسـیلهٔ مـا در زمینـه های هنری و فرهنگی فرا رسیده، پیروزی نزدیک است و تغییر اجتنـاب ناپذیر است.

دعــوت بــا پیــروی از اصــول آزادی و حقــوق بشــر و دموکراســی ومردمگرایی به قوی ترین شبکهء جهـانی بیشـتر ازگذشـته مبـدل شـود. زمانی قدرت‌های بزرگ بـا ورود مسـتقیم بـه کشـورها، جهـان سـوم را غارت می‌کردند، ولی حالا در هـزارهء سـوم در ظـاهر بـه نـام آزادی و دموکراسی می‌خواهند ملت‌ها را تاراج کنند و انسان ها را در بند بکشند و آزادی را نیست و نابود نمایند.

باید در مورد نقشه ها و خیانت های مافیای بنیادگرایی و تفنگ سالاری هوشیارانه عمل نمایم تا آنان عقیـدهء پـوچ و بـی معنـی منطقـه پرسـتی، قومگرایی، تضاد های ملی و زبانی به نام افغـان و افغانسـتانی، شـمالی و جنوبی و ستم طلبی و سلطه خواهی چـون ویـرس مهلـک و کشـنده بـر جامعه تزریق نکنند تا بار دیگـر شـاهد بـدبختی، فلاکـت و سـیه روزی وطن و مردم ستم دیدهء آن نباشیم.

ما مصرانه بر این اصل پا فشاری کنیم که زنده گی ما درکشور، تجربهء عالی، با شکوه و عظیم است. هر انسای وطن حقوقی دارد کـه بداننـد و مستفید شوند، هیچ دولتی، نیرو و یا شخصی حـق نـدارد کـه آنـان را از چنین حقوقی محروم کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

هر انسانی می بایست در برابر قانون برابر باشد. هر شخص باید زیر چتر حقوق و آزادی قانون اساسی بدون برتری از هر نوع، مانند نژاد، جنسیت، زبان، معلولیت، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا طبقۀ اجتماعی، ارزش های فکری، اولویت ها، دارایی، محل تولد و مانند این ها باشد. تمام مردم باید حق شرکت در اداره و حکومت را داشته باشند. هر شخص حق تفکر، مذهب، تحصیلات، عقیده و سخنرانی آزاد را دارد. این حق شامل داشتن عقیدهء بدون دخالت است و همچنین دنبال کردن، دریافت و بیان اطلاعات و عقیده از طریق رسانه ها آزاد اند.

هر شخص حق دارد که به طور مسالمت آمیز در انجمن ها و گردهم آیی ها شرکت کند، ولی هیچ کس نباید مجبور به عضویت چنین انجمن ها یا گردهم آیی هایی شود.

هر انسانی حق کار دارد و می تواند شغلش را آزادانه انتخاب کند؛ شرایط محیط کارش به دلخواه و منصفانه باشد و نیز حق دارد با تشکیل و پیوستن به اتحادیه های کارگری، آنان در جهت حمایت از منافع او اقدام کنند. هر شخصی حق حفاظت از منافع، عاید کار علمی، ادبی و هنری را که خود پدیدآورندۀ آن هاست، دارد.

در دورۀ مدرن امروزی، بیشتر حکومت ها برای اثبات حقانیت شان ادعای دموکراسی دارند. دعوت، معتقد است که در یک دموکراسی واقعی، مردم، بالا ترین قدرت را دارند. آن ها بالاترین شکل قدرت سیاسی می باشند. مردم با علایق و عقاید مختلف باید خواستار نشستن و گفت و گو با یکدیگر باشند. زمانی که کسی عقیده اش را ابراز می کند، باید که به نظرات دیگران گوش دهد، حتی اگر دیگران با او مخالف باشند. هرکس حق دارد که آزادانه ابراز عقیده کند.

مردم سالاری، شیوه ای ست برای مردم تا رهبران شان را آزادانه انتخاب کنند و آن ها نیز برای سیاست ها و رفتار شان نسبت به خدمتگذاری مردم جوابگو باشند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

من معتقدم که وظیفه ی اولیه حکومت، عبارت از محافظت کشور از تجاوزات خارجی و تخطی های داخلی است تا به طور کامل از حقوق اولیهٔ انسانی حمایت کند تا که یک اقتصاد آزاد و باز را مانند تجارت خصوصی مورد تشویق و حمایت قرار دهد، کیفیت منابع تحصیلی را ترویج کند و کیفیت خدمات درمانی را به بالاترین سطح ممکن برساند تا به طور پیوسته با مردم در پی بهبود زیرساخت های فیزیکی، تکنولوژیکی و اقتصادی کشور باشد.

ما باید جرأت و جسارت ایستادن برای ارزش ها و اعتقادات را پیدا کنیم. نباید روشنفکران و تحصیل کرده ها تنها در این فکر باشند که چه گونه به کشور های خارجی فرار کنند.

ما باید بدانیم افرادی که بر مسند قدرت تکیه زده اند، آیا مشتی اوباش و جنایت پیشه اند که مصروف غارت و چپاول کمک های صحی، بیت المال، اراضی دولتی، زمین و املاک شخصی، ثروت های ملی و منابع طبیعی کشور هستند. اینان به خاطر چور و چپاول، به خاطر حفظ قدرت و حاکمیت شخصی و گروپی خود با کلمات و جملات بازی می کنند تا تفرقه های منطقوی، سمتی و زبانی را چاق کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

با درود های گرم و وطنی

استاد صباح؛ همکار قلمی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت پاڼې د درويشتمی کليزی په وياړ

استاد ابوبکر ساپی

چه نظر کړمه هر خوا دعوت دعوت دئ
همه واړه د بزگر صاحب محنت دئ
څوک صفت د خپلی پاڼی څوک د ځان کړي
د دعوت د پاڼی بی ساری شـــهرت دئ
څوک يي ستايي په شعرونو او نغمو کښی
د حسودو پری له هر لوري تهمت دئ
د پښتون ولس او قام د زړه دردونه
دی انځور پکښی، همدا يې حقانيت دی
گوره کار نه لاس په سر نه شی مومنه
د الله د دين بيان ستر امانت دئ
په وطن باندی يهودو يرغل کړی
بی گناه وژنی همدا يي ستر خيانت دئ
هرې خوا ته دی ورانکاری را ټول شوي
سر و کار يي شيطانت او ضلالت دئ
د دعوت پاڼی درنو لوستونکو واوری
يي قلم په لاس هم ډير مو مسووليت دئ
له دعوت سره د دين دعوت کښې مل شی
د صافی لخوا همدغه يو وصيت دی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت خو پوخ زلمی شو، مبارک مبارک!

محمد امین بسمل

د یو هېوادپال، ولس پال درانه او مـنلي هڅاند افغان پـه لاس اېښـودل شوی نیالګی (دعوت) ثمر ته ورسېد. دا نیـالګی د هجـرت، غربـت او لاس تنګي په داسې بدو حالاتو کـې کښېښـود شـو، چـې د راتوکېـدو، زرغونېدو، لویېدو، سپړېدو او په ثمر راتلو هیلې یې زیاتې نه وې، خو د یو متین او سنګین انسان په همت یې دا ټول پړاونه او مزلونه په بریا سره ووهل. مبارک دې وي بیا هم مبارک!

درویشت کلن دعوت نن هغه ښایسته او صالح اولاد ته پاته کیږي، چې نه یوازې د خپل پلار او کورنۍ په سترګو کې خوږ لګي، بلکې کلیـوال او سیمه وال هم سترګې پسې اړوي (له نظره مه شې ګرانه دعوته).

احساس مې په غربت کې اوښکې تویه کړي له سترګو
چې لولمه لیکنې د پتمنو په دعوت کې
د هیلو مات وزری مرغی بیا په الوت راشي
امید دی چې افغان ولس ژوند وکړي په عزت کې

دا چې زموږ د هیلو دا مات وزری مرغی به څه وخت سرمنـزل تـه پـه الوت شي، لا خو وخت ډېر دی، خو بیا هم د دې تمه شته، چې یـو او بل ته د لاس ورکولو په صورت کې دې لوړ ارمان ته ورسېږو.

راګرځم د دعوت میوه لرونکي نیـالګي تـه، چـې ایښـودونکی یـې یـو داسـې پـتمن افغـان دی، چـې د توصـیف لپـاره یـې د پـوره الفـاظو په راټولولو کـې ځـان عـاجز ګـڼم. زمـوږ دا ګـران افغـان محمـد طـارق بزګر نومیږي.

د ښاغلي بزګر صاحب د همـت، هېوادپـالنې او متانـت پـه اړونـد زمـوږ نورو درنو افغان لیکوالو خپل ښایسته نظریات وړاندې کـړي، خـو کـوم څه، چې ما د بزګر صاحب په اړوند ترلاسه کړي هغه داسې دي:

- د اوچت کرکتر او لوړو اخلاقو لرونکی.
- د پراخې سینې (حوصلې) څښتن
- ماهر او هېوادپال ژورنالست
- جذاب، حلیم او صابر انسان

(c) ketabton.com: The Digital Library

ــ پالونکی، مرستندوی او حقبین

ما پخپل ژوند کې یو ځل هم بزګر صاحب له نږدې څخه نه دی لیدلی، خو څو ځلې مې ورسره تیلیفوني اړیکه نیولې ده. البته مخکې له تیلیفوني اړیکو ما د بزګر صاحب اوصاف او کردار د هغه په درانه انځور کې انځورول، خو کله مې چې تیلیفوني اړیکه ورسره ټینګه شوه نو دې ته یې اړېستم، چې یو څو هر اړخېزې پوښتنې ورڅخه وکړم. جالبه خو داوه، چې زما د اوږدو پوښتنو ځواب به یې په یو څو لنډو جملو کې پوره کاوه.

که به خبرو په غایب شخص پورې تړاو درلود نو د بزګر صاحب نظر به مطلق بې پلوه و. دا په دې مانا، چې بزګر صاحب خپل تګ لوری سم ټاکلی و.

د پورتنیو جملو په وړاندې کولو سره دا هم وېیلای شم، چې د دعوت نوښتګر هم بزګر و هم زرګر. زرګر په دې مانا، چې ویې کولای شول په خپل لوړ استعداد او خلوص سره زموږ درانه او زرین لیکوالان د ځان خواته ور جذب او د دعوت خپرونې پرې زرینې او رنګینې کړي. دا کار هر څوک هم نه شي کولای. دا زغم، صبر، حوصله او صادقانه اړیکې غواړي.

د یادولو ده، چې موږ غم لړلي افغانان (پښتانه) له نېکه مرغه نه یوازې بزګر صاحب لرو بلکې له ټول افغان څخه یې رانیولې تر لر او بر، تل افغان، بېنوا، خبریال، لوی افغانستان، سپرغۍ او یو څو نورو پورې داسې هېوادپال افغان وېبپاڼې چلوونکي لرو، چې د سړي زړه پرې باغ باغ شي.

زه دغو ټولو درنو وېبپاڼو چلوونکو ته په دې تاریخي او دردوونکو شېبو کې له پاک رب څخه د لا ډېرو نورو بریاوو غوښتنه کوم. دوی دې تل هسک او بریالي وي.

د خپلې لیکنې په وروستۍ برخه کې په موږ ګران بزګر صاحب ته د بې شمېرو مبارکیو ترڅنګ په ډېر درنښت سره نه یوازې ده بلکې زموږ نورو ګرانو او درنو افغان وېبپاڼو چلوونکو ته دا وړاندیز کوم، چې د خپلو قلمي همکارانو انځورونه هر وخت د هغوی له لیکنو سره یوځای خپاره کړي که کوم څوک خپل انځور او پېژندنه نه ورلېږي، دا

(c) ketabton.com: The Digital Library

به په دې مانا وي، چې هغه له يادو ويبپاڼو او ملت سره دغداري نيت لري. زما د وړانديز د نه منلو په صورت کې دې بزګر صاحب او دا نور درانه افغان ويبپاڼې چلوونکي د هغو مرموزو او مغرضو کسانو ليکنې کوم، چې خپل شهرت او انځورونه نه ورلېږي يا خپرې نه کړي او يا دې په داسې يوه ټيټه او ځانګړې کتګورۍ کې خپرې کړې، چې د لوستونکو زيات نظر نه پرې لګي.

په اخېر کې يو ځل بيا د دعوت درانه چلوونکي محمد طارق بزګر ته د زړه په مينه د دعوت د پاخه زلميتوب مباره کې وايم.

محمد امين بسمل

د جرمني له باير ايالت څخه

(c) ketabton.com: The Digital Library

دریم څپرکی:

پیغامونه

د منزل په لور د دعوت دیرش کلن مزل

ولي الله ملکزی

که د نړیوال ستیج په پاسني لوړ کې، د نامي امپراطوریو او تهذیبونو د عروج او زوال تابلو ته ځیر شو، نو هرو مرو به مو یقین راشي چې د خرش پرش پړاو ته د رسیدلو لپاره په پیړیو پیړیو مزلونه شوي ترڅو د دوئ د ځواک ځولۍ ډکه، ارته او وغوړیږي.

د رسنیو دنیا هم د لوړو، ژورو او غورځو پرځو یو ستومانه او دیته ورته تاریخ لري. د لرغوني چین دنګ دیوالونه، د بغداد منارې، د بیروت کوڅې، د اروپا ښیرازه ورشوګاني او د امریکا سیلکن ویلي، ټول د دی شاهدان دي چې د نړیوال کلي جوړول او یوه څنډه له بلې سره نښلول څومره ګران، څومره هڅو او څومره شوګیرونوته اړتیا لري؟

له نن دیرش کاله وړاندی، د دعوت په نوم یوه کوچنۍ او ساده پاڼه د مطبوعاتو د دی ستر کاروان له وروستۍ جوپې سره یوځای شوه او پدی زیره او شګلنه لاره یې قدم وهل پیل کړل. لا د خاړپوڅو شپې ورځې وې چې په ۱۹۸۸ کال کی لمړنۍ شماره چاپ او ځما د ګوتو په شمار خلکو ته واستول شوه. د چاپ لپاره به کله پیسې نه وې او کله به د متوازنو اوغوښنو لیکنو او مقالو کمی وو، خو ټینګ هوډ او کلکه اراده تل په غورځنګونو وه.

دعوت کومه اسماني صحیفه نده چې غلطي او اشتباه به نکوي. خو زما په اند، دعوت د هر هغه چا ننګه کوي چې سوله غواړي او هغه څوک ننګوي چې د جګړې سپرغیو ته ببوزی وهي. دعوت د دریو لسیزو پدی اوږد او لالهنده سفر کې، د خپلو اصولو په سر نه له چا سره جوړه جاړه کړی او نه یې د څه واخله او څه راکړه سودا کړی ده. دعوت د ټوپک او کوتک په ځای د قلم او رڼا مبارزه بریالۍ ګڼي او له کرکۍ څخه، کرکه لري. دعوت د میني ساندې زمزمه کوي او د پخلاینې له شعار سره ستوني نرموي.

کله چې په ۱۹۹۷ کال کې د دعوت خپروني د رواجي پاڼې په ځای د ویبپاڼې بڼه غوره او د انټرنیټ په نیلۍ سپره شوه، نو غږ یې د نړۍ په ډیرو

(c) ketabton.com: The Digital Library

برخو کي غوړونه پيدا کړل. دا اوسنۍ کليشه يې د يوې پراخې تجربې او ښه ذوق نماينده ګي کوي او ښايسته ډېر څه پکې سترګو، سترګو ته کيږي.

څما کشر ورور او د يو مسلک د لارې لاره وې، محمد طارق بزګر د ښې حوصلي او څرګند لرليد خاوند دی. د مالي او تخنيکي ستونزو سره سره يې و کولای شول تک تنها دومره غټ او دروند پيټي ته اوږه ښکته کړي او دی ځايګي ته يې را ورسوي.

موږ وليدل چې د روسي ښکيلاک په مهال او بيا وروسته مرحله کې، د خدای بلا ورځپاڼې، مجلې او رقم رقم خپروني را ميدان ته شوې، خو په ګومره چټکۍ چې راغلي وې په هماغه سرعت سره تری تم شوې. ولی دعوت د وخت او شرائطو ګواښونو وارخطا نکړ، ميدان يې پری نښود او د منزل په لور خپل مزل يې همداسی جاري وساته. دعوت نن لوستونکي لري، د افغاني رسنيو په کتار کې خپل پرستيژ لري او د خبر او څېړنو د يوې سرچينې په توګه ور باندی حساب کيږي.

هيله مند يم چې دعوت به د تير په څير، په راتلونکي کې هم د خپل دين، ولس او ارزښتونو په خنګ کې وي. تمه لرم چې دعوت او د هغې اړونده خپروني به لا وغوړيږي، لا به وځليږي او لا به ګړندۍ او ميړنۍ شي.

سکرمنتو، کليفورنيا- امريکا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت سره زما ملگرتیا

استاد عمر پاڅون

دعوت سره زما ملگرتیا ډیره پخوانۍ ده چې لسگونو کلونو ته رسیږي. دعوت هغه وخت په خاپوړو کې وو په قلم به په څو محدودو مخونو کې په لاس لیکلی چاپېده. دا دی اوس دعوت په کمپیوټر او د انترنت نړۍ کې لوی او بیل ځای لري. دعوت یواځې یوه چاپي جریده نه ده د دې په څنگ کې څلور جلا ویبپاڼې، دوه پښتو او درې: www.dawatmedia24.com، www.afghansabawoon.com، یوه انگلیسي www.dawatmedia.com او یو پښتو ټلویزیوني چینل www.astv24.com چې لا هم د کار لاندې دی، چې په دې سره دعوت یو رسنیز مرکز دی، یو ځواک دی، یو قوت دی.

زه بوډا شوم خو خوشاله یم چې دعوت خپله دیرشمه (۳۰) کلیزه لمانځي. اوس نو یو سړی په زغرده ویلی شي چې د خپل هېواد څخه بهر د افغانانو په ځانگړي ډول د پښتنو یوه نړیوال رسنیز مرکز (دعوت میډیا) شته. دا ټول د محمد طارق بزگر نه ستړیکیدونکی هلې ځلې دي چې په یواځې سر د دعوت جریده په ښکلی ډول چاپ او د نړۍ نېژدې ۵٦ هېوادونو کې خپلو افغانانو او غیر افغانانو ته رسیږي.

د هېواد څخه بهر په مهاجرۍ او د مسافرۍ په ژوند کې د خپل شخصی لگښت څخه د دعوت ۳۰ کاله په پرله پسې ډول چاپ، خپرول او تر مینه والو رسول څه اسان او د هر چا د وس کار نه دی چې دا ټول محمد طارق بزگر صاحب په یواځې سر پرمخ بیایي. نو د لوی خدای (ج) په دربار کې ورته اوږد عمر او قلم یې تاند غواړم.

د دعوت درنو قلمي همکارانو، لوستونکو، مینه والو او په سر کې فرهنگیانو او فرهنگپالو څخه هیله لرم چې دعوت درنې میډیا او په سر کې د دعوت دروند مشر محمد طارق بزگر صاحب یوازې پرې نږدې لکه چې تر اوسه یې یواځې پریښې نه دی. په راتلونکې کې همداسې خپلې ټولې مادي، معنوي او فرهنگي مرستې رواني وساتي، تر څو په بهر کې زموږ دا فرهنگي / کلتوری شمع تل روښانه وي.

شتوتگارت- جرمنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده

ډاکټر صلاح الدین سعیدي

دعوت په خپل دعوت او رسالت کې د افتخار وړ او د میډیا د کورنۍ یوه بامسؤولیته برخه ده او د لمر حیثیت لري. هغه لمر چې د هغه په راختو سره د نورو ستورو وجود کم رنګه او یا ډېر ضعیفوي.

زه د دعوت د ویبپاڼې سره له یوې لسیزې زیات ډېر کلک روابط او علایق لرم او د دې پاڼې او نشراتو نه مو پوره پوره ګټه اخېستې او په ټولنه کې د هغې مقام ستر او د افتخار وړ بولم او دی.

الله (ج) دې د دعوت ټولو کارکوونکو او تنظیمونکو ته او په ځانګړي توګه جناب محمد طارق بزګر، تاسې ته اوږد عمر، کامل صحت او نورې بریاوې په برخه کړه. ستاسې با مسؤولیته او ستر تنویري کار د الله (ج) او افغان ملت، افغانستان او انسانیت په ګټه، سولې او ښه تفاهم په ګټه، د قدر وړ، انشاء الله د ستر اجر موجب او ستر کار دی. اجازه راکړئ ستاسې نه د حق د لارې د کلتوري مرکز او د افغان ستراتیژیک مرکز د علمي شورا په نمایندګۍ او د ځان لخوا مننه او قدر داني وکړم. الله (ج) مو نور هم کامیاب او بریالي لره. ومن الله التوفیق

(c) ketabton.com: The Digital Library

ډیر څه مې له دعوته زده کړه،
او ډیر څه نه پکې خبر شوم

نجم شینواری

د دعوت خپروني د ۲۹ کلیزې په ویاړ!

بزګر صیب! زه به درته ووایم، په ۲۰۰۲ کال چې زه مصر تـه د تحصـیل لپاره لاړم، نو په عربي هم سم نه پوهیدم، اخبار، تلویزیون هرڅه عربي، یو څه موده و روسته چې مصر کې د پښتوانیو افغان محصلینو سره لږ بلد شو، او د هغو کوټو ته تګ راتګ پیـل شـو، یـوه ورځ مـې د یـو افغـان محصل ګلاب سید په کوټه کې د دعوت خپرونه ولیده، ښه په غور مې ولوستله، ډیر مطالب پکې وو چې ماته نوي وو، ما فکر کاوه دعوت خپرونه کوم ملګـري چـې نـوي راغـلي هغـو ځـان سره د پیښـور نـه یـا افغانسـتان نـه راوړې ده، ملګـري نـه مـې وپوښـتل دا مـو پاکسـتان نـه راوړي..؟ هغه وویل نه. دا له اروپا نه راځي..؟ ما ویل نو څنګـه راځـي؟ وایي دا په اروپا کې ځیني افغانان چاپوي، او بیا یـې پـر افغانـانو مفتـه ویشي، وایي تر مـا د مخـه دا پـه بنـډلونو راتللـه، چـې چاتـه راتلـه هغـه محصلین تللی، خو خپرونه اوس هم په دي ادرس راځي... بیا بـه نـو زه هم ورته انتظار وم، چې رابه غله نو هغه به ولوستله، وروسـته بـه زمـا وار وو.. ډیر څه مې پکې زده کړه، او ډیر څه نه پکې خـبر شـوم، او ډیـرې دعاګاني مو درته هلته کولی.. ولو چې ما تاسي نه پیژندلی... خو قسمت مو وو... او د پیژندګلوئ هم یو جالبه کیسه ده... که تاسي ته یاده وي... ماته خو یاده ده... خوښ او اباد، سوکاله او د هیواد او ملت خـدمت تـه تل تاند اوسې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت رسنۍ، نهه ویشت کلنه شوه

عظیم الدین علیمي

دعوت رسنۍ نهه ویشت کلنه شوه. څه د پاسه شل کاله د دعوت میاشتنۍ خپروني د لوستني ویاړ را په برخه دی. دعوت د خپل نشراتي ژوند بشپړتیایي پړاوونه په ډېره ښه توګه وهلي او د رسنیو په کتار کې یې خپل ویاړلی ځای موندلی دی. دعوت په ډېر لږ وخت کې د هیواد د ادیبو، ژبپوهو، تاریخپوهو، ټولنپوهو، سیاستپوهو او په نورو برخو د مسلکي لیکوالانو پام ځان ته واړولی او د هغوی همکاري یې خپله کړې چې په پایله کې د نشراتي ډګر ځلانده خپرونه ګرځیدلې او په زرګونو لوستونکي یې موندلي دي.

په تېرو کلونو کې دعوت په بشپړې ناپلوۍ سره د هیواد ستونزې له ملي دریځه څیړلي او د هیوادوالو د اذهانو په روښانتیا کې یې خپله ملي دنده ترسره کړې ده.

د دعوت میاشتنۍ خپروني له لارې، د افغانستان ځوریدلو خلکو ته د خدمت په موخه، د رسنۍ د مؤسس او د امتیاز د خاوند، ښاغلي محمد طارق بزګر، شپه ورځنۍ هڅې او زیار د ډېر قدر او ستاینې وړ دي.

د دعوت خپروني د نهه ویشتمې کلیزې په مناسبت ښاغلي بزګر صیب، د خپروني قلمي همکارانو او لوستونکو ته مبارکي وایم او د بزګر صیب د لا زیاتې بریا هیله کوم.

هیره دې نه وي چې ښاغلي محمد طارق بزګر د دعوت میډیا ۲۴ په نامه د ویبپاڼې خپروونکی هم ده. دې لارې یې هم د قدر وړ خدمتونه ترسره کړي او تر سره کوي یې.

(c) ketabton.com: The Digital Library

سالروز «دعوت میدیا» خجسته باد!

استاد صباح

برادر گرامی، محمد طارق «بزگر»، دست اندرکاران کمپلکس دعوت میدیا و خواننده گان گران قدر دعوت، فرا رسیدن سالروز دعوت را صمیمانه و مخلصانه تبریک عرض نموده، سعادتمندی، کامگاری و موفقیت های شمارا تمنا دارم.

دعوت میدیا طی موجودیت پُر بار خویش، کار های زیاد تاریخی، روشنگری، تحلیلی و ادبی و فرهنگی را انجام داده است که بدون مبالغه یک سر و گردن از دیگران بیشتر درخشیده است.

اکنون دعوت در خانه خانهء هموطنانش راه باز کرده و حتی در کانادا و امریکا، علاقه مندان و خواننده گانی فراوان دارد.

دعوت، مردانه و رسالت مندانه در پرتو آزادی قلم و بیان بدبختی و فلاکت ملت را منعکس و بیشتر روی قضایای ملی و میهنی و چور و چپاول سرمایه های وطن و مسایل گسترده متمرکز بوده است.

حافظ، وظیفهء تو دعا گفتن است و بس
در بند آن مباش که نشنید یا شنید

در فرجام برای همهء تان صحت و سعادت و برای میهن آبادی و ترقی تمنا دارم و آرزو می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت له هماغه لومړۍ ورځې خپل روښانه افغاني دریځ درلود

ډاکټر لطیف یاد

د دعوت درنه پاڼه چې د ۱۹۸۸ زیږدیز کال د دسامبر د میاشتې نه یې د ناروې په هیواد کې خپلې خپرونې پیل کړې دي د هیواد د نامتو ژورنالیسټ او لیکوال ښاغلي محمد طارق بزګر صیب په مشرۍ خپرېږي. د خپریدو له هماغه لومړۍ ورځې نه یې خپل روښانه افغاني دریځ درلود او ویې شول کولای چې د نورو افغاني خپرونو تر څنګ چې په بهر کې خپریدلې، خپل افغاني رسالت په ښه توګه سرته ورسوي او ښه وځلیږي.

دعوت د پښتو ژبې، ژبپوهنې، دینې، ټولنیزو، تاریخي، فرهنګي، کلتوري او علمي برخو کې د خپل تاسیس له لومړۍ ورځې نه تر اوسه پورې چې دا دی نهه ویشت کلونه یې پوره کیږي، ډېر په زړه پورې مطالب خپروي او خپاره کړي یې دي.

د دعوت میډیا سینټر په برکت اوس دعوت په پښتو، دري او انګریزي ژبو هم خپروني کوي چې دغه ګام یې په رښتیا سره هم د قدر او ستاینې وړبولم.

زه د دعوت د ویاړلې پاڼې د نهه ویشتمې کالیزې په ویاړ ښاغلی بزګر صیب ته مبارکی وایم او ده ته د لا زیاتو بریاوو هیله کوم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت، دعوت میدیا او محمد طارق بزگر

عاشق فنا

دعوت، دعوت میدیا او محمد طـارق بزگـر د اوسـنی نړیـوال سـیاسی- کلتوري تاریخ زرینی پاڼی دي. په دی زرینو پاڼو به کتابونه ولیکل شی او د بشری افتخاراتو په خزانه کی به خپل ځلانده او روښانه ځای ولری. طارق بزگر، دعوت او دعوت میډیا د افغانستان او افغانانو په ټولنیز ژوند کی د نوښت، بدلون او مثبت پرمختګ، علمی او منطقی زیری دی.

بزگر، دعوت او دعوت میډیا هغه انسـانی روښـانه څراغونـه دي چـی د ټولنی تاریکو برخو ته د علم، سعادت، پرمختـګ، آزادۍ او خپلـواکۍ رڼا خوروي.

د دعوت هره شیبه، هر ساعت، هره ورځ او هر کال دې ټول بشریت تـه مبارک شي!

عاشق لونګین فنا

مبتکر و صاحب امتیاز مدال جهانی «انسانیت، صلح، علم»

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و نُه ساله گی رسانهٔ دعوت میدیا پُر میمنت

ف. هیرمند

مدت زیادی نمی شود که نوشته های ناچیزم را به وبسایت «دعوت میدیا» می فرستم که جناب طارق بزگر اداره و رهبری آن را عهد دار می باشد. این رسانه به دلیل نشرات ملی گرایانه اش، خواننده گان بی حساب دارد و با انتشار مسایل و مطالب روشنگرانه و وطنی و ملی خود عطش خواننده گان بی حساب هموطن خود را فرو می نشاند.

رسانه ای که مقتضیات زمان را بداند و به این درک اش مطمئن باشد که سرزمینی که برای خاک و مردمش نشرات دارد، نیازمند دریافت مطالب، اطلاعات و معلومات مشخص می باشد.

این کشور در وضعیت وخیمی به سر می برد و نیاز اساسی دارد که در تحکیم و صیانت اتحاد باشنده گان آن کار خالصانهٔ نشراتی به عمل آید و با این انتشارات، وحدت آنان هرچه بیشتر استحکام یابد و از ارزش های سرزمین یک پارچه و واحد کشور در هر گام تبلیغاتی، نگهبانی شده و در همین روند از دارایی های مادی و معنوی و هر داشتهٔ افغانستان حراست به عمل آید.

وبسایت «دعوت میدیا» در این عرصه ها با مسؤولیت و حساسیت قابل توجه کار و نشرات می نماید و مساعی به خرج می دهد تا این آرمان ها با دقت و مؤثریت مطلوب تحقق یابند.

برای جناب طارق بزگر و سایر گردانندہ گان نجیب این رسانه دعا و تمنای پیشرفت های بیشتر و بیشتر را دارم. افتخار ماحصل فعالیت رسانهٔ دعوت میدیا به همهٔ شما مبارک!

(c) ketabton.com: The Digital Library

د دعوت درویشتمه کلیزه دې مبارکه وې

انجنیر فضل احمد افغان

زما ګران ده فضل او پوهی خاوند ورور جناب محمد طارق جان بزګرصاحب ته ده زړه له کومي سلامونه او نیکې هیلی تقدیمه وم.
زه ډیر خوشحاله یم چه د دری کالو را په دیخواه ستاسی د ډیر درونـد علمی، دینی، سیاسي او اجتماعی ویبپاڼې نه استفاده او ډیری ارزشمنده زده کړې ورنه کوم. زه په اطمینان سره ویلای شم هغو وطنوالـو چـه پـه تیرو درویشت کالو کی ستاسی د دعوت خپرونو نـه ګټـې پورتـه کـړی وي بایـد اوس پـه دینـی، سـیاسي او اجتماعـي علومـو کـی لکـه یـو اکادیمسین په څیر د ملي او بین المللی چارو باندیې هر اړخیز بحث او لیکنی وکړی.
زه ویاړم چه د دعوت د ویبپاڼی سره اړیکې لرم او ښـی زده کـړی ورنـه کوم. زه تاسی ګران او قدرمند ورور ته چې خپلـې شـپې او ورځـی مـو د ګرانو وطنوالو په چوپړ کی د دین، سولې، آزادۍ او اسـتقلال لـه پـاره وقف کړی دی او د وطنوالو له پاره زحمت باسۍ د پاک الله نه ستاسـی نور بـری غـواړم او د دعـوت درویشـتمه کـالیزه د زړه لـه کـومی تاسـی او ټولو ګرانو وطنوالو ته مبارکی وایم. خدای دی مل شه!

(c) ketabton.com: The Digital Library

بیست و سومین سال پُر فیض دعوت مبارک باد!

انجنیر فضل احمد افغان

برادر دانشمند و نهایت گران قدر جناب محمد طارق جان بزگر با عرض سلام های آگنده از محبت، اذعان می دارم که من در مدت سه سال اخیر با داشتن افتخار استفاده از ویبسایت وزین دعوت، توفیق حاصل نموده ام که با دور نمودن پرده های تاریک، بی علمی خود را با مسائل سیاسی، اجتماعی و علوم دینی منتشرهء ویبسایت وزین دعوت تنویر کنم. به یقین آن خواهران و برادران هموطنم که در بیست و سه سال گذشته از نوشته های علمی دانشمندان نخبهء کشور عزیز ما در دعوت مستفید شده اند، امروز به حیث شخصیت های علمی برای نسل های امروزی و بعدی رهنمای خوبی خواهند بود. لهذا وظیفهء خود می دانم که با قدردانی از زحمات شما در پیشبرد وظیفهء مقدس ملی که عبارت از تنویر و آگاهی هموطنان از اندیشه های علمی دانشمندان و شخصیت های ملی هموطن ما، خاصتاً در این مقطع زمانی که مادروطن عزیز در آتش جنایتکاران داخلی و خارجی می سوزد، میباشد. این مؤفقیت بزرگ را به شما برادر عزیز و هموطنان میهن دوست خاصتاً دانشمندان گران قدر که با استفاده از دعوت و نوشته های ارزشمند علمی شان ما را تنویر می کنند، از صمیم قلب تبریک عرض و از بارگاهٔ خداوند متعال، آرزوی مؤفقیت های مزید شما را می کنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

د ادیسی ادبی ټولنې پیغام

پښتون هر وخت د توپک او جنګ په دوستور ویاړلی دی، ده دا دوستور لمانځلی دی، او د تاریخ پاڼې یې هم په د دستور رنګینې کړې دي، نو ځکه د پښتانه په کور کې د جنګ او د دغه ویاړلی تاریخ دغه بدرنګ دستور لا تر اوسه هم لمانځلی کیږي؛ خو بل طرف پوهه او قلم دي چې نن پرمختللې جهان ترې برخمن دی او راتلونکې یې هم روښانه ښکاري، مګر پښتنو پدې برخه کې ډیر کم فکر کړی دی چې د پوهې او قلم سړی د سر سړی بلل کیږي، خو دا بیا زموږ ګاونډیو هیوادونو درک کړی ده چې زموږ د پوهې او د قلم سړی یا د مرګ کندې ته ورغورځوي، یا دوی باید د غربت شپې د بل په دیار کې صبا کړي او موږ لا تر اوسه پدې فکر کې نه شوو چې د پوهې او د قلم خاوندان باید ولمانځل شي، ونازول شي، تر څو پدې لار کې نور خواري هم وکړي.

جنګ په هر رنګه حالاتو کې پښتون ګټلی دی، خو ارامه او هوسا ژوند نلري. علت یې دا دی چې پښتون جنګ ګټلی دی، خو قلم یې بایللی دی.

د افغانستان په ټولنه کې عموماً ډیرو کمو خلکو دیته پام شوی دی چې علم او پوهه د یوه هیواد راتلونکی مسیر ټاکي. هغه چا چې د علم او پوهې څخه ګټه لیدلې او ترې خوشاله دی، ځکه چې ده په دغه لاره کې ډیر زیار او زحمت ایستلی دی چې نورو ته یې هم ګټه ورسیږي، ژورنالیست، لیکوال ښاغلی محمد طارق بزګر صیب یادوم.

ښاغلی بزګر صیب د ژوند په دغه راز پوهیدلی دی چې علم او پوهه د انسان راتلونکې تقدیر او تدبیر کې جوړونکی رول لري، او همدغه علمي پوهه ده چې نن انسان تر مریخه هم رسیدلی دی.

ښاغلی بزګر صیب د پښتنو او پښتو ژبې له حاله خبر سړی دی، او ده محترم دا درک کړی ده چې هر انسان باندې خپله ژبه، وطن، او خپل اولس دا حق لري چې ورته خدمت وکړي، نو ځکه باید سړی په ځان شپه او ورځ یوه کړي او عملي کار وکړي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلی بزګر صیب دا په ثبوت رسولی ده ، چی همدم ګړی د دعوت ورځپاڼی او دعوت ویب پاڼی چلونکی مسوول دی، او همدارنګه په علمی سیمنارونو کی برخه اخسیتل، ژورنالیستکی او ادبی هلی ځلی یی بله بیلګه ده.

ښاغلی بزګر صیب د ملی یوالی په برخه کی هم بی تفاوته نه دی پاتی شوی، او نن یی خپل ځان تر هغه سرحده رسولی چی موږ یی باید قدر وکړو او ستاینه یی وکړو.

د ښاغلی بزګر صیب د لمانځلو ورځ به نورو ته هم دا جرات ورکړی چی دوی به هم په دی لار کی زیار او زحمت وباسی، او په دی به پوه شی چی عالم او پوه انسان د قدر وړ دی او بس.

ښاغلی بزګر صیب ته د اوږد ژوند هیله لرو، په علم، پوهه او قلم یی برکت شه او په اخیر کی د سویډن په هیواد کی زموږ مسافر میشتی ورونه ((د زلمو پاڅون)) ته د ښاغلی بزګر صیب د لمانځلو ورځی مبارکی وایو، ستاسو په همت او وطنپرستی افرین. ستاسو د لا نورو بریاو په هیله.

د ادیسی ادبی ټولنی مشرتابه شورا

(c) ketabton.com: The Digital Library

دعوت د هر چا نظر او هیلې خپرې کړې دی

نیک هدایت څائی

نیکې هیلي او سلا مونه!

زه د دعوت اخبار ۲۳ کلنۍ په اړوند او همدارنګه دعوت ویبپاڼې او د پښتو لمړني انټرنېټي تلویزیون په اړوند کوم چه په ډیرو مالي مشکلاتو او کمو امکاناتو د هیواد تکړه او پر افغانستان مین خبریال او لیکوال قدرمن محمدطارق بزګر تر مدیریت او مسئولیت لاندي په کار او فعالیت شروع کړي ده، خورا اغیزمن او مثبت ارزوم؛ ځکه چي د هر چا نظر، هیلې یې په دعوت کې خپرې کړې دې؛ پوره بې طرفي، استقلالیت، رښتینولي او د هیواد د وولسونو، قومونو، لیکوالانو او شاعرانو نظرونه او شعرونه یې کټ مټ نشر ته سپارلي دي. نو له دې کبله دعوت ۲۳ کلیزه د دعوت رهبرۍ هیئت، همکارانو، لوستونکو او ټول افغان وولس ته د زړه له کومي مبارکي وایم. د لوي خدای (ج) له درباره ورته لاډیرې بریاوې غواړم. ورسره هیله کوم چي افغانان دعوت اخبار، ویب پاڼې او د لمړني پښتو ټلویزیون سره تر خپل توان پوري مالي مرستي وکړي، ترڅو دعوت اخبار او دعوت ټلویزیون لاغني شي. ستاسو لابریاوي زما هیله او ارزو ده.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم

محمد ایاز نوری

د دعوت د رسنیو د مرکز محترم مشر، افغان ملی شخصیت محمد طارق بزګر او ملګرو ته! سلامونه او ښې هیلې وړاندې کوم. ستاسو د دعوت د مجلې او ویب پاڼې درویشت کلنه کلیزه د زړه له کومې درته مبارکي وایم. غواړم په اضافه عرض کړم، چې د دعوت د مرکز موجودیت او خپرونې زمونږ د افغاني ټولنې د اکثرو په ژبه یعنې په ویاړمنه پښتو ژبه دا پخپله د لمړي او بنسټیز لوی اهمیت وړ موضوع ده، ځکه زمونږ ملي ژبه پښتو ډېره محکومه پاتې شوې او ډېر ظلم او خیانت ورسره شوئ او دا کرغیړنه لړی همدا اوس هم روانه ده. په دې بهیر کې زه د دعوت د مجلې او ورسره موازی د ویب پاڼې تاثیر خورا لوی بولم او په ځانګړي توګه د خپل ورور د افغان ملت خدمتګار محمد طارق بزګر صاحب زیار او قرباني ډېره ستایم. که د بزګر صاحب ملي احساس او مستمر زیار نه وای د دعوت نشراتي مرکز به نن داسې لوړ بریالیتوب ته نه وای رسیدلی.

د دعوت نشرات تل د ملت په دفاع او د حقیقت په ویلو استوار ول او دي. قلمي همکاران یې هم ټول افغان لوړ ملي او د لوړ انساني احساس درلودونکي افغانان پاتې شوي دي. او البته کله چې یوه رسنۍ د یوه واقعاً ملي مبارز شخصیت لکه محمد طارق بزګر صاحب له خوا اداره کیږي، معلومه ده، چې هلته ملي خاین ور نشي ورټکولای.

د دعوت انټرنټي جال هم ډېر ښه پرمختګ کړئ او کافي افغانان یې په دننه د هیواد او بهر کې هره ورځ او شپه ګوري او خپله لازمه استفاده ورڅخه کوي.

د دعوت د ویب پاڼې په هکله زما یو وړاندیز دا دئ، چې د هر لیکوال په نوم، یوه د آرشیف او اسناد ساتلو کوټه پکې ضرور ده، د لیکوالانو د آرشیف په نوم چې که خپله اړونده لیکوال او یا هم بل محترم لوستونکی وغواړي، څه مطلب ته مراجعه وکړي او په سهولت سره هغه مطلب ورته تیار او ورپه لاس ورشي.

(c) ketabton.com: The Digital Library

زه د یوه افغان په حیث، چې هیـواد او ملـت مـې ډېـر راتـه گـران دئ د دعوت د نشراتي مرکز ۲۳ کلني هر افغان پال او آزادی پـال وطنـوال تـه ورمبارکوم. عالیقدر محمد طارق بزگر صاحب ته شه روغتیـایي حالـت نوي او نوي بریالیتوبونه په شخصي او ملي ژونـد کـې د لـوی الله څخـه غواړم. بزگر صاحب! یوازې نه یې او ملت درسره ولاړ دئ.

په درنښت او افغاني احساس سره
د افغانستان یو خدمتگار
محمد ایاز نوری

(c) ketabton.com: The Digital Library

منه، ستاینه او خواله

استاد محمد اسمعیل یون

ښاغلی فرهنګپال او فرهنګپال محمد طارق بزګر ته!
سلامونه او احترامونه مې ومنه، هیله لرم په ټولو نیکو ورځنیو چارو کې بریمن اوسې. تیر کال مې پېښور کې د ((دعوت)) یوه ګڼه ترلاسه کړه> رښتیا خبره ده چې سترګې مې پرې خوږې او د زړه باد مې پرې کیناسته. ډیره موده کېده چې د داسې یوې خپرونې په لټه کې وم چې زموږ د ورځني ژوند د ناخوالو انځورګره وي، خو د ډیرو خپرونو کتنه او د هغو له چلوونکو سره به مو چې لیدنه وکړه نو چا به د ټاکلې ((پالیسۍ)) په وجه، چا د ((مجبوریت))، چا به د ((نزاکت)) د ساتلو په وجه د ټکېدلو زړونو د فریادونو له خپرولو او د پېښو د پېښوونکو د څیرو له ښکارندویي څخه اوړې تشولې. خو دلته هم د ځینو اشخاصو له خوا ځیني وختونه یوه نیمه داسې هڅه شوې ده چې زموږ د ډیرو دردونو د یوه درد انځورنه پکې وي، خو داسې خلاص مټ او زغرده توګه چې ((دعوت)) د پېښو څرګندونه کوي، زموږ په اوسنیو خپرونو کې یې بیلګې ډیرې لږې دي. په ځانګړي ډول هغه ستر او ملي رسالت چې خپرونې یې باید پوره کړي، هغه په دعوت کې زیاته ځلا او تجلا مومي.
آره خبره خو دا ده چې ډیر کلونه کیږي زموږ د ژبې، فرهنګ او ملي هویت ړنګوني او له منځه وړلو لپاره د نژدې او لرې دښمنانو له خوا ښکاره او پټې هڅې رواني دي، خو اوس اوس دا هڅې په بشپړ ډول څرګندې او په ډاګه شوي دي. دا ستم له پخوا کلونو راهیسې هم روان وو، نو که چا د پښتو او پښتنو د حقوقو د غوښتنې خبره رادمخه کړې وای، نو سمدلاسه پرې څو ډوله رنګینه ټاپې لګول کېدې. د ((ملحد واکۍ)) په شپو ورځو کې که چا د پښتو خبره رامنځته کړی وای نو هغه خو د ((فاشست)) په نوم یوې کندې ته غورځول کېده، خو د نورو قومونو او ژبو په ځانګړي ډول د ((فارسي)) له پاره بیا خبره سرچپه وه. کوم (پښتانه) [!] چې په دې پړاو کې پر څوکۍ ناست وو هغو ځانونه (انترناسیولستان) [!] بلل، کله چې ((ملا واکي)) راغلـه نو دوی خو لا

(c) ketabton.com: The Digital Library

نور هم په پښتو او پښتنو خاورې واړولي او ويې ويل پښتو او پښتونولی خو په اسلام کې نشته، د اسلامي حکومت پر نوم چې کومه اخوانی ستمي، پرچمي ستمي او ستمي اداره په کابل کې جوړه شوه د نورو بې شميره ورانيو تر څنګ يې د افغاني ـ پښتني ارزښتونو او کلتوري شتمنيو په ړنګوني او لوټوني پيل وکړ. دې کار کې له دوی سره د سيمي ځينې هېوادونو د افغانستان او په خانګړې ډول د پښتنو لرې او نږدې، نوو او زړو دښمنانو هم ګډون درلود او لري يې.
لکه څنګه چې څرګنده ده د روس په ماتې او په شا تمبولو کې پښتنو غوڅ او ټاکوونکی رول درلود، خو بيا هم له هغو وروسته د اسلامي حکومت په نوم يو پښتنی ضد نانـدريزه اداره جوړه شوه د ((شنې ليکی)) پيروانو ځانونه په لوی سمندر کې لاهو کړي وو، ځانونه يې د ((پان اسلامستان)) ګڼل او د خپلې ژبې او قوم په باب يې هغه د چا خبره غوړ هم نه ګراوه. په پايله کې پښتانه په ټوليز (کلي) توګه په څو ډلو وويشل شول: [۱] انترناسيونالستان (د سرې ليکی پلويان)، [۲] پان اسلامستان (د شنې ليکې پلويان)، [۳] بې تفاوتان (بې خبره پښتانه)، [۴] پښتو ضد پښتانه يا ستمي پښتانه (هغه پښتانه چې خپله ژبه يې هېره کړې او عملاً د پښتو په ضد ودريږي)، [۵] روڼ اندي (روڼفکره) باشعوره پښتانه (هغه پښتانه چې هم د اند، هم د احساس له مخې عملاً پښتو ژبې، هېواد او پښتونولۍ ته خدمت کوي. د دې ډول پښتنو شمير ډير زيات نه دی، ايله دومره ځواک لري چې له ستمي پښتنو سره يې مقابله کې ولګوي. د انترناسيونالستانو او پان اسلامستو پښتنو غم خو لا پريږده چې وخت په وخت يې پښتو ژبې او پښتنو ته درانه زيانونه اړولي دي.
کله چې مې د ((دعوت)) خپرونه ولوسته د دغو ټکو او پېښو انځورونه مې پکې ولوستل. د ناوړه پېښو له لوبغاړو څخه پکې پرده پورته اوچته شوې او نوره هم اوچتيږي. موږ خو اوس لاس تړلی، او فکر تړلی اولس يوو، خو د احساس لاسونه او پښې مو څوک نشي تړلی.
تر کومه ځايه چې په نورو ژبو او لږکيو قومونو پورې اړونديږي، پښتو پالنه او يا پښتونولي د چا له ژبې سره د کينې او تعصب مانا نه لري. روڼ اندي پښتانه په دې اند دي هغه حق چې فارسي ژبو ځان ته

(c) ketabton.com: The Digital Library

حاصل کړی او ساتلی، پښتانه هم باید ورڅخه برخمن شي. پخپله ژبه لیک لوست، وینا او ګړېدل جرم نه دی. او که دا کار جرم وګڼل شي نو د نړۍ ټول قومونه مجرمین دي.

ښاغلی بزګر صاحب! موږ اوس په هېواد کې له نوموړې ستونزې سره مخ یوو، زموږ د زړونو په درد تاسو ښه پوهیږئ، ځکه چې همدا درد ستاسو په زړه کې هم څپې وهي. مونږ به هڅه وکړو د پورتنیو اندیښنو او ستونزو په باب تاسو ته څه لیکنې درولیږو، خو مونږ او ستاسو تر منځ غرونه، غرونه، سیندونه، سیندونه او هېوادونه، هېوادونه فزیکي واټن دی، که لیکونه او لیکنې مو ناوخته دررسیدلی، نو دا به د زړونو واټن نه وي بلکې د فزیکي مزلونو واټن او د وسیلو او وسایطو د نشتون لامل (علت) به وي.

په مینه او درناوی
ستا د پښتنی او انسانی لارې یو بل یون
مارچ ۴/۱۹۹۶- پېښور

(c) ketabton.com: The Digital Library

په سټوکهولم کې ښاغلي محمد طارق بزګر وویاړشو
د زلمو پاڅون ټولنه

د زلمو پاڅون ټولنې په نوښت، د ژمنې سره سم د ۲۰۱۱ کال د ډیسمبر په لسمه په سټوکهولم کې د ګران هیواد افغانستان د ویاړمن فرهنګي شخصیت او نومیالي ژورنالیست ښاغلي محمد طارق بزګر په درناوی، ستاینغونډه جوړه شوه. دې غونډې کې د سویډن د مالمو ښار او د سټوکهولم له بېلابېلو کمیونونو څخه افغانانو ګډون کړی وو. ډیری ګډونوال د هیواد ځوان پښت وو. یو شمیر یې د زلمو پاڅون ټولنې غړي او په ټوله کې د هیواد راتلونکي علمي او فرهنګي شتمني ده چې پخپل ګډون سره یې غونډه لا پرتمینه کړې وه. د راغلو میلمنو په منځ کې ښاغلی حبیب الله غمخور له مالموښار څخه دې غونډې سره د مالمو میشتو افغانانو د یووالي او پیوستون بېلګه انځور کړې وه.

غونډې ته د ناکې کمیون (Nacka kommun) د لوړ ښوونځي (لیسه) په کنفرانس هال کې تیاری نیول شوې و چې د زلمو لخوا په پوره نظم او ترتیب سره مخې ته بیول کېده.

غونډه په یوه بجه د ښاغلي قاري واسع لخوا د قرانکریم د څو مبارکو ایتونو په تلاوت پیل شوه، وروسته د افغانستان ملي سرود وغږول شو. روسته ښاغلي انعام هوسا چې د غونډې د کوربه توب چارې یې پر مخ بیولې، ښاغلي محمد طارق بزګر، ښاغلي حبیب الله غمخور او ښاغلي سرلوڅ مرادزي ته بلنه ورکړه چې د غونډې په دریڅ (لوژ) کې خپلو ځایونو ته ولاړ شي. وروسته ښاغلي هوسا د پاڅون ټولنې یو مشر غړي نصرت الله ننګرهاري ته بلنه ورکړه چې د ټولنې په استازیتوب میلمنو ته ښه راغلاست ووایي او د زلمو پاڅون ټولنې په اړه د غونډې برخوالو ته لنډ مالومات ورکړي، چې د ښاغلي ننګرهاري له خبرو وروسته د ناروې څخه د ښاغلي قریب الرحمن سعید پیغام ولوستل شو.

د غونډې ویاند ښاغلي سرلوڅ مرادزي ته بلنه ورکړه چې مایک ته راشي، چې ښاغلي مرادزي د سټوکهولم د استوګنو په استازیتوب یې ښاغلي بزګر او د غونډې نور ګډونوالو ته هرکلي او ښه راغلاست ووایه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

نوموړي د بزګر صاحب د ۲۳ کلن وياړمن فرهنګي خدمت ستاينه وکړه. هغه، ښاغلی بزګر د هيواد ملي ګټو او د افغانانو ملي يووالي ته ژمن شخصيت وباله او د مهاجرت په شرايطو کې يې د ښاغلي بزګر په نوښت او ميړانه د د عوت د جريدي او په را روسته کې ورسره د بريښناپاڼې په بريا چلولو کې د نوموړي هڅې او زيار د قدر وړ وګڼه. هغه په وينا کې زياته کړه، دا چې بزګر صاحب غواړي نږدې راتلونکې کې په پښتو ملي ژبه يو نړيوال تلويزيون فعال کړي او په دې لار کې نه ستړې کېدونکې هڅې کوي. داسې زيار يې د ټولو افغانانو زړه ته لار کړي.

د ښاغلی سرلوڅ مرادزي له عالمانه او هر اړخيزو خبرو وروسته د فرانسې څخه د دروند استاد روستار تره کي پيغام د غونډې ګډونوالو ته واورول شو. له دې روسته يو زيات شمير پيغامونه چې د نړۍ له بېلا بېلو هيوادونو او لويو وچو څخه د هيواد دردمنو ليکوالانو، شاعرانو، ژورناليستانو، د ادبي او فرهنګي ټولنو مشرانو او استازو د ښاغلي بزګر په وياړ او درناوۍ راليږلي وو او په هغو کې د بزګر صاحب ۲۳ کلن فرهنګي هڅې او د ژورناليزم په ډګر کې د نوموړي د زيار او هاند ستاينه شوې، د ځوانانو لخوا غونډې ته يو په بل پسې په لاندې ډول چې په اوږدو چک چکو بدرګه کيدل په لاندې ډول ولوستل شول:

ښاغلي سيف الرحمان شيرزاد د ښاغلي پوهنمل رحمت ځواکمن پيغام له هالنډ څخه، ښاغلي بشرکار د ښاغلي حاجي ولي محمد (ګلستان) پيغام له کوټې څخه، ښاغلي همايون ننګرهاري د نيک هدايت ځاځي پيغام، ښاغلي سمندر خان د ښاغلي انجينر فضل احمد افغان پيغام له کاناډا څخه، ښاغلي جاويد مومند د عمر پاڅون پيغام له جرمني څخه، د مالمو څخه د ډاکټر حکمت الله حکمت پيغام، د مسکو څخه د ښاغلی امرالدين شعر د بزګر په وياړ ولوستل شو. د کابل څخه د ښاغلي قدرت الله هېوادپال پيغام، د بلژيک څخه د ښاغلی امين باوري پيغام او د اوکراين د اديسې ادبي ټولنې پيغام. له دې سربېره د وخت د کمښت په لامل د يو شمير نورو پيغامونو لنډيز د غونډې د چارو د کوربه

(c) ketabton.com: The Digital Library

ښاغلي انعام هوسا لخوا ولوستل شو چې ګډونوالو پخپلو تودو ولولو بدرګه کړ.
د غونډې ورپسې ویناوال له مالموښار څخه راغلی دروند میلمه ښاغلی حبیب الله غمخور و چې په زړه پورې وینا سره یې د غونډې ګډونوال برخمن کړل. نوموړي د خپلې وینا په یوه برخه کې وویل: زما له نظره ښاغلي محمد طارق بزګر نه یوازې فرهنګی شخصیت دی بلکې یوکارنده ژورنالست او تکړه لیکوال هم دی. د دعوت جریدې لپاره تولي سرمقالې د همدې بزګر صاحب په قلم لیکل شوي چې د ده د پوهې او وطني مینې ښکاره بېلګه یې ګڼلای سو.
ښاغلی محمد طارق بزګر نه یوازي د بیلوبیلو مقالو په لیکلوسره بلکې د (۲۳) کاله په پرله پسې توګه د افغانستان د ډله ایزو رسنیو په اسمان کښې د دعوت په نوم جریدې د خپرولو شمع روښانه ساتلې ده او له دې لارې یی نه یوازې دا چې د خپلو لیکوالو او سیاسي څېړونکو نظریات تر هیوادوالو او نړیوالو رسولي، دا دي اوس یی د ۱۹۹۷ کال راپه دیخوا د دعوت جریدې د خپرېدو تر څنګ دعوت ویب پاڼه پرانیستي او له دې لارې هم د افغانستان او نړۍ په ګوټ ګوټ کښې افغان لیکوالو ته د خپلو نظریاتو، علمي او ادبي لیکنو د خپرولو پوره امکانات برابر کړي دي.
ښاغلی غمخور د خپلو خبرو په ترڅ کې وویل چې بزګر د نړیوالو لیکوالو او ژورنالستانو له خوا یاد شوي او مننه ترې شوې ده او د خپلې دې خبرې له پاره یی د امریکایی لیکوال ښاغلی بروس ریچاردسن د کتاب حواله ورکړه چې پښتو ژباړه یی ((افغانستان: رښتیا پلټنه)) نومیږي، چې دا د ټولو افغانانو له پاره د ویاړ ځای دی او د دغه کتاب لیکوال د ښاغلی بزګر څخه په دغه کتاب کې مننه او یادونه کړې ده.
ښاغلي غمخور، بزګر صاحب ته راوړې ډالۍ ورکړه، چې ښاغلي بزګر په ډېرې مننې سره واخیسته.
بل ویناوال ښاغلی حفیظ الدین پیرزاده و چې د بزګر صاحب د فرهنګي او ژورنالیستي ګټورو خدمتونو ستاینه یي وکړه او د ستر لیکوال او شاعر ګل پاچا الفت په خوږو شعرونو سره یې غونډه توده کړه.
همداراز ښاغلي ډګروال حلیمي صاحب هم پخپل وار سره د بزګر

(c) ketabton.com: The Digital Library

صاحب د فرهنگي هڅو په وياړ خپلې څرگندونې نذرانه کړې او د ښاغلي بزگر د تېز او غوځنده قلم ستاينه يې وکړه.
د غونډې د چارو کوربه د چای او دمې لپاره نيم ساعت اعلام کړ او له چای روسته د ښاغلي بزگر په ژوند يو لنډ مستند فيلم وښودل شو چې زلمو پاڅون ټولنې جوړکړی وو.
د غونډې په روستۍ برخه کې بزگر صاحب وينا وکړه او د خپل ژوند لنډ سفر قصه يې ميلمنو ته بيان کړه چې د گډونوالو د پوره پاملرنې وړ وگرځېده.
بزگر صاحب د زلمو پاڅون ټولنې څخه د غونډې د کوربتوب په اړه مننه وکړه. همدارنگه ښاغلي بزگر د هغه افغاني وياړمنو شخصيتونو او فرهنگي ادبي ټولنو څخه چې د ده په وياړ يې پيغامونه رالېږلي وو، دوی ته کورودانې ووايه او د دوی له پيغامونو څخه يې بيا بيا مننه څرگنده کړه.
ښاغلی بزگر په خپلو خبرو کې بيا بيا وويل چې زه ځان د دې وړ نه گڼم! څه چې ما کړي يوازې د يو افغان او پښتون په توگه مې تر خپله وسه خپل مسئوليت پوره کړی دی. او که خبره د دعوت وي د دعوت برياليتوب د دعوت د ټولو ليکوالو او هغو دوستانو دی چې تل يې د خپل وس په اندازه په تيرو ۲۳ کلونو کې د دعوت د ادارې سره قلمي، مادي او معنوي مرستې کړي دي.
بل خوا بزگر صاحب له خپلې خوا څخه د دعوت اخبار يو کوليکسيون، د زلمو پاڅون ټولنې ته ډالۍ کړ او په همدې توگه يې يو کوليکسيون ښاغلي غمخور صاحب ته هم ډالۍ کړ.
په پای کې د زلمو پاڅون ټولنې لخوا يو ستاينليک ښاغلی بزگر صاحب ته د ښاغلی ډاکتر سرلوځ مرادزی او د ښاغلی حبيب الله غمخور په لاس ورکړ شو. غونډه د ځلور بجو شاوخوا کې پايته ورسېده. د غونډې ويديويي فلم او هم د کتاب بڼه به وروسته خپره شي!

درې نۍ د ۱۳۹۸ لمريز کال د غويي ۱۰

(c) ketabton.com: The Digital Library

ګران محمد طارق بزګر

محمد یوسف هیواددوست

یادونه:
د دغه شان یو مدبر او مدقق ژورنالیست لکه ګران محمد طارق بزګر، شتون په افغاني ژورنالیزم کې یو ویاړ او د الهام وړ دی. ستر مشر محمد ګل خان مومند:

پښتو د بن چونی یم شور به کړمه پښتنو ته
تل دوي ته په وینا یم که وم وم که نه وم نه یم

زما خبرې تل سپیني دي او له همدې امله هیڅ مجبور نه یم یا د چا بې ځایه توصیف او تعریف وکړم او یا یې بې ځایه وغندم. د ښاغلي محمد طارق بزګر صیب کار د منلو وړ دی او پوره باور لرم چې د هیواد د ژورنالیزم او په تېره بیا له هیواد څخه د باندې د افغاني ژورنالیزم تاریخ به د هغوی نوم هم په زرینو کرښو ولیکي، دا ځکه چې پوره ۳۱ کاله کیږي چې د ګران افغانستان د ژورنالیزم او ادب د ګلالي بڼ دغه عندلیب او د دغه په زړه پورې بڼ دغه مالیار سره له دې چې له هیواده د باندې په ناروې کې د مجبوریت او مهاجرت ژوند ور په غاړه شوي، زموږ د تمدن زېږونکي هیواد د تاریخ او زموږ د فرهنګپاله ولس د پایښت او ښایست ترانې غږولي، په لکونو مخه پاڼې یې توري کړي، په شپو شپو تر سهاره ناست او د اخبار ډیزاین، څرنګوالی او د مطالبو د ځای پر ځای کولو مشقت یې پر ځان تېر کړی. په لکونو واره یې تا او ما ته ټیلیفونه کړي، فاکس او تیلګرام ته ناست و او له هر چا یې د اخبار لپاره د مطالبو د لیکلو هیله کړې. د وطن په غرو رغو، ښارونو او له خطر نه ډکو سیمو کې د مظلوم غږ تر نورو رسولی او د ظالم او سړي وژونکو نوم یې افشا کړی، د افغانستان او له هیواد نه بهر د لسګونو مطبعو دروازې یې ټکولي، او په زرګونو خپرونې یې تر ما او تا رارسولي.

ګران او نه ستړی کېدونکی ژورنالیست ښاغلی محمد طارق بزګر یادوم! همدغه د یوې کلتوري او علمي کورنۍ په لمنه کې رالوی شوی افغاندوسته فرهنګیال، په دا ټولو ۳۱ کلونو کې یوه شېبه هم د

(c) ketabton.com: The Digital Library

((دعوت)) د ملي او درنې خپرونې له په زړه پورې خپرېدو لرې پاتې نه شو.

((دعوت))، پوره ۳۱ کاله د خپل ملت له رنځونو، دردونو، جهاد، مېړانې، پاڅونونو، سرلوړيو، ښاديو او رازونو سره ملګرى پاتې شو. ((دعوت)) و چې د ((سور))، ((تور)) او ((شين)) ښامار، بدمرغه مخ او ناوړه نيتونه يې ولس او نړېوالو ته بربنډ کړل. ((دعوت)) و چې په سيمه کې يې د ښکېلاک او زبېښاک د ((سترې لوبې)) ټول اړخونه او ((تياره)) ګوټونه روښانه کړل او د ((افغان)) او ((افغانستان)) د دښمنانو له کرکجنو مخونو يې پردې لرې کړې. دغې خپرونې پر خپل وخت او ژر تازه خبرونه تر موږه راورسول.

((دعوت)) د افغاني، ناروژي او نورو نړېوالو ليکوالو او غوره څېړونکو په راجلبولو سره، د غونډو او کنفرانسونو په جوړولو سره د خپلو پاڼو مخونه د مسلکي او لوړې کچې مطالبو، څېړنو، راسپړنو، مرکو، رپوټونو، خبرونو او تحليلونو رنګين کړل. د ژورناليزم ټول بنسټونه او اصول يې په ښه شان مراعات کړل. د ((دعوت)) ژبه د ملت ژبه ده، خوندوره ده، مانا لري، ګونګه او ورکه نه ده، اصلاح شوې او معياري ده، په تېره بيا تل يې پښتو ګرامر او په ځانګړې توګه پښتو ((ى)) ګانې سمې کارولې دي.

لنډه دا چې ((دعوت)) په ټوله مانا د منلو وړ خپرونه خپره شوې او فکر کوم زموږ د وخت يوه اړتيا ده. د دغه شان يو مدبر او مدقق ژورناليست لکه ګران محمد طارق بزګر شتون، په افغاني ژورناليزم کې يو وياړ او د الهام وړ دى.

زه په دې توګه ګران او منلي ورور ښاغلي محمد طارق بزګر ته د ((دعوت)) د ۳۱ کلنۍ مبارکي وايم او د دې خبرې څرګندونه کوو چې موږ ستاسو په دغه ستر جشن کې ځان شريک بولو. بزګر صيب! مننه، کور ودان، په کار او عمر دې برکت شه.

(c) ketabton.com: The Digital Library

ځلوړم څپرکی:
د بزګر څیره

در مستند نارویژی «پناهنده»

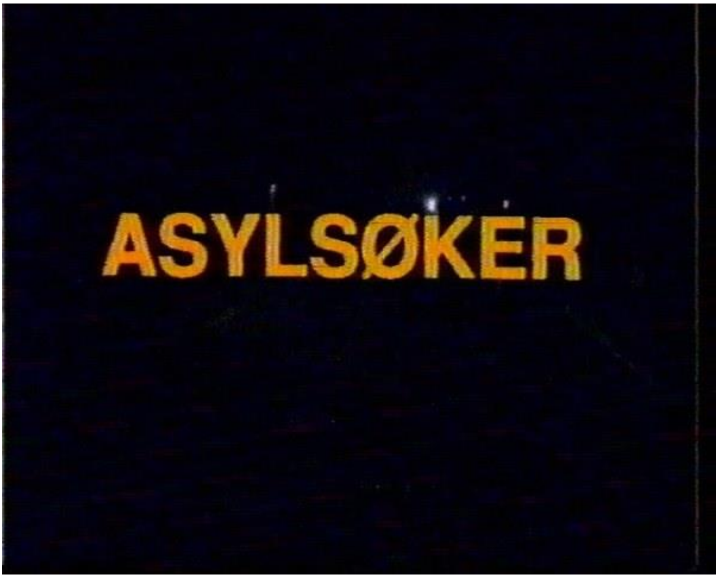

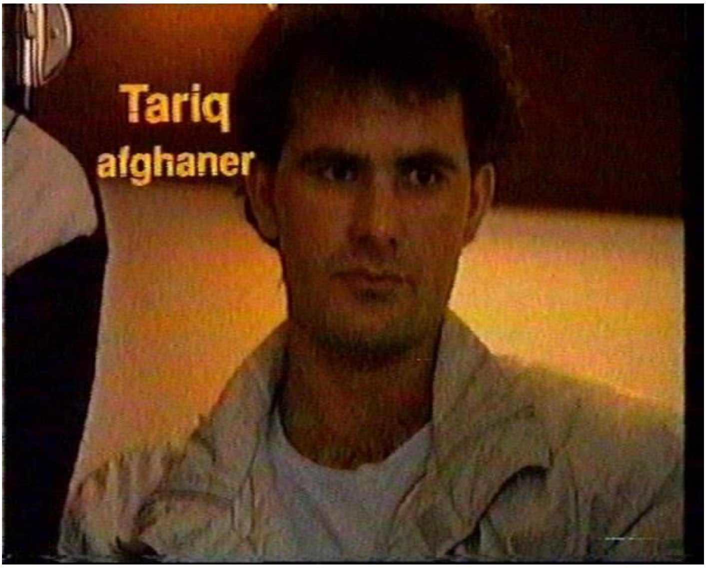

(c) ketabton.com: The Digital Library

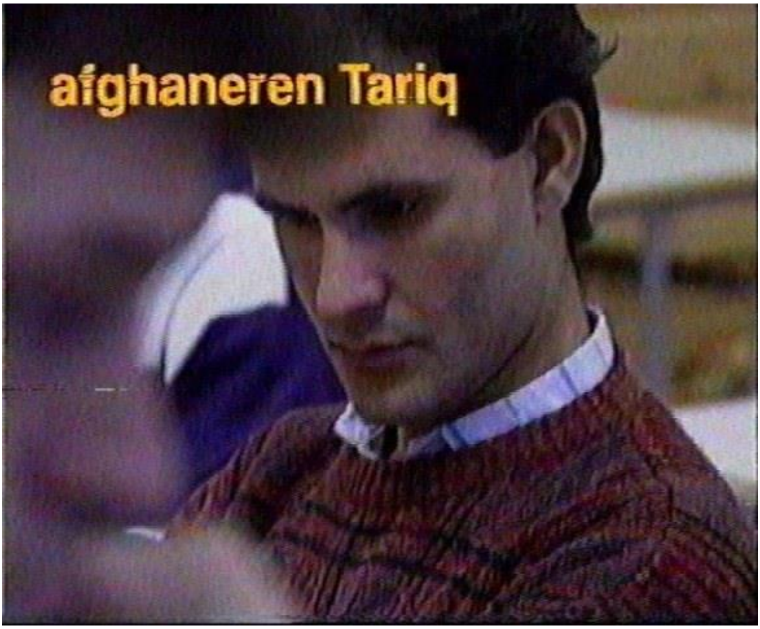

(c) ketabton.com: The Digital Library

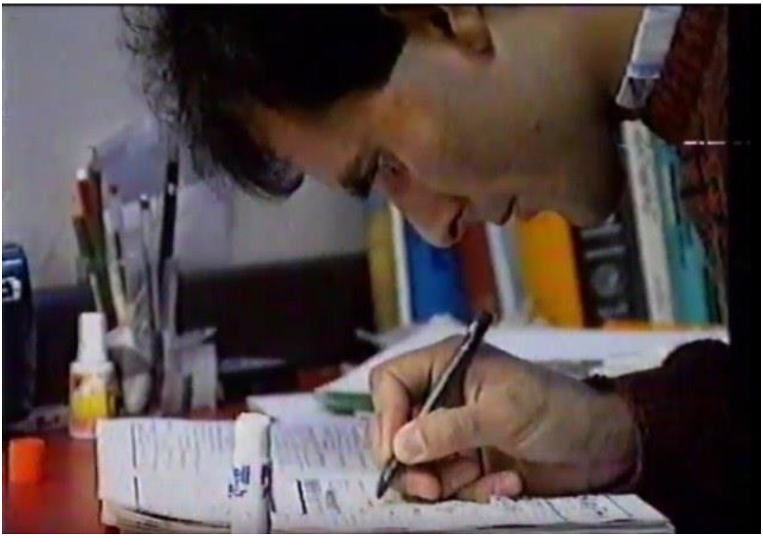

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

در مطبوعات غربی

– Misbrukte Shahs gjestfrihet

KRITISKE: Afghanske Tariq Bazger og kona Nooria har lest Åsne Seierstads bok. – En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

Av GURO HOFTUN GJESTAD og JANNE MØLLER-HANSEN (foto)

Redaktør Tariq Bazger forstår godt at hans venn, bokhandler Shah Mohammad, ble sjokkert da han leste Åsne Seierstads bok.

– Forstår? Jeg mer enn forstår at han ble sjokkert, sier Tariq Bazger. Han har [illegible] for avisen Dawat, som kommer ut til afghanere i 45 land.

– Åsne Seierstad har misbrukt Shah Mohammads gjestfrihet ved å beskrive hans familie og hans privatliv. I Afghanistan heter det at «hvis jeg har spist ditt salt, er jeg en del av din familie. Jeg er takknemlig overfor deg og respekterer deg». Det betyr at hvis du har vært noens gjest, ønsker man ikke vertskapet noe vondt, forklarer Tariq Bazger.

Tariqs kone Nooria leste boken i sommer og reagerte på hvordan Åsne Seierstad beskrev et helt land ut ifra møtet med en familie.

– Åsne Seierstad gir en del feilaktige bilder i boken. En del er bra, men andre ting er helt uakseptabelt, sier Nooria.

– Man skal huske på at

mel og jord. Det finnes dårlige mennesker og gode mennesker begge [illegible] i Oslo [illegible] og la han beskrive det han ser. Da vil han kanskje si at norske kvinner er billige. Rett og slett fordi han ikke kjenner kulturen, sier Tariq Bazger.

Han har truffet Shah Mohammad i Pakistan og kjøpt mange bøker av ham.

– Han gjør en veldig bra jobb. Det finnes mange bokhandlere i Kabul, men han er det eneste som selger bøker til utlendinger i Afghanistan, sier Tariq Bazger.

Overrasket

Som journalist og redaktør er Tariq Bazger svært kritisk til Åsne Seierstads fremgangsmåte:

– Skriver man om Afghanistan og dets politikk, skal man ikke ta hensyn til om makthaverne liker eller ikke liker det du skriver. Men hvis man

(c) ketabton.com: The Digital Library

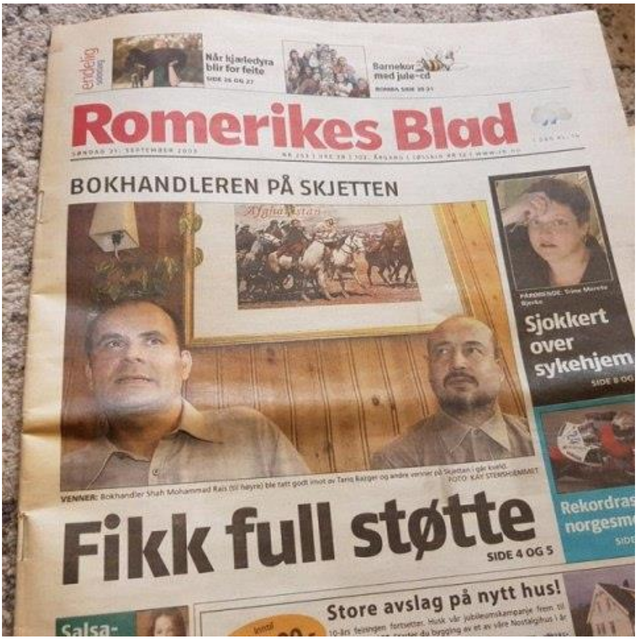
Når kjæledyra blir for feite
Barnekor med jule-cd
Romerikes Blad
BOKHANDLEREN PÅ SKJETTEN
Sjokkert over sykehjem
VENNER: Bokhandler Shah Mohammad Rais (til høyre) ble tatt godt imot av Tariq Karger og andre venner på Skjetten i går kveld.
FOTO: KAY STENSHJEMMET
Fikk full støtte
SIDE 4 OG 5
Store avslag på nytt hus!

Vikebladet/Vestposten
LAURDAG 28. OKTOBER 1989 11

Den stolte, høgreiste 23-åringen frå diplomatfamilien i Kabul prøvde seg på kroppsarbeid for første gong i sitt liv på Skaarfish i Hjørungavåg - med svært dårleg resultat! Ja, det stemmer, det var faktisk første forsøk - om vi då ser bort frå den gongen far til Tariq sette han til å hogge ved i tre samfulle dagar i sprengkulden, som straff for ein dårleg matte-karakter.

• Marit Kvamsten

Geriljaleiaren likar ikkje lettvinte jenter

(c) ketabton.com: The Digital Library

Afghanarane ved asyl-mottaket

Flytter frå Hareid

Ved asylmottaket på Hareid er åtte afghanarar i oppbrots-stemning. Frå Skedsmo kommune utanfor Oslo har dei fått beskjed om at dei er velkomne til å etablere seg. No ventar dei berre på endeleg avreisedato.

• ANNE GRY EILERTSEN

Vikebladet Vestposten

Nr. 48 62. ÅRGANG TORSDAG 3. MAI 1990

Flott 25-års jubileum

Hareid Skulekorps har hatt 25 års-jubileum. Det feira dei først med eit vellukka kitreff for 500 «gjester» frå laurdag til sundag. Så var det jubileumsfest med 200 deltakarar 1. mai.

Fotballen rullar...

Billig på daglegvarer

(c) ketabton.com: The Digital Library

VP - fredag 7. april 1989

LOKAL HØYRING OM AFGHANARANE SIN SITUASJON

RESULTERTE I LOKALT POLITIKAR-OPPROP

PARTIA BØR TA OPP SAKA

Tredje steget

afghanarar

I november kom 10 afghanarar til Hareid. To av desse har i nærare 14 dagar sete i varetekt i Oslo, og i går vart dei sendt attende til Pakistan, som vart sett på som deira første mottakarland. Den eine 15, den andre 19 år gamal. Dei åtte som er attende på Hareid ventar no i spenning på kva svar dei vil få.

PEDER MASEIDE:

Folk å minnast

KR. 80,—

Afghanistan

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vikebladet/Vestposten

Tareq har fått svar

Avslag etter 11 månader

Inga Hareide

Sist fredag fekk Tareq Bargzah frå Afghanistan melding om at søknaden hans om opphaldsløyve her i landet var avslått. I elleve månader har han venta på svaret, vona på at tida var til hans fordel. Han er redd for at det kan bli gjort alvor av dei truguna han har motteke for skrivinga si om han blir sendt attende til Pakistan. Men UDI vurderer saka annleis, dei viser til brudd på 14 dagars-regelen og meiner difor han må reise attende til Pakistan. Framleis held altså departementet fast på at 14 dagars-regelen også skal gjelde for Afghanarane, sjølv om det er allment kjent at det los seg ikkje gjere å flykte direkte frå Afghanistan til eit europeisk mottakarland

Tareq har si utdanning frå universitetet i Kabul med politikk og juss som fag. I hovedsak var han oppteken av politikken i sør- og sentral-Asia. I studietida virka han som distributør av illegal propaganda mot det kommunistiske regimet. Men han vart oppdaga og sett i fengsel i Kabul. Etter ti månader her vart han flytta til eit fengsel i den austlege delen av landet. Men under ei [illegible] å flykte, og kom då [illegible] mujahedin gruppe. [illegible] han leiar for ei avdeling geriljasoldater.

Allereie då fekk han åtvaringar mot skrivinga si. Ein høgtståande leiar av ein annan gruppe, såg med misstro på denne soldaten som hadde si utdanning frå universitetet og ikkje den religiøse skolen. Tareq byrja føle seg truа, og flykta til Pakistan. Men heller ikkje her følte han seg trygg. Dei mektige leiarane hadde og ein høg posisjon i dette landet. I tillegg hadde både KGB og HAD folk plassert i flyktningemiljøa. Tareq såg inga anna løysing enn igjen å kome seg på rømen.

Her i landet har Tareq målmedvete arbeidd for heimlandet sitt, og har ikkje vore redd for å stå fram med meininga si. [illegible] Han har [illegible] [illegible] [illegible] med god[...]ord, han har blitt truga på livet både over telefon og pr. brev.

Tareq vil anke avgjerdsla. Så er han i alle fall trygg i denne tida. Lenger fram tør han ikkje tenkje.

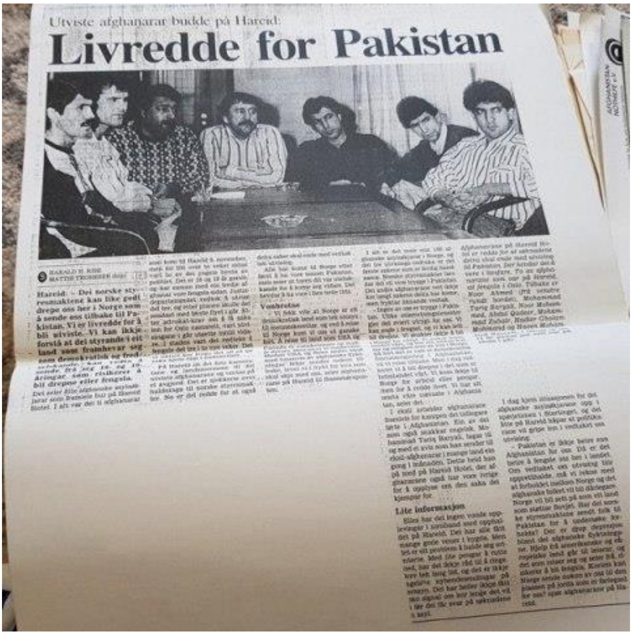

Utviste afghanarar budde på Hareid:

Livredde for Pakistan

(c) ketabton.com: The Digital Library

AFGHANARANE PÅ HAREID HOTEL

PARTIARBEID I EKSIL

MARIT KVAMMEN

Han er høg og senesterk, i trettiårsalderen, hans engelske ordforråd er upåklageleg, men aksenten gjer at han stundom er litt vanskeleg å forstå. Men Mohammed Tariq snakkar gjerne, forklarar tolmodig tilhøva i heimlandet Afghanistan – til alle som vil høyre på og sjå utstillinga han og dei ni andre afghanarane som for tida er på hotellet, har laga i stand.

For desse asylsøkjarane er det maktpåliggande å drive politisk agitasjon, same kvar i verda dei er. Det opptek dei i mesteparten av fritida.

Mohammed Tariq er tidlegare geriljaleiar, det vil seie han har hatt kommandoen over ei av timannsgruppene som geriljaen i hans område er inndelt i. Spør vi kva han gjorde i det sivile liv, er svaret student. Jus og politikk er faga hans. Den russiske etterret-

Dei tror ikkje på Gorbatsjov for det om han har gitt ordre om tilbaketrekking av troppane. I Kabul har han sine folk som kontrollerer at det ikkje skal haldast frie val i-kevel, hevder Tariq. Sovjet måtte trekke seg tilbake no, og det var vi som tvinga dei!

«Vi» er Den islamske union av den Afghanske Mujahideen, som er det fullstendige namnet på samanslutninga av dei mange islamske partia.

Og det er ikkje berre Gorbatsjov desse muslimane har skepsis til. Den andre stormakta, USA, har vore lite til hjelp, meiner dei. På den sida fryktar dei ei utvikling som i Khomeinis Iran dersom Mujahideen kjem til makta.

-Men det er utelukka, kan Tariq fortelje. I Iran er det Shia-muslimane som rår, i Afghanistan høyrer berre 10 prosent av folket til denne religionen, 90 prosent er Sunni-muslimar. Det forklarar alt, slik han ser det. Sunni-muslimane ville aldri la ein førar som Kho-

Dei ti afghanarane som er plasserte på Hareid Hotel, har alle ei fortid i geriljaen, med unntak av den yngste, ein blid 15-åring. Han går på ungdomsskulen på Hareid, draumen er å kome tilbake til Afghanistan om eit års tid - og bli geriljasoldat.

I motsetning til dei tamilske og iranske asylsøkjarane er afghanarane slett ikkje opptekne av å vere anonyme, tvert om. I romjula arrangerte dei eit større informasjonstreff på hotellet, med plakatar, fotomontasjar og omvisning. Dei vil tale Mujahideen si sak kvar som helst, både desse og dei 150 andre afghanarane som for tida oppheld seg i Norge.

Men Muhammed Tariq har ei spesiell oppgåve som han arbeider med dag og natt. Han lagar informasjonsavis. «Dawat» skriv han sjøl, mest for hand, og får avisa mangfoldiggjord på kopimaskinen ved Ulstein Nor. Avisene blir så sende til adresser over heile Europa, til landsmenn i eksil.

Vi er på Hareid Hotel, midt i rommet eit lite norsk juletre, på veggene rundt plakatar med motiv frå Sunni-muslimane sin religion, profetane og Koranen, ein stor plakat med dei enkle ord: DOWN WITH RUSSIA. Montasjer med bilete frå den lange krigen i Afghanistan. Til venstre her Muhammed Tariq, redaktør og utgjevar av alle eksil-afghanarar si informasjonsavis, «Dawat». Den blir laga her og distribuert frå Hareid.

Men dei andre afghanarane på hotellet hjelper til. Muhammed Noor (t.h.) er militærlege, alle har elles sin bakgrunn i geriljaen. Dei kan ikkje tenke seg å sitje uverksame den tid dei har til overs etter at norskundervisninga er unnagjord. Her gjeld det å spreie informasjon om det som skjer i Afghanistan, dei er ikkje alltid nøgde med versjonane i norske media.

mot Pakistan, afghanske byar etter sovjetisk bombing, lemlesta barn...

-Her er mine brør, viser Tariq på eit bilete av ei geriljagruppe. -Har du mange søsken? -Fire brør og fire søstre, svarar han stolt. -Og søstrene, er dei også med i geriljaen? Han dreg på det. -Dei er

Organist-stilling i Hareid ledig

HAREID:

Kyrkjelyds-arbeidar i permisjo[n]

Vest Posten

NR. 21 ONSDAG 15. MARS 1989

20. ÅRGANG KR. 4

Fem av ni afghanarar er att på Hareid Hotel

KVA SKJER MED OSS ? SPØR DEI

Dei fem afghanarane som no bur på Hareid Hotell. Sitjande: Noor Ahmad, Noor Mohammad. Ståande: Mohammad Tariq Bargoli, Farhad Muhmand, Ghulam Haider Muhmand.

I redsle og uvisse sit fem afghanarar att på Hareid Hotell. Etter hendinga sist torsdag, då to av landsmennene deira vart henta av politiet, er det uvissa om framtida som igjen slit i dei. Forrige gong politiet henta to afghanarar var 2. januar i år. Kva lagnad desse to har fått, er uvisst. I alle fall veit ikkje kameratane deira her på Hareid om dei framleis sit fengsla, eller om dei er sende heimatt.

Naseem og Zubair, dei to som torsdag vart frakta til Oslo og som no sit fengsla på Fornebu, har innleia ein svelte-streik og vil rette søkelyset på korleis tilhøva er for afghanarane i eksil, anten det er her i landet eller i Pakistan.

Kva slags ekteskap lever du i?

FRÅ HEIMANE – VÅRE KVELDEN SIDE 4

Vestposten i påska!

Vestposten tek ferie i neste veke.
Annonser til fredagsnr. må vere oss i hende innan kl. 10 torsdag f.m.
Første nr. etter påske blir onsdag 29. mars.

Red.

Ulf Myhre ved Vegkontoret:

(c) ketabton.com: The Digital Library

Vest Posten

NR. 25 - ONSDAG 5. APRIL 1989 20. ÅRGANG. KR. 4,-

Godt utvalg i golvbelegg Hareid Ror a/s.

TOK BERGEN MED STORM.

Reportasje s. 9.

rungavåg-slaget
ørundfjorden!

Anders Hustadnes
ndfjord-brosjyra

Politisk støtte frå Hareid til afghanarane -

Møte mellom afghanarar og politikarar sist måndag.

Etter initiativ frå afghanarane som bur på asylmottaket på Hareid Hotel, fann det måndag kveld stad eit møte mellom representantar frå dei politiske partia i kommunestyret og desse seks asylsøkjarane.

Bakgrunnen for møtet var dei to tilbakesendingane av afghanske asylsøkjarar til Pakistan som har funne stad tidlegare i år. Ein har idag ikkje sikre informasjonar om kva som har skjedd med desse i Pakistan.

Dei politiske representantane viste forståing for afghanarane si sak, og møtet resulterte i at dei var samde om å oppmode styresmaktene om ikkje å sende attende fleire afghanske asylsøkjarar før ein i det minste får sikre informasjonar om lagnaden til dei som alt er sende tilbake. Det var og brei semje om at det snarast råd vart arbeidd at eit politisk opprop der dei vil be dei sentrale styresmakter på nytt å vurdere afghanarane sin situasjon.

Referat frå møtet vil vi kome attende til.

Vel-

Dei lokalpolitikarane om hjelp:

Dagleg frykt blant asylsøkjarane

Med Tone Skorgenes som tolk orienterte Mohammad Tarig Baryali (i midten) Hareidpolitikarane om kva afghanarane har å bli sende tilbake til. Noor Mohammed sekunderte. Spørsmålet er kva dei kan nytte i den store samanhengen å engasjere seg. Når partia på Hareid får diskutert saka og teke kontakt med sine respektive stortingsfolk, vil det bli eit opprop til Justisministeren.

MARIT KVAMMEN

Dei seks afghanarane som er att på Hareid Hotel, skjelv i redsle for kvar framand bil som stansar utanfor. Er det og som skal hentast no?

Måndag kveld ... Hareidpolitikarane frå alle parti for om mogleg å få dei til å reagere mot regjeringa sin politikk andsynes den vesle gruppa afghanske flyktningar som har kome til Norge frå Pakistan.

Gjennom avisene har det blitt kjent at 60 av dei ca 150 afghanske asylsøkjarane i Norge har fått ...

Kven må reise?

Det som ikkje er opplyst, er kven av afghanarane som har fått handsama opphaldssøknaden sin. Og frykta breier seg. Hittil har ingen afghanar fått løyve til å opphalde seg i Norge, ikkje ein gong på humanitært grunnlag ... regjeringa ... land det vert vist til. Regjeringa støttar seg også til uttale frå FN's høgkommisær for flyktningar, som seier at afghanarar er trygge i Pakistan. Den forsikringa fekk også den norske delegasjonen som var i Pakistan for å undersøke forholda.

Farleg i Pakistan

Men afghanarane sjølve veit ...

... afghanske eksilmiljøet verkar. Han kan fortelje om kameratar som har vorte likviderte, om eit system av leigemordarar og soner der «alt er tillate». -Du kan få gjort kva som helst for pengar i Pakistan, seier Tariq.

Dei to siste afghanarane som vart henta frå hotellet like før påske og på rekordtid sende ut av landet, har enno ikkje late høyre frå seg. Kameratane som er att på Hareid, trur at dei anten er fengsla i Pakistan alt, eller dei kan vere på sjukehus som fylgje av svelte-streiken - begge alternativ er «i beste fall».

Feigt å vere flyktning

... slike som «stikk av». Dei blir merka, og kan vente seg uhaldbare tilstander når dei kjem tilbake.

Kvifor ikkje Pakistan

Det er ikkje noko afghanarar ...

... Men dei politiske ... der er ikkje slik i dag at det er mogleg. 5,5 millionar afghanarar lever i dag utanfor landets grenser, dei fleste i Pakistan og Iran, ... dei har flyktningestatus. Både KGB og den afghanske etterretningstenesta, Khad, opererer i flyktningemiljøet. Fleire ... afghanarar i eksil i Pakistan har vorte tekne av dage. Dette ... maktkampen mellom dei afghanske grupperingane som dei ...

(c) ketabton.com: The Digital Library

...ey under afghanistan-kvelden på Hareid bedehus:

Afghanistankrigen ikkje s...

ANNE GRY EILERTSEN

Det vart fullt hus under «Afghanistan-kvelden» på Hareid bedehus tirsdag. Det var afghanarane ved asylmottaket på Hareid som stod både for mat og program denne kvelden. For å takke for seg, sidan dei snart skal flytte til Austlandet, og for å informere om forholda i Afghanistan.

Og det var redselsfulle scener frå krigen dei frammøtte vart vitne om på videoskjermen. Nokre av opptaka var faktisk berre 2 månder gamle. Og dei viser at sjøl om russarane no har trekt seg ut av landet, så styrer dei i teddane likevel, mange kallar regjeringa i Kabul for ei «majorinette-regjering», nettopp fordi den blir styrt frå Russland.

Frå Afghanistan-komiteen var Laila Grimstad frå Ålesund til stades. Ho fortalde at Afghanistan-komiteen vart oppretta i årsskiftet -79-80, då russarane invaderte Afghanistan. Afghanarane hadde ingen ting å hjelpe seg med, mange av dei kasta seg framfor dei russiske tanksa som kom køyrande.

Frå 1983 har Afghanistan-komite-gruppene i Norge i første rekke konsentrert seg om sende helseteam til det hardt råka fjellfolket. Dei er då vekke i 3 månader om gongen. Men nokre er stasjonerte også for lengre perioder, og dei driv i tillegg til lækjararbeidet, med opplæring av afghanske helsearbeidarar. Elles driv komiteen skular i Afghanistan og for flyktningar i Pakistan, og dei er med på vatningsprosjekt.

Eit av dei største problema i Afghanistan no, etter at russarane har trekt seg ut, eller alle minene som ligg rundt i landskapet. Ca. 15-20 millionar miner ligg i landskapet, mange forma som fine leikety, og afghanistan-komiteen har bede regjeringa i Sovjet om å få landminekart for å rydde dei vekk. Dette har dei ikkje fått utlevert. Dagleg døyr det endå små barn på grunn av desse minene.

Tareq, som har vore geriljasoldat i Afghanistan, fortalde at sjøl om Russland er ute av Afghanistan, og viser eit blidt ansikt utover, så held dei fast på støtta si til «Quisling-regimet» i Kabul. Kvar månad blir regjeringa der støtta med 28 millionar kroner i våpen.

– Gorbatsjov blir sett på som ein god mann i Vesten, men vi afghanarane som opplever dagleg at 3000 mann blir drept på grunn av ... har eit anna syn på Gorbatsjov.

Tareq sa vidare at dei ... kommunismen dei i første ... vil til livs, men dei vil ha eit demokrati. Ein folkevald president, ikkje eit majorinette-regime styrt frå Sovjet. Og når 75% av bygningsstrukturen i Afghanistan er øydelagt på grunn av krigen, er det mykje som må byggast opp att. Då hjelper det lite at regjeringa i Sovjet sender pengar som blir brukte i Kabul, medan dei utover landsbygda ikkje får hjelp.

– Ingen hadde trudd at Afghanistan kunne kjempe mot supermakta Sovjet. Gorbatsjov har fått æra av at Russland har trekt seg ut, men det er det afghanske folket som har kjempa dei ut, sa Tareq, og la til at Afghanistan var første landet som torde å tale Gorbatsjov imot.

Folk i Afghanistan har sjølsagt forskjellige mål, men dei fleste er samde om ein ting, russarane skal ut av Afghanistan. Og korfor er det kommunistiske regjering i Afghanistan i dag, viss russarane har trekt seg heilt ut? spurde Tareq møtelyden.

– Vi har hatt ei fin tid på Hareid avslutta han kvelden med. Vi ...

Vesle Yalda på 6 år kunne synge både på afghansk, jugoslavisk og norsk. Her saman med Tareq.

I Bigset Vest

Erling Hareide leiar for fotballgruppa

Minneord

Signe Jøsok, f. Nilsen, døydde 9. oktober i år, 87 år gammal, og vi på Myra vil gjerne knyte ein krans av minne og takksemd til namnet hennar.

Ho var fødd i Hysvær, Helgeland, men kom til Bjørnsund 16 år gammal. ...

I over 60 år var ho såleis tanta vår og eit fast haldepunkt i vår barndom. Det har ho vore sidan.

Ho fekk eit langt og rikt arbeidsliv med hus og gard. Dertil var ho uvanleg flink med hendene, veving, hekling, brodering og andre ting. Til henne kom vi når noko stod på.

I 1959 flytte ekteparet, saman med einaste sonen, til Hjørungavåg, der dei kjøpte seg hus. ...

No har ho også fått oppfylt sitt andre ønskje: Å få flytte til dei evige bustader.

Kjære tante, vi unner deg kvila i Jesu namn.

Ingebjørg Wolsdal

Signe Jøsok vart gravlagd frå Hareid kyrkje ... oktober. ... Rolf Grimstad spelte ... orgelstykke som innleiing på høgtida. Res.kap. Dag Håland stod føre den rituelle tenesta og heldt talen utfrå Joh. 9, 4-5: «Så lenge det er dag må vi gjere hans gjerningar som har sendt meg. Det kjem ei natt då ingen kan arbeide. Medan eg er i verda, er eg ljoset for verda — »

Desse blomane vart lagde på båra hennar:

— Ein bårebukett frå søstra Olga Jensen og ein krans frå søstra Konradine Paulsen, ved Henry Jensen.

— Krans frå svigerinne og tante, ...

Informasjonskveld om Afghanistan

Mohammad Tarig Baryali, ein av dei 10 afghanistanarane som bur på Hareid Hotel og som no inviterer til informasjonskveld.

27. desember 1979 invaderte russarane Afghanistan. Sidan har afghanistanarar i eksil markert denne dagen.

Førstkomande tirsdag vil dei 10 afghanistanarane som no bur på Hareid Hotel invitere bygdefolket til ein opplysningskveld om heimlandet sitt. Dei vil fortelje gjennom film, bilete og samtale om kulturen sin, kva som har skjedd og kva som er i ferd med å skje i heimlandet.

Idag er det omlag 5 millionar afghanske flyktningar. Ein del av desse er på stadig flukt i sitt eigeland. Dei som bur her i bygda måtte reme frå landet for 3 månader sidan. Tilstanden har altså ikkje roa seg sjølv om russarane har byrja tilbaketrekkinga.

(c) ketabton.com: The Digital Library

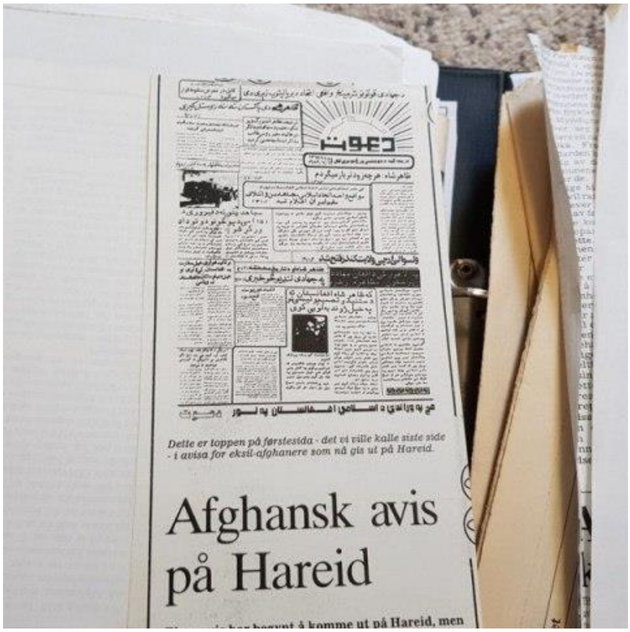

(c) ketabton.com: The Digital Library

FREDAG 6. JANUAR 1995 reportasje 11

Fører kamp med pennen

DAWAT

- Jesus ville ikke tifte noen religion

Slakter boka om skogfinnene

Akershus

NR. 5 - FREDAG 6. JANUAR 1995
LØSSALG KR. 8,00

ROMERIKES BLAD

Volvo-kontra til Dyno Cipa

Tariq byttet gevær med avis

Afganske Tariq Bazger kjempet med våpen mot den russiske okkupanten i hjemlandet. Nå fører skedsmoboeingen kamp for fred gjennom sin egen avis. Avisen har 2.500 abonnenter i 40 land.
SIDE 11

Birger med grovt skyts

Museumsbestyrer Birger Nesholen ... SIDE 11

Kari på hjemme-

(c) ketabton.com: The Digital Library

RORANGREPET PÅ USA

Afghanistan: stormaktenes gravplas

Moské må ha politivakthold

Afghaner på Skjetten truet

Nekter å gi etter for terroren

Hadde terroristene en muldvarp i Det hvite hus?

krigen mot terror

Trøtte av krig

Afghanere i Norge er livredde for at angrepet på Afghanistan skal ramme sivilbefolkningen. – Vi støtter USAs jakt på terrorister, men kan ikke akseptere at sivilbefolkningen må lide. Da må vi reagere, sier Tariq Bazger.

Av SISSEL FANTOFT

Familien ute

«Vi må forsøke å hjelpe dem der nede så godt vi kan.»
TARIQ BAZGER

Ingen hellig krig

– Dette er terrorisme

Imam Abdulquddus Shaikhjami ved Sarpsborgs Muslimske Kultursenter fordømmer angrepet på Afghanistan. – Dette er terrorisme. Det er uskyldige mennesker som lider, sier han.

– Afghanistan oppløses

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن فرهنگ افغانی در امریکا / سال۲۰۰۰م

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

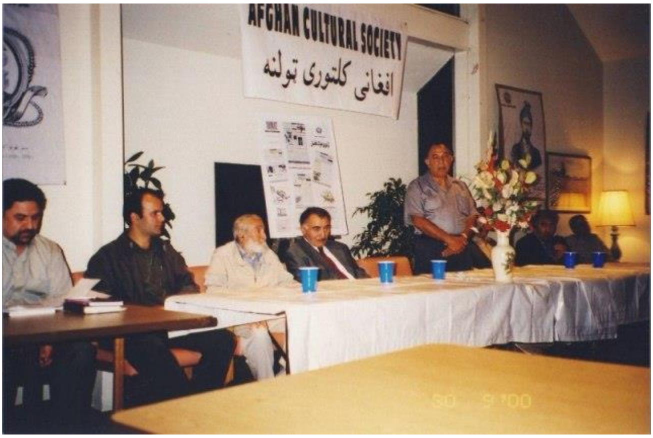

(c) ketabton.com: The Digital Library

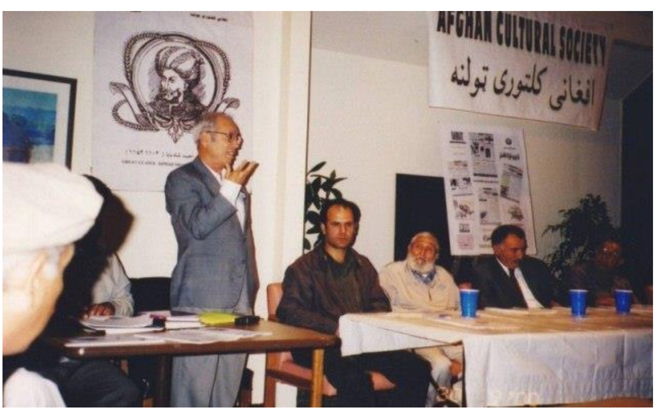

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در برنامه ی تلویزیونی
ستاره های درخشان ادب و هنر

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش در انجمن خیزش جوانان در سویدن

(c) ketabton.com: The Digital Library

در گزارش تلویزیون ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

ستایش نامه ها

پیل د بښونکي څښتن تعالی په نوم

ستاینلیک

سویډن کې د زلمو پاڅون ټولنه د ګران هیواد افغانستان ویاړمن فرهنګي شخصیت او توسیالي ژورنالیست **ښاغلي محمد طارق بزګر** ته ، د هغوی د نه ستړي کېدونکو خدمتونو په درناوی دا ستاینلیک ورکوي او نوموړي ته د لا نورو بریالیتوبونو هیله کوي.

نېټه: ۲۰۱۱.۱۲.۱۰

پته : ستوکهلم سویډن

I Guds, den Barmhärtiges, den Nåderikes namn

Diplom

Föreningen Zalmo Pason vill härmed tacka Herr **Mohammad Tariq Burger** för sitt stora engagemang och outtröttliga journalistiska arbete. Vi känner en stor tacksamhet och ser fram emot nya framgångar och önskar honom all lycka med sina framtida projekt.

10.12.2011

Stockholm, Sverige

لاسلیک

افغاني کلتوري ټولنه
شمالي کلیفورنیا، امریکا

Afghan Cultural Society

نېټه: د تلې اتمه ۱۳۷۹

منن لیك

قدرمن هیوادپال ښاغلی محمدطارق بزګر

څرنګه چه تاسو دیوغښتلي هیواد پال په توګه په تیره لسیزه کی دهیواد ملي کتبي او کلتور د ژوندی ساتلو په لار کی نه ستړي کیدونکی هلی ځلی کړی د بلی خوا د ګډعوت* زرینه میاشتنی خپرونه مو د یو ځلانده ستوری په توګه دافغانستان دمطبوعاتو په اسمان کی روښانه سا تلی.
دادی افغانی کلتوري ټولنه ستا سو د دی سپیڅلی خدمتونو او ستاینه کوی اوکور ودانی درته وایی.هیله ده چه دا کلتوري پاخون ترپایه تعقیب کړی . دلوی خدایه در ته په دی ملي خدمت کي بری غواړو.

په درنښت

پوهاند ډاکټر شاه ولي ازاکوزی
د افغاني کلتوري ټولني مشر

(c) ketabton.com: The Digital Library

CERTIFICATE OF FELLOWSHIP

We hereby declare that

BAZGER M.TARIQ

Completed the IInd Media21 workshop on [illegible] during the Probalt Conference in Gdansk, Poland, Sept 13—Sept 19, 2009

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

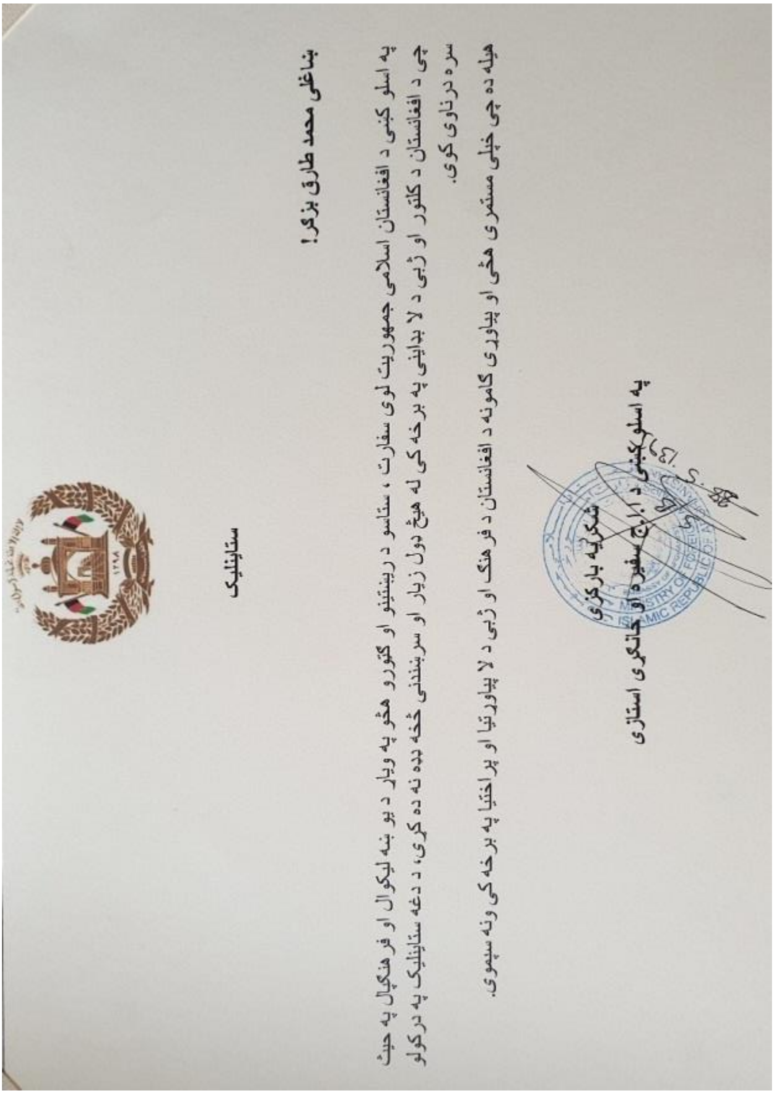

ستاینلیک

ښاغلی محمد طارق بزګر!

په اسلو کښې د افغانستان اسلامی جمهوریت لوی سفارت ، ستاسو د ریښتینو او ګټورو هڅو په ویاړ د یو ښه لیکوال او فرهنګپال په حیث چې د افغانستان د کلتور او ژبې د لا بداینې په برخه کې له هیڅ دول زیار او سربښندنې څخه ډډه نه ده کړې، د دغه ستاینلیک په درکولو سره درناوی کوی.

هیله ده چې خپلې مستمرې هڅې او بریاوړې ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبې د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کې ونه سپموی.

شکریه بارکزی

په اسلو کښې د ا.ا.ج سفیره او ځانګړې استازې

ستاینلیک

ښاغلی محمد طارق بزګر!

په اسلو کښی د افغانستان اسلامی جمهوریت لوی سفارت ، ستاسو د ربښتینلو او کتورو هڅو په ویار د یو ښه لیکوال او فرهنګیال په حیث چی د افغانستان د کلتور او ژبی د لا بډاینی په برخه کی له هیڅ دول زیار او سربښندنی ځخه ډډه نه ده کړی، د دغه ستاینلیک په درکولو سره درناوی کوی.

هیله ده چی خپلی مستمری هڅی او پیاوړی ګامونه د افغانستان د فرهنګ او ژبی د لا پیاوړتیا او پراختیا په برخه کی ونه سپموی.

شکریه بارکزی

په اسلو کښی د ا.ا.ج سفیره او ځانګړی استازی

(c) ketabton.com: The Digital Library

پنځم څپرکی:

د دعوت نوستالژی

(c) ketabton.com: The Digital Library

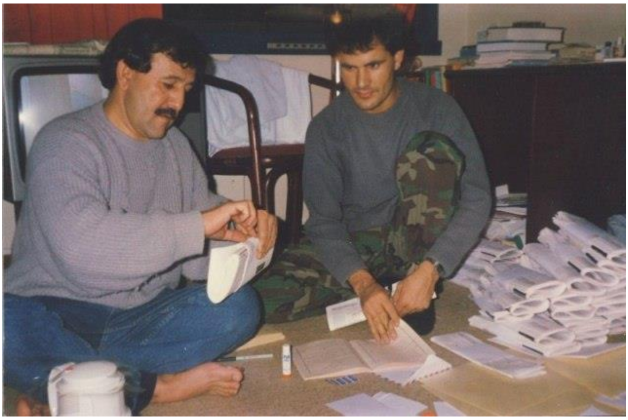

(c) ketabton.com: The Digital Library

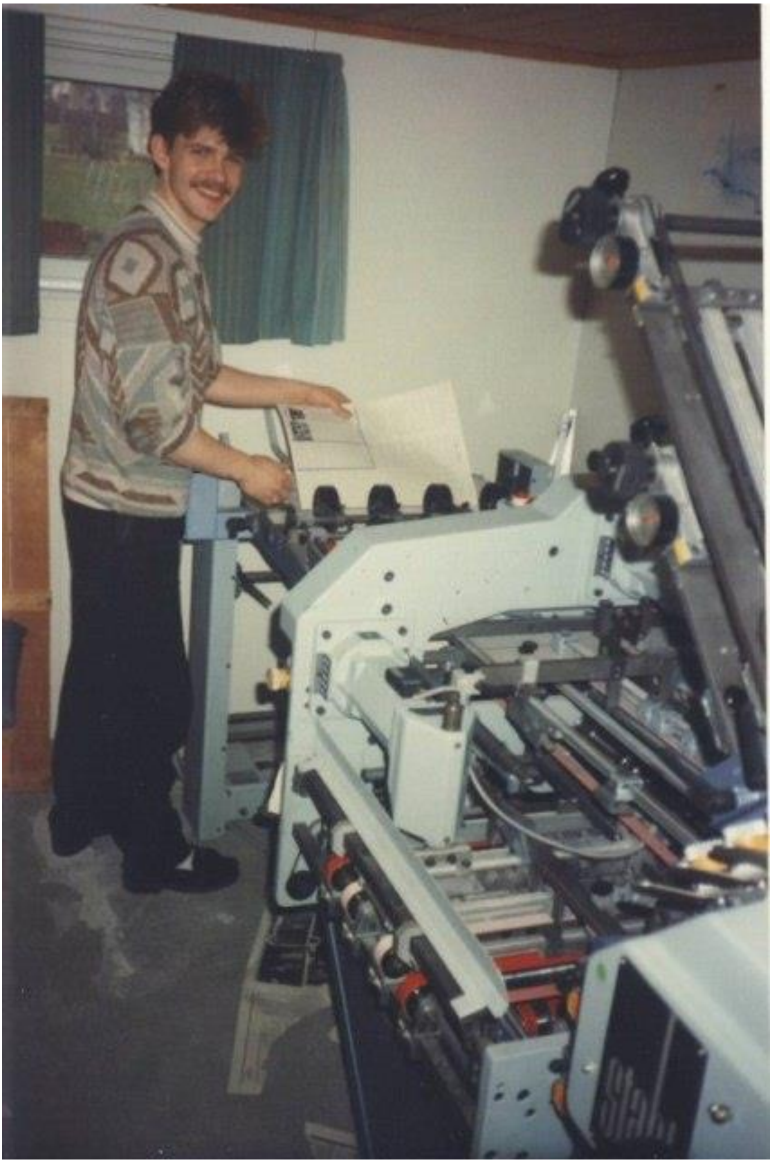

مسوول ناروېژی چاپ نشریه ی دعوت

(c) ketabton.com: The Digital Library

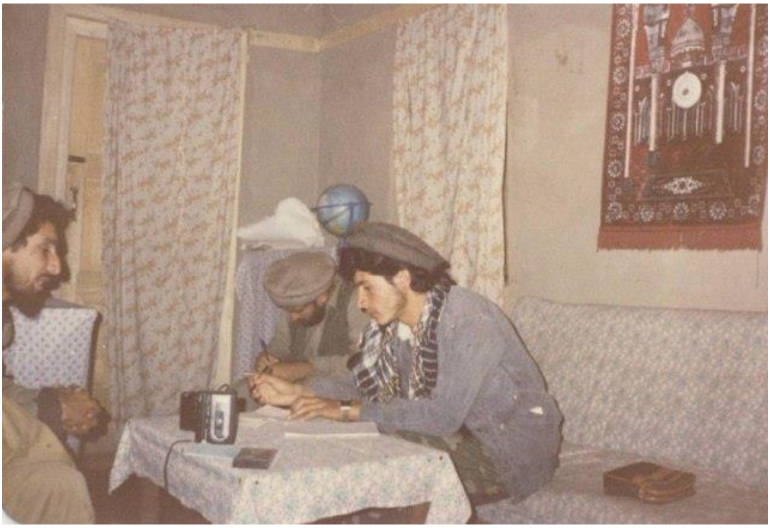

گزارشگران نشریه ی دعوت با مرحوم احمد شاه مسعود

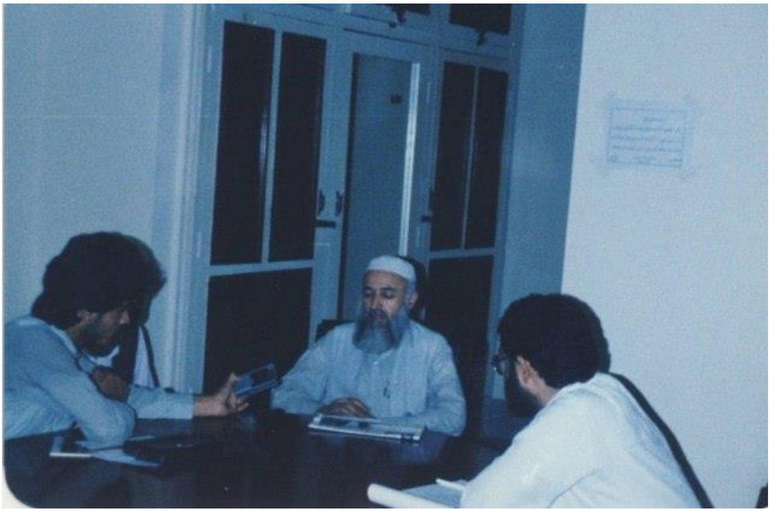

گزارشگران نشریه ی دعوت با ملا برهان الدین ربانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

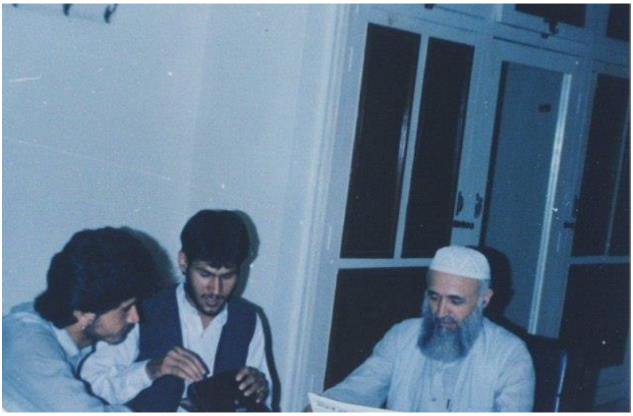

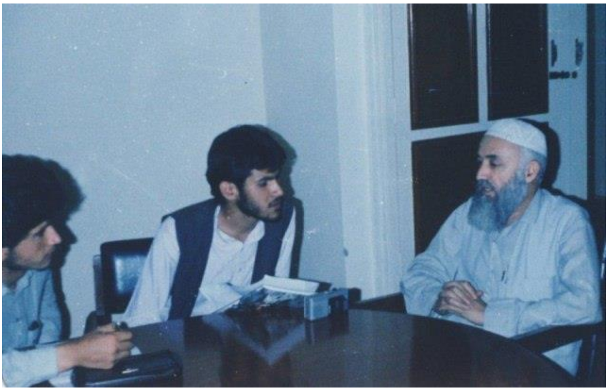

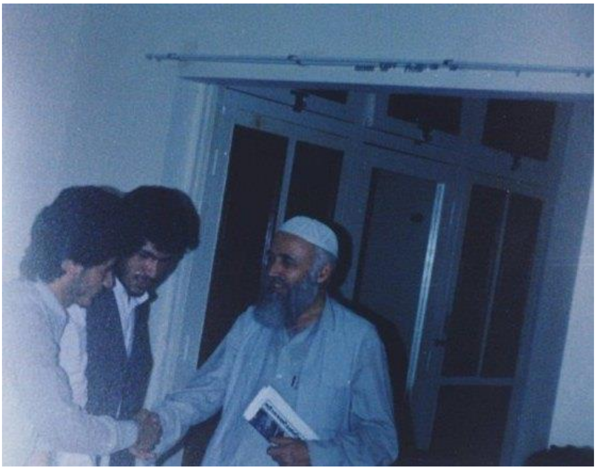

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم علی احمد خان پوپل

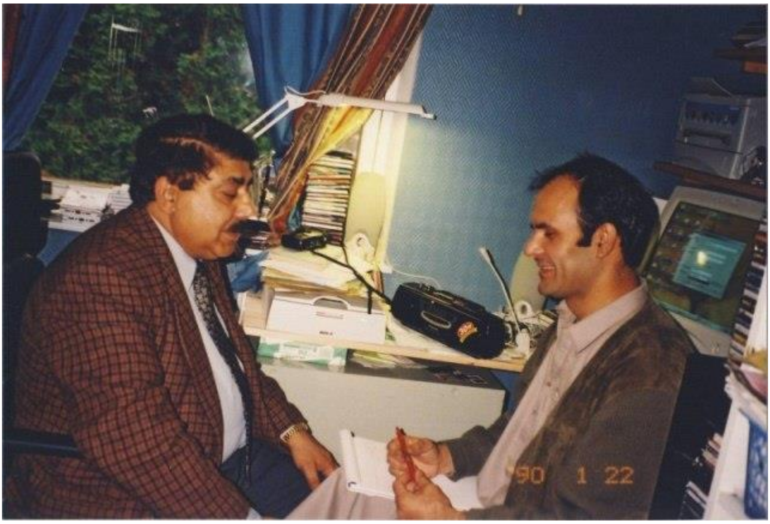

فاروق میرنی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

الحاج فضل الكريم فضل

(c) ketabton.com: The Digital Library

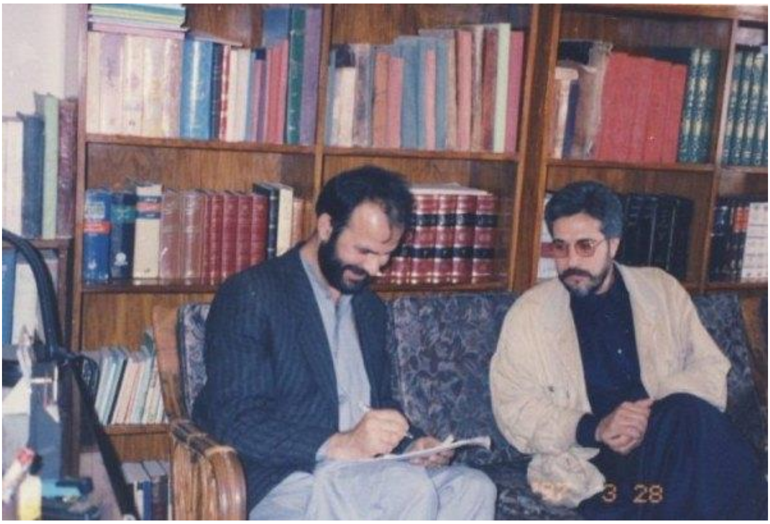

سید اسحاق گیلانی

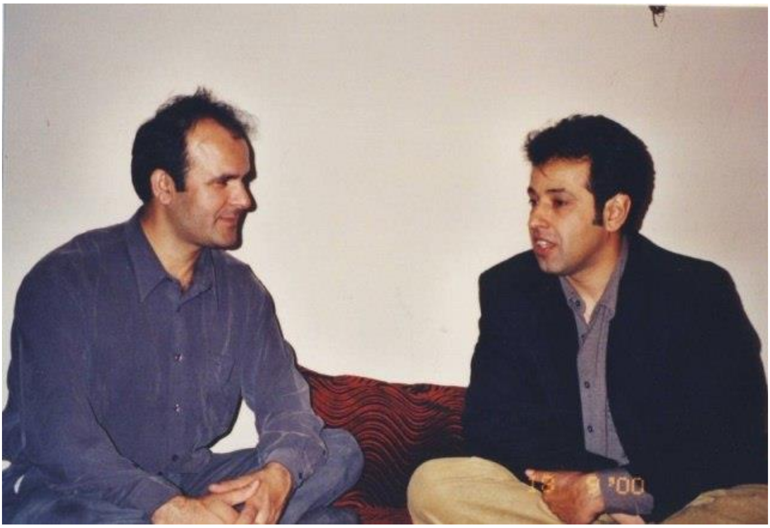

خالق عزیز

(c) ketabton.com: The Digital Library

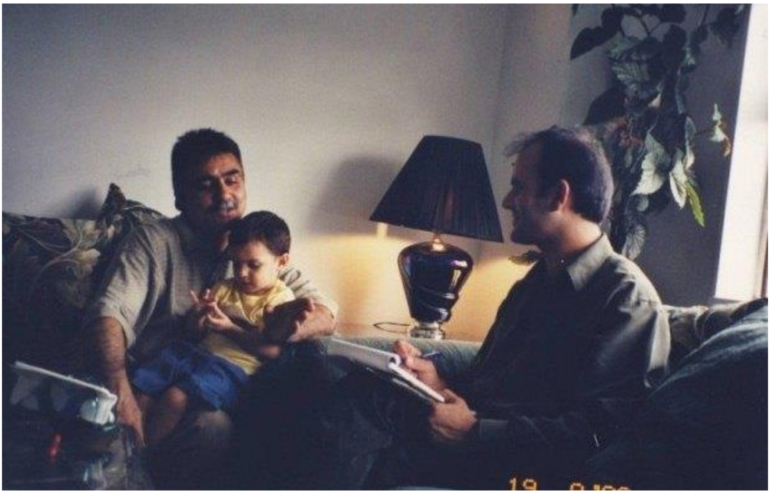

لطيف جان بابی

محمد گل دیانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

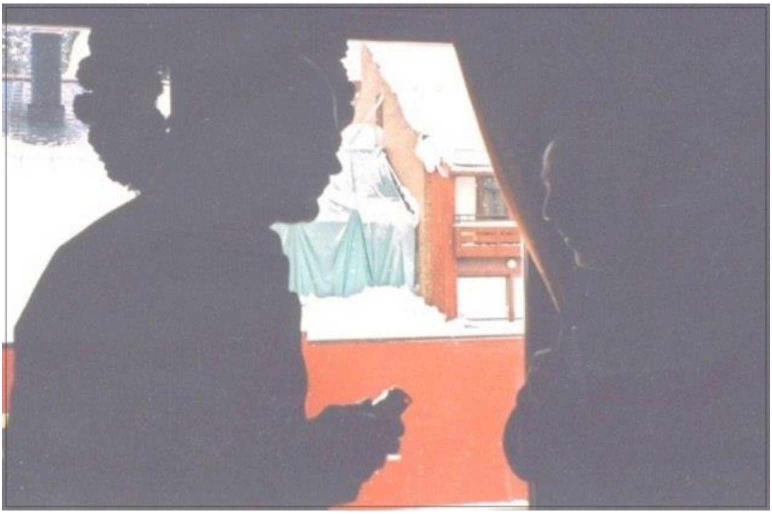

حامد کرزی

شینکی کروخیل

(c) ketabton.com: The Digital Library

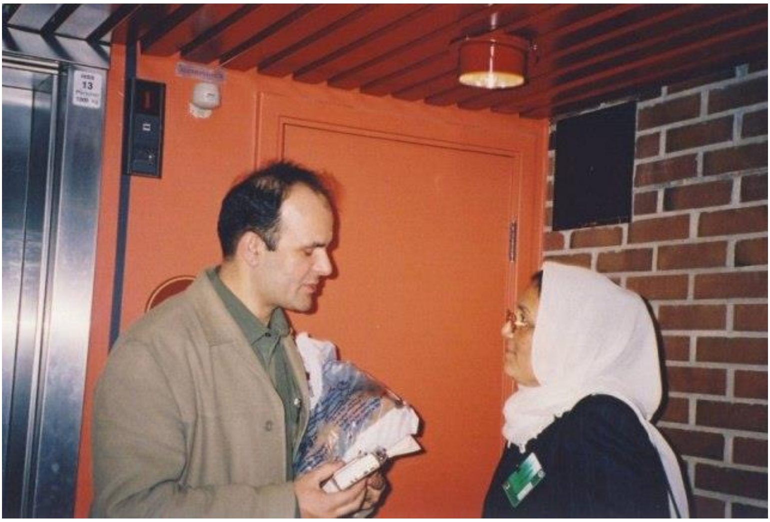

حبيبه سرابی

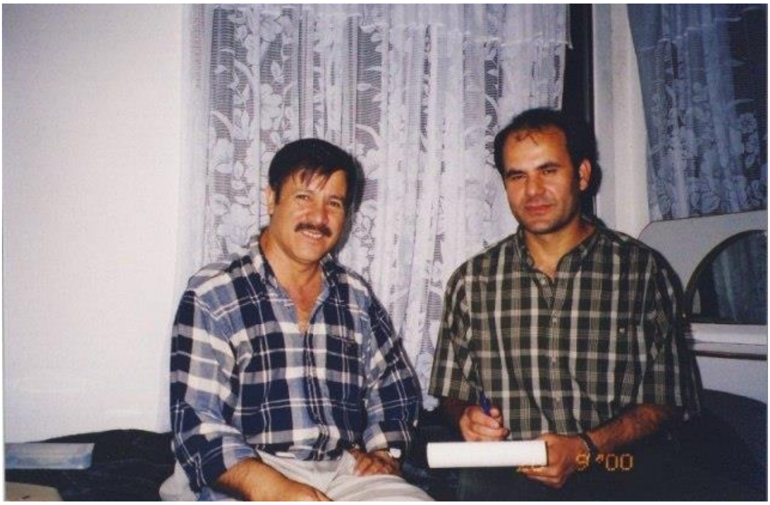

زمریالی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

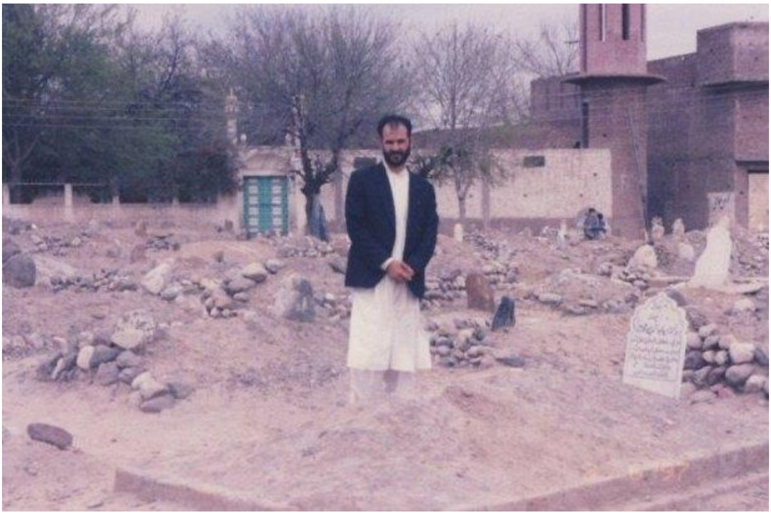

پشاور: مقبره ی مرحوم پوهاند سید بهاءوالدین مجروح

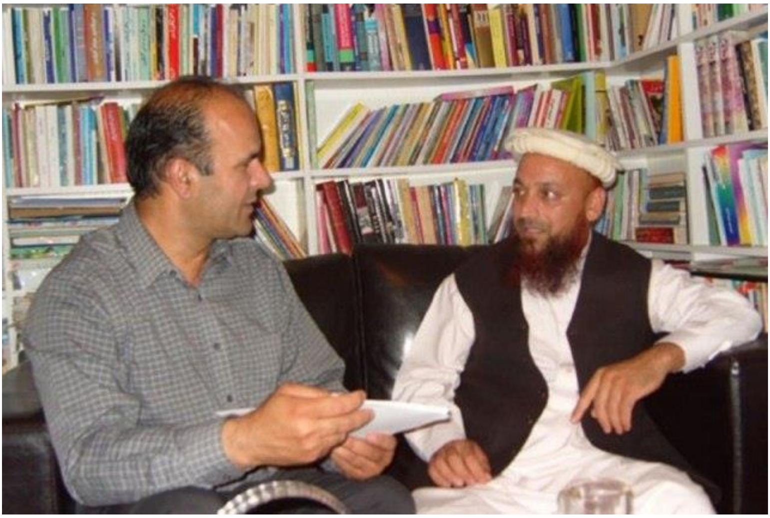

ساپی

(c) ketabton.com: The Digital Library

کبیر ستوری

بی نظیر بهوتو

(c) ketabton.com: The Digital Library

داکتر فرید بزگر

(c) ketabton.com: The Digital Library

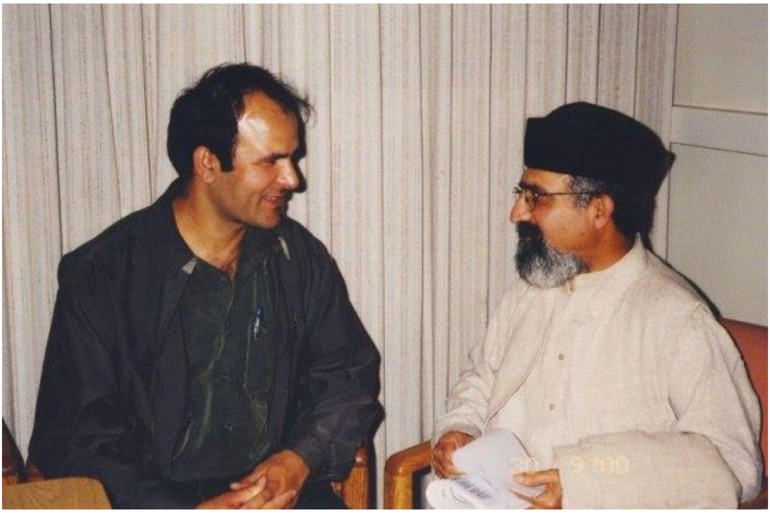

داوود مومند

(c) ketabton.com: The Digital Library

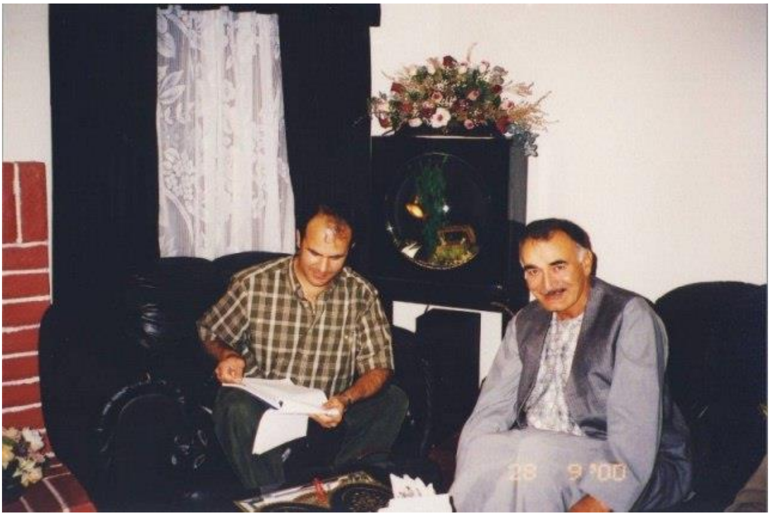

داکتر عبدالقیوم کوچی

داکتر نبی مصداق

(c) ketabton.com: The Digital Library

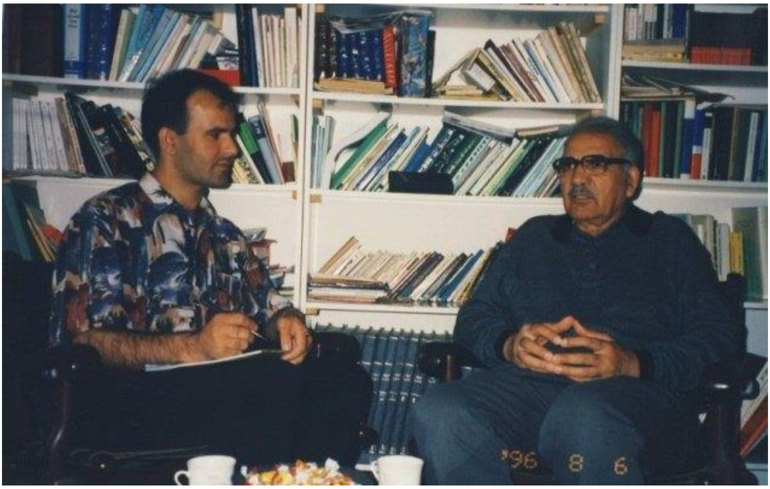

مرحوم داکتر عبدالصمد حامد

هاشم زمانی

(c) ketabton.com: The Digital Library

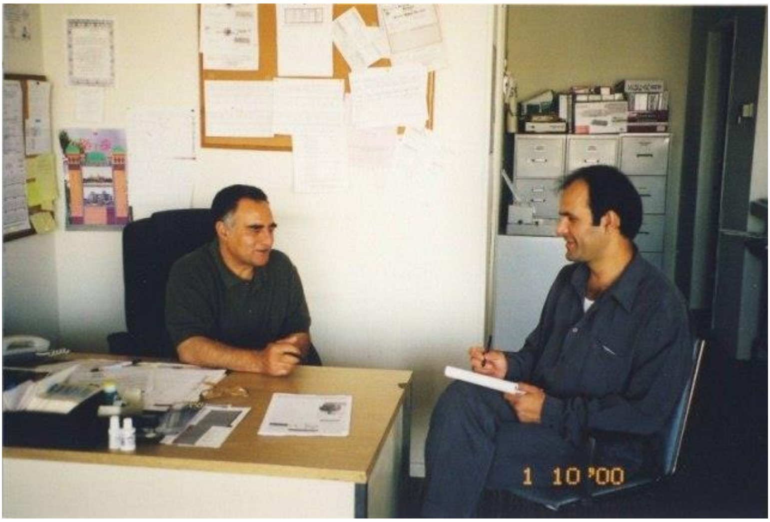

عبدالله مجروح

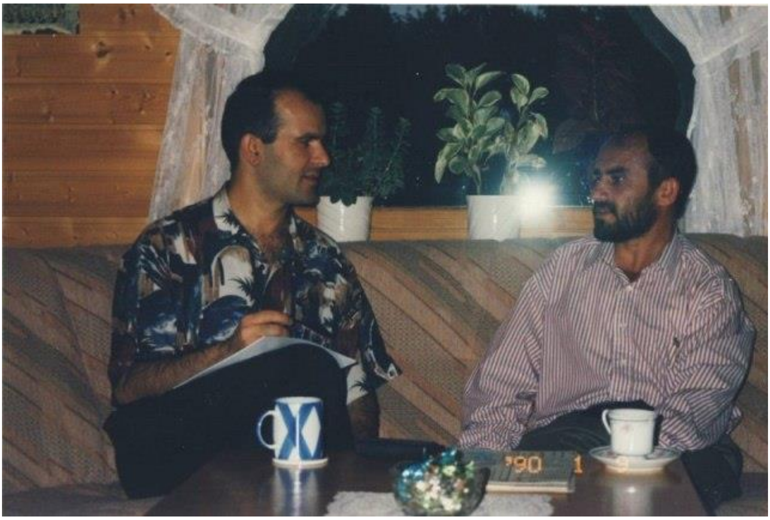

شينواری

(c) ketabton.com: The Digital Library

سراج الدين منگل

ریود لیبور

(c) ketabton.com: The Digital Library

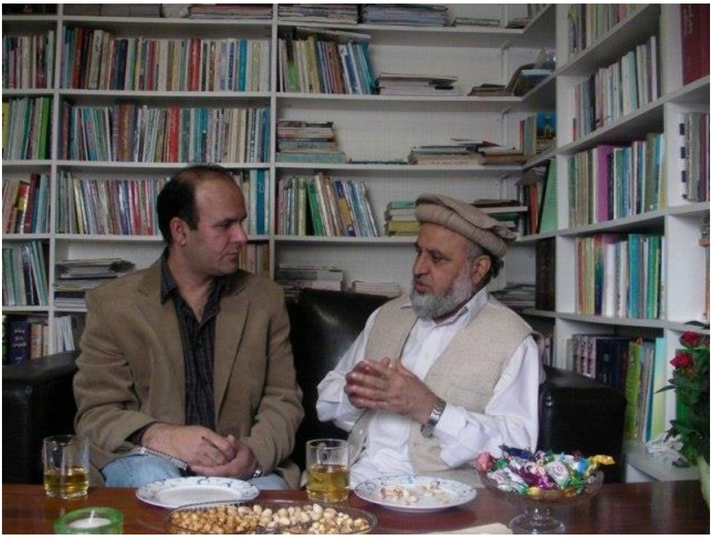

سيما ثمر

(c) ketabton.com: The Digital Library

شپېږم څپرکی:

د انځورونو البم

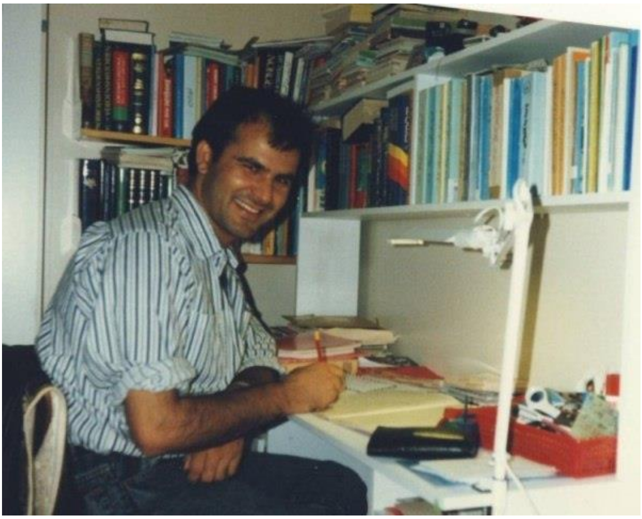

(c) ketabton.com: The Digital Library

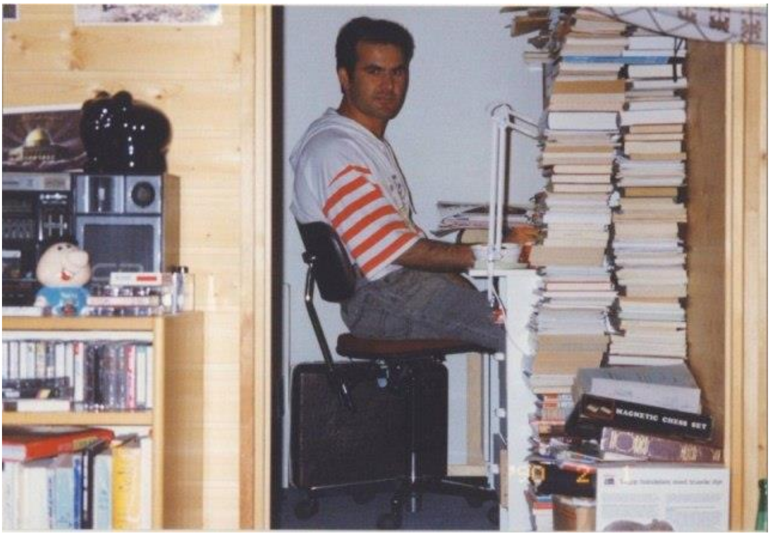

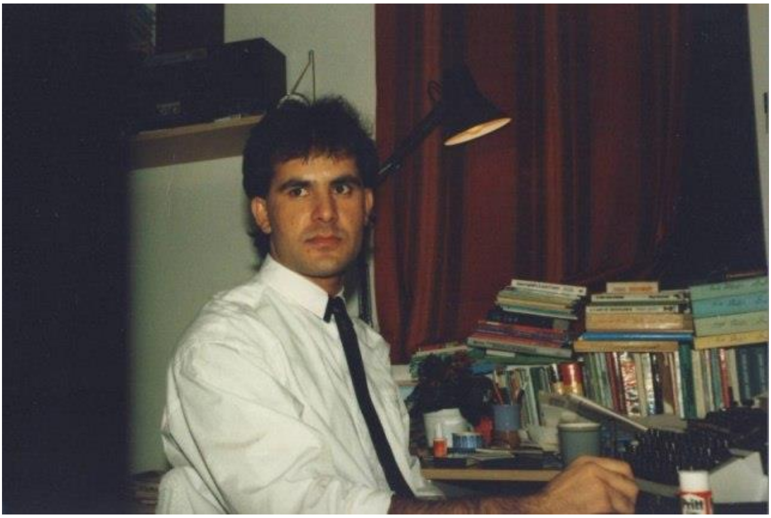

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

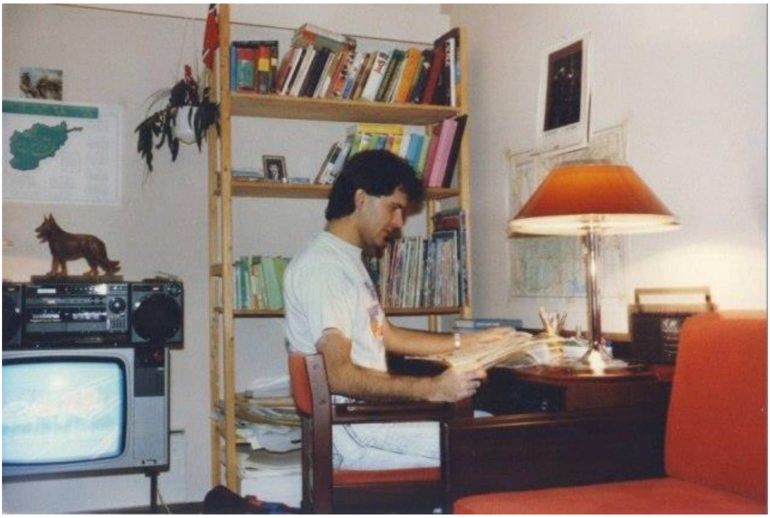

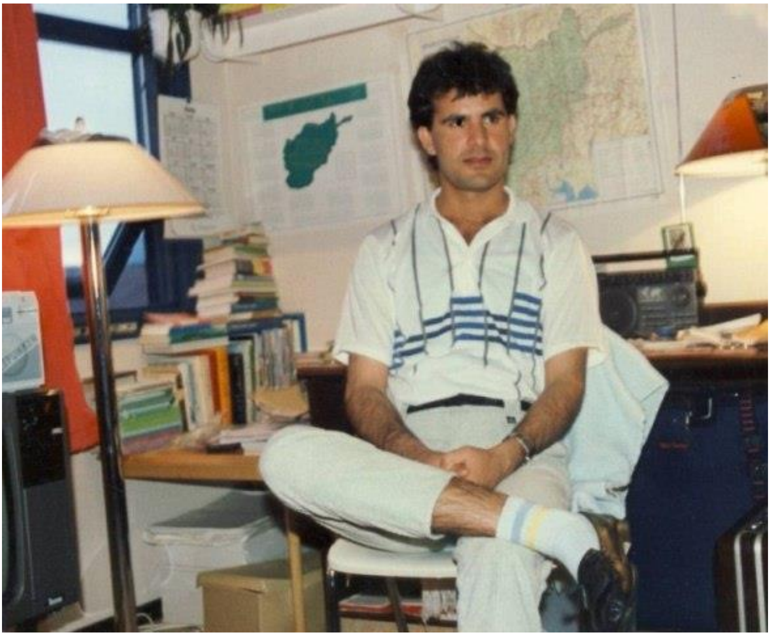

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

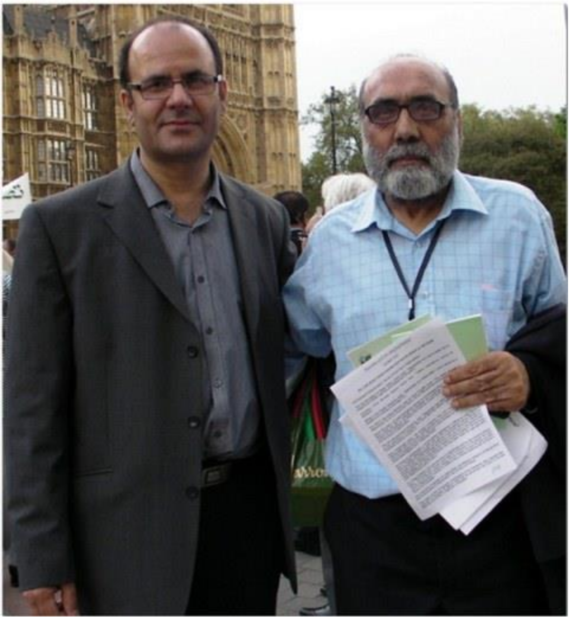

غلام محمد زرملوال

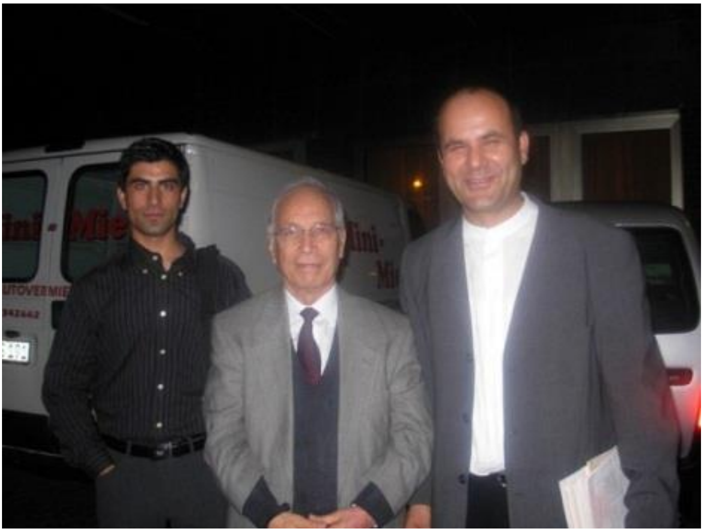

مرحوم پوهاند محمد حسن کاکر

(c) ketabton.com: The Digital Library

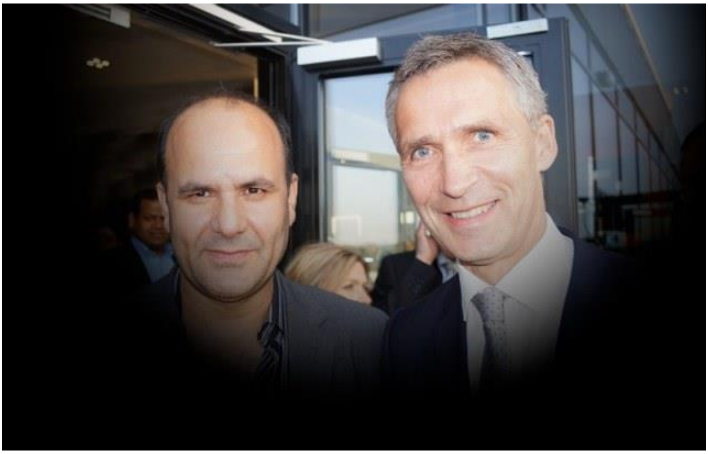

ستولتنبرگ

سفیر امریکا در ناروی

(c) ketabton.com: The Digital Library

مرحوم عبدالصمد حامد

باندویک

(c) ketabton.com: The Digital Library

از راست به چپ: استاد روستار تره کی، بزگر و غوث خبیری

ادوارد جیراد

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

معرفی مصطفی «عمرزی»
(نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار)

- متولد ۲ عقرب سال ۱۳۶۲ در کابل.
- فارغ از «لیسه ی عالی استقلال» در سال ۱۳۷۸.
- فارغ به سویه ی دیپلوم از بخش «رادیو و تلویزیون» پوهنځی ژورنالیزم پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲.
- دارنده ی گواهینامه ی «گزارشگر انتخابات» از پروژه های آموزشی شبکه ی جهانی BBC.

تجربیات کاری:
عضو شورای مرکزی، گزارشگر، خبرنگار، روزنامه نگار، مدیر مسوول نشریه، همکار قلمی، مصحح، نویسنده، تهیه کننده، کارگردان، مسوول ارزیابی نشرات، مسوول طرح و ارزیابی و مسوول واحد فرهنگی در نهاد ها و رسانه هایی چون اتحادیه ی ملی ژورنالیستان افغانستان، اتحادیه ی ملی ژورنالیستان و خبرنگاران افغانستان، انجمن شاعران و نویسنده گان افغانستان، هفته نامه ی «قلم»، تلویزیون«۱»، رادیو و تلویزیون «باختر»، فصلنامه ی «بنیان اندیشی» (منتشره در جمهوری اسلامی ایران)، روزنامه ی «سرخط»، مجله ی «اوربند»، گاهنامه ی «تحریک»، وب سایت «پول افغان»، وب سایت «پول افغانستان»، وب سایت «دعوت میدیا ۲۴»، وب سایت «تاند»، وب سایت «روهی»، وب سایت «حقیقت»، وب سایت «دانشنامه ی افغان»، وب سایت «سمسور»، وب سایت «لر او بر»، وب سایت «نن»، وب سایت «خبرپانه»، وب سایت «کتابتون» و واحد تولید «آمو فلم».
آفرینش های کاری- فرهنگی
برنامه ها و فلم های مستند تلویزیونی:
۱- برنامه ی مستند تاریخی«یک سده فراز و نشیب» در تلویزیون «باختر»: ۱۴ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۲- برنامه ی مستند تاریخی «آیینه ی تاریخ» در تلویزیون «باختر»: ۱۸ قسمت ۲۴ دقیقه یی.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۳- برنامه ی مستند ادبی «نای» در تلویزیون «باختر»: ۲۰ قسمت ۲۴ دقیقه یی.
۴- فلم مستند «۲۶ سرطان» در تلویزیون «باختر»: ۲۴ دقیقه.
۵- فلم مستند «پژواک کوهسار» (پیرامون زنده گی مرحوم فقیر فروزی) در تلویزیون «باختر»: ۴۰ دقیقه.

تخلیقات:

۱- صحبت های مغاره نشینان (طنزی)- منتشر شده است.
۲- افغانستان و بازار آزاد (سیاسی- اجتماعی)- منتشر شده است.
۳- مرز و بوم (تاریخی).
۴- چهار یادواره (معرفی چهار فرهنگی افغان)- منتشر شده است.
۵- سخن در سخن (معرفی کتاب ها).
۶- یک قرن در تاریخ و افسانه (تاریخ تحلیلی و شفاهی افغانستان از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ میلادی)- منتشر شده است.
۷- افغاننامه (مشاهیر افغان)- منتشر شده است.
۸- پشتون ها (تحلیلی)- منتشر شده است.
۹- رسانه ها، مدیریت و نوسان ها (رسانه یی).
۱۰- در هرج و مرج زیستن (سیاسی- اجتماعی).
۱۱- تاریخ عمیق (طنزی).
۱۲- اندیشه در بستر سیاست و اجتماع (مقالات منتشره در روزنامه ی سرخط)- منتشر شده است.
۱۳- با زبان دری (تحقیقی- تحلیلی)- منتشر شده است.
۱۴- روزگار (نوستالژی).
۱۵- پاسخ (واکنش ها).
۱۶- تامل و تعامل فرهنگی (فرهنگی).
۱۷- ارتجاع و مرتجع (انتقادی).
۱۸- سیر فرهنگی (فرهنگی).
۱۹- پی آمد تصویر (فلم و سینما).
۲۰- در منظر بیگانه (تحلیلی).
۲۱- ذهنیت متنازع (ابراز نظر).

جزوه ها:

۱- به رنگ آبی (زنده گی شهید مینا).
۲- مردی از سرزمین آزاده گان (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد شفیق گل آقا شیرزی).
۳- محمد نادر «نعیم» (زنده گی و برنامه ی انتخاباتی محمد نادر نعیم).

تالیفات:

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱- هنر در سینمای افغانان (فلم هنری سینمایی افغانستان از ۱۳۲۷ تا امروز)- منتشر شده است.

گردآوری ها:

۱- زمانی که مفاخر ناچیز می شوند (تنقید تاریخی)- منتشر شده است.
۲- حقیقت خورشید (پیرامون کلمات افغان و افغانستان)- منتشر شده است.
۳- در جغرافیای جهان سوم (بررسی ستم ملی و ستیز قومی در ایران).
۴- در متن مدعا (اهل سنت در جمهوری اسلامی ایران).
۵- نگرش نو بر شاهنامه و فردوسی (تنقید فردوسی و شاهنامه)- منتشر شده است.
۶- مُنحنی تاریخ (تنقید کوروش و سلسله ی هخامنشی)- منتشر شده است.
۷- آریاییسم (تنقید پدیده ی آریایی)- منتشر شده است.
۸- پور خرد (معرفی زنده یاد استاد ناصر پورپیرار)- منتشر شده است.
۹- دریَ افغانی (پیرامون زبان دری و ویژه گی های آن)- منتشر شده است.
۱۰- آیین های سخیف (تنقید ادیان زردشتی، مزدکی و مانوی)- منتشر شده است.
۱۱- کتاب نامه ی من (پیرامون زنده گی و کارنامه ی مصطفی عمرزی).
۱۲- پندار ستمی (تنقید و بررسی پدیده ی معروف به ستمی).
۱۳- آرکاییسم (تنقید باستانگرایی)- منتشر شده است.
۱۴- معنی (گزیده هایی از سخنان اندیشمندان).
۱۵- محوطه ی سیاه (تبیین و بررسی فارسیسم).
۱۶- رسالت ملی (کارنامه ی محمد طارق بزگر).

ترجمه ها:

۱- تا حصار پنتاگون (سفرنامه ی واشنگتن): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۲- رسانه های کنونی افغانی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۳- ساختار هندسی شعر پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۴- انگیزه های فرار نخبه گان حرفه یی از افغانستان: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۵- تخت دهلی را فراموش می کنم (سفرنامه ی هند): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۶- افغانستان در پیچ و خم سیاست: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۷- اگر جهانیان شکست بخورند؟: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۸- درست نویسی پشتو: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.
۹- فقر فرهنگی: محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

۱۰- در قلب کرملین (سفرنامه ی مسکو): محمد اسماعیل «یون»- منتشر شده است.

۱۱- مشی «تحریک ملی افغانستان»- در اختیار «د افغانستان ملی تحریک»، قرار داده شده است.

۱۲- اساسنامه ی «روند ملی جوانان افغان»- در «اختیار روند ملی جوانان افغان»، قرار داده شده است.

۱۳- اساسنامه ی «انجمن پیشرفت و رفاه زنان افغان»- در اختیار این نهاد، قرار داده شده است.

۱۴- اساسنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.

۱۵- مرامنامه ی «حزب حرکت مردمی افغانستان»- در اختیار این حزب، قرار داده شده است.

۱۶- ناگفته های ارگ: محمد اسماعیل «یون».

همکاری های فرهنگی با دیگران در تهیه ی کتاب ها، فلم ها و برنامه ها

کتاب ها و نشریات:

«سایه بان بی سایه»، «تحقیقی پیرامون سوابق تاریخی و موقف حقوقی قرارداد و خط دیورند»، «پشتونستان»، «پژواک؛ زنده ی جاویدان است»، «منار نجات»، «حکمیت انگلیس در سیستان»، «زنده گی امیر دوست محمد خان- جلد اول» و «پیروزی» (راجع به احمد یاسین سالک قادری).

فلم ها و برنامه های تلویزیونی:

«مستند باختر» (برنامه ی تاریخی)، برنامه ی اجتماعی »همتا»، «بازتاب اعتماد مردم» (سلسله ی انتخاباتی) و «شهید ملت» (مستند زنده گی شهید عبدالحق).

تاییدات فرهنگی- مدنی:

- ستایشنامه ی «پوهنځی ژورنالیزم» پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۲ش.
- ستایشنامه ی «مجمع صلح افغانستان» در سال ۱۳۸۶ش.
- ستایشنامه ی «شورای ژورنالیستان افغانستان» در سال ۱۳۹۳ش.
- ستایشنامه ی «مشرانو جرگه ی افغانستان» در سال ۱۳۹۶ش.

(c) ketabton.com: The Digital Library

National mission

By:
Mustafa Omarzai

ISBN: 978-82-691395-3-2

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library